

## درخواست عفوبین المللی برای بازدید از ایران و واکنشهای وقیحانه و احمقانه رژیم

طی نطق شدیدالحنی باین سازمان حمله کرد و گفت: "بدا نیدکه همه قدرتهای شیطانیه، همه وابستگان به قدرتهای شیطانیه مثل سازمان عفوبین المللی و دیگر سازمانها دست بدست هم دادند که این جمهوری را در اینجا خفه کنند". بدنبال آن موسوی تبریزی دادستان جنایتکار انقلاب ضمن حمله به عفوبین المللی گفت: "سازمان عفوبین المللی با اجازه ابرقدرتها کار میکند و با اشاره آنها نیز سکوت اختیار میکنند... این سازمان بقیه در صفحه ۴

تقاضای سازمان عفوبین المللی از مهدوی کنی نخست وزیر در فرستادن یک هیئت حقوقی بین المللی برای رسیدگی به نقض حقوق بشر در ایران که شامل اعدای بسیار (۱۸۰۰ نفر ظرف چهار ماه) و بررسی وضع محاکمات سیاسی و شرایط زندانها و رفتار با زندانیان سیاسی میشود، رژیم ضد خلقی و جنایتکار جمهوری اسلامی را به واکنشهای وقیحانه و درعین حال احمقانه ای وادار کرد... ابتدا برای مدتی رژیم در مقابل این درخواست سکوت کرد، پس از آن خمینی



### تشدید تضادهای درونی هیئت حاکمه

در پی برکناری بنی صدر از ریاست جمهوری و تسلط حزب جمهوری اسلامی بر تمام دستگاه دولت، شکاف عمیقی که از مدتها پیش در میان هیئت حاکمه بروز کرده بود و منجر به یک بحران در درون - هیئت حاکمه و تشدید تضادهای آن شده بود - موقتا "از میان رفت". این تضاد که در اساس معلول رشد مبارزه طبقاتی و انعکاس آن در میان بالائینها و بحران اقتصادی و سیاسی موجود بود، نمی توانست بدون تغییر شرایط مادی و زمینه های عینی بروز آن برای مدتی طولانی هیئت حاکمه را از درگیریهای درونی حادثات دهد. بنا بر این با توجه به مجموع شرایط عینی حاکم بر جامعه، بحران عمیق اقتصادی، بحران سیاسی وحدت تضادهای اجتماعی از همان آغاز روشن بود که تخفیف تضادهای موقتی و گذرا خواهد بود و دیری نخواهد پایا شد که دوباره این تضادها به شکل دیگر بروز خواهد کرد. درگیریهای درونی را تشدید خواهد نمود، و سرانجام بیک شکاف تازه در میان بالائینها خواهد انجامید. رویدادهای یکی دو هفته گذشته که در سخنرانیها و موضع گیریهای خمینی - و مجلس منعکس شده است، نخستین تجلی بقیه در صفحه ۲

## نیروهای مسلح و انقلاب

### (۲) نیروی هوایی

خلق دیکتاتوری خلق را اعمال می نماید در شرایط کنونی، گرای بیکاری، فقر و بی خانمانی دامنگیر میلیونها هموطن بوروکراسی نظامی، دیکتاتوری ارتجاعی برقرار میکنند، و خلق با ایجاد ارتش کرد بیشتر مانع و به طریقی مکتبی کشتار و بقیه در صفحه ۷

بطور کلی ارتش همواره ابزار اعمال دیکتاتوری طبقات حاکم بوده و هست. - دولت های ارتجاعی همواره با توسل به بوروکراسی نظامی، دیکتاتوری ارتجاعی برقرار میکنند، و خلق با ایجاد ارتش

## توهم نسبت به رژیم گدرونی بیش از پیش در بین نیروهای انقلابی در سطح جهان فرو میریزد

"دولت جدید همزونی رجال مذهبی حزب جمهوری اسلامی را تثبیت می نماید" "یورش برای دستگیری و اعدام، مدهشها مبارزین را، رومی کند" بقیه در صفحه ۱۰

نوشته زیر ترجمه مقاله چاپ شده در اهداف شماره ۳۵ راجع به ایران که بیاتنگر - تغییر مواضع جبهه خلق برای آزادی - فلندین (F.P.L.P) میا شد: این مقاله حدود ۲ ماه پیش به چاپ رسیده است.

### در این شماره

- اخبار جنبش
- جنبش جهانی
- انحطاط فرهنگی
- پروتار و آزادیهای دمکراتیک

مرکز بر حزب جمهوری اسلامی زنده باد شوراهای انقلابی پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان

### تشدید تضادهای

بقیه از صفحه ۱  
تشدید تضادهای، اختلافات و بروز شکاف تازه در بلائیکهاست و بخوبی نشان میدهد که تا چه حد ارتباط لایتنکی میان بحران اقتصادی و سیاسی جامعه واجتناب ناپذیری تضادهای درونی هیئت حاکمه وجود دارد.

واقعیات نیست که وضاحت اوضاع اقتصادی و سیاسی جامعه همچنان مرحله ای رسیده است که جناحهای از هیئت حاکمه را بدین نتیجه رسانده است که بدون انجام یک سری رفرمها در جنب سرکوبهای کنونی موجودیت رژیم بیش از پیش بخاطر افتادگی زمین سقوط آن شتابان فراهم خواهد شد. از این رو این جناح در همان حال که سرکوب و اختناق را بیگانه از نجات از بحران سیاسی موجود میدانند، انحصار برخی رفرمهای اقتصادی را ضروری تشخیص میدهد. اما جناحهای دیگری از هیئت حاکمه حتی در آن حد که ممکنست، انجام این رفرمها کمترین غشهای به خویش "مقدس" سرما به ما لکبت عمومی وارد آورد، یا به بیان دیگر ضوابط اسلامی را نقض کند، با این رفرمها مخالفت میکنند. تضاد که بنا به شرایط اقتصادی و سیاسی جامعه در شرایط کنونی تشدید شده است تجلی خود را در تضاد میان مجلس شورای نگهبان یافته است. شورای نگهبان با حق و توثی که در امر تصویب قوانین دارد است و بنظر میرسد از حمایت و پشتیبانی رهبران مذهبی با نفوذ نظیر گلپایگانی و شیرازی و مثالیهم نیز برخوردار است عملاً در شرایط کنونی بصورت مانعسی بر سر راه سیاستهای هیئت حاکمه نیویژه سران حزب جمهوری اسلامی درآمده است. از این رو خمینی با درک شرایط و خیم کنونی و واگذاری اختیارات بیشتر به مجلس، قدرت شورای نگهبان را تا حدودی محدود کرد. اما این اقدام خمینی

گرچه دست جناحهای از هیئت حاکمه سوزنده حزب جمهوری اسلامی را در انحصار برخی رفرمها باز کرده است، اما در همان حال تضادهای درونی هیئت حاکمه را تشدید خواهد کرد و منجر به درگیریها و اختلافات تازه ای خواهد شد. بی جهت نیست که این تصمیم خمینی برخلاف بسیاری از تصمیمات گذشته او که مورد تأیید روحانیون طراز اول قرار میگرفت از جانب آنها مورد تأیید و حمایت قرار نگرفت. اما تجلی تضادهای درونی حاکمیت تنها در این عرصه خود را بروز نداد، بلکه در عرصه های دیگر نیز خود را نشان داد. بنظر اخیر خمینی در ملاقات با فرمانده سپاه پاسداران و نماینده او در سبزه پرده از اختلافات و تضادهای تازه ای برداشت و چنین بنظر میرسد که در درون سپاه و شورای مرکزی آن اختلافات و تضادهای تا بدان حد گسترش یافته است که او به طرفین توصیه میکند که "با بدسی شوا عفاء" شورا در کمال تفاهما باشند و از اختلافات بپرهیزند و الا شکست میخورند. و در بخش دیگری از همین سخنرانی خود میگوید "با بدسی خود بدبین اشمه جمعه و سپاه پاسداران تفاهما شد. اختلافات بین امام جمعه و سپاه امری عادی نیست، بلکه دستی در کار است و وعدهای این کار را می کنند تا هم سپاه و هم روحانیت را تضعیف نماید و با روش خامی وارد شده اند. باید اشخاص را مورد کینند تا اگر در شوری اختلافی بین روحانیت و سپاه است بر طرف گردد. با توجه به این مسئله که اساساً حزب جمهوری اسلامی و مجاهدین انقلاب اسلامی نیروهای ذی نفوذ در سپاه و شورای مرکزی آن میباشند و با توجه به اینکه تقریباً "تمامی اشمه جمعه تحت نفوذ و وابسته به حزب جمهوری اسلامی اند خمینی در این نطق خود به اختلافات حزب جمهوری و مجاهدین انقلاب اسلامی اشاره میکند. و با لاف مزه ترین مسئله ای که

به اختلافات و تضادهای هیئت حاکمه و در همان حال موقعیت متزلزل حزب جمهوری اسلامی مربوط میشود، در صلاحیت نخست وزیر و ولایتی بعنوان کاندیدای حزب جمهوری اسلامی است که تنها ۷۲ نفر از نمایندگان مجلس به او رای مثبت دادند. با استعفا ی کنی از نخست وزیر که خود بدین امر بان تضادهای هیئت حاکمه است، حزب جمهوری اسلامی کوشید که یک فرد مورد اعتماد حزب را به نخست وزیر بگمارد، اما در صلاحیت او از سوی مجلس در همان حال که بسیار نگران اختلافات حزب با جناحهای دیگر هیئت حاکمه است، موقعیت متزلزل آن را بیویژه در مجلس منعکس میسازد و نشان میدهد که حزب بدون برخورداری از حمایت کامل جناحهای دیگر در نظر گرفتن منافع و خواسته های آنها قادر نیست سیاستهای خود را پیش برد.

نتیجه ای که از درگیریها و تضادهای اخیر در میان بلائیکها گرفته میشود، اینست که عمق بحران اقتصادی و سیاسی موجود چنان است که به هیئت حاکمه اجازه نخواهد داد ادب برای مدتی طولانی فارغ از درگیریها و تضادهای شدید به حکومت خود ادامه دهد. گسترش بحران بنحوی اجتناب ناپذیری خواهد بود که تضادهای درونی هیئت حاکمه را تشدید خواهد کرد و بیویژه صف بندی های مشخص تری را حول اختلافات موجود پدید خواهد آورد و این امر به یک شکاف و بحران تازه در درون هیئت حاکمه خواهد انجامید. اگر طی چند ماه گذشته وحدت و یکپارچگی نسبی هیئت حاکمه با آنها امکان داده که با توسل به سرکوب مانع تجلی آشکارا رضایتی عمومی گردند، تشدید تضادهای و بروز شکافهای تازه در هیئت حاکمه که خود تجلی تضادهای و بحران عمومی جامعه است، زمینه بسیار مناسبی برای رشد و گسترش مبارزات توده ها و فوران این نارضایتی از درون این شکاف خواهد شد.

### درخواست...

بقیه از صفحه ۲  
اما همه اینها در گرفتار همه زخمهای قوم از خمینی گرفته تا موسوی تبریزی - داستان انقلاب و بیانیته وزارت امور خارجه به وضوح یک عقب نشینی دیده میشود. کاملاً مشهود است که این موضع دفاعی قرار گرفته وضعی میکنند که بنحوی خود را از مخممه خلاص کنند. این امر میرساند که "اولاً بمذاق الغاشق" خائف از آنجا شیکه رژیم جمهوری اسلامی در جناح یا تش دست فاشیستی ترین رژیمها نظیر آفریقای جنوبی و رژیم صهیونیستی اسراشیل را از پشت بسته است لذا در پیشگاه خلق قهرمانان ایران و افکار عمومی جهان در موضع ضعف قرار دارد و این همه جنبات و اعدا محد اقل هزاره هشتاد نفر طرف چهارم و کشتن کودکان خردسال و اعدا های بی ماکه (بشور) پس از دستگیری آنچنان در تنگنا قرار گرفته که قدرت دفاعی سلب گردیده است تا نیا "افشاگرهای دانشجویان و ایرانیان مترقی در خارج از کشور و افکار عمومی ترقی خواه جهان آنچنان است که جاسی برای رجوع و انی رژیم باقی نگذاشته است بنا بر این می بینیم علیرغم سرودها ها شیکه بر اه انداخته اند همانند سنگ ترسو از درون

پارس میکنند" و میخوهند طوری وضع خود را توجیه کنند. و در همین رابطه است که بلافاصله پس از درخواست عفوبینا لمللی موسوی تبریزی که تا دیروز سمبایش پیر بود و میگفت ما احتیاج به محاکمه کردن افراد دستگیر شده نداریم تا چار میشد اعلام کنند: "هر منظره را وقتی دستگیر میکنند مستقیماً باید سرا میبرند و با زجوشی اولیه شروع میشود و طبق قانون تا ۲۴ ساعت تفهیم آنها میشود و آنها تا کی که کمیته و سپاه دستگیر میکنند بدون اجازه بیشتر از ۲۴ ساعت نمیتوانند نگهدارند و تحویل داد سرا میدهند، البته با زجوشی اولیه ممکن است در آنجا انجام گیرد و بعد که رسیدند سرا تفهیم آنها میشود و بعد مراحل بازجوشی شروع میشود و بعد از تکمیل پرونده تحویل دادگاه میشود و گاهی در این مسیر چند روز و یا چند ماه با تحقیقات طول می کشد و بعد تحویل دادگاه میشود و دادگاه محاکمه میکند. با این حیسان (که البته در حقیقت ان با بدشک کرد) کوچکترین تشابهی با سخنان دوهفته قبل این شخص دارد که میگفت ما کما نیرا که در نظر هرات دستگیر کنیم درجا اعدام میکنیم و احتیاجی به محاکمه نداریم و حتی زخمی ها را هم میکشیم؟! آیا اصلاً صحبتی از قانون بود حالاً طور شد که ناگهان گریه عابد و

زاهد و مسلمان شد؟! این سخنان و اعلامیه وزارت امور خارجه میرساند که رژیم در موضع دفاعی قرار گرفته است. این امر همچنین نشان میدهد که علیرغم تظاهرات با نیکه با افکار عمومی جهان توجهی نمیکند بر عکس نسبت به فشارهای جهانی حساس است بخصوص که با توجه به وضع بحرانی داخلی و تضادهای درونی اش که روز بروز تشدید میشود بین حساسیت مشاعف گردیده است. همه اینها حاکی از اینست که وظیفه افشاگران در رابطه با اعدا مها و زندانیان و شرایط زندان و سلب حقوق انسانی در داخل و خارج کشور اهمیت دوچندان پیدا کرده است. در درون، حرکت های خانواده شهدا و زندانیان سیاسی دارای ارزش و اهمیت بسیار زیادی است و در خارج از کشور نقش دانشجویان و ایرانیان مترقی و انقلابی در جلب و بسیج نیروهای مترقی جهان و در اعمال فشار به نمایندگان هیئت رژیم در خارج و آگاه کردن افکار عمومی جهان بیش از پیش اهمیت پیدا کرده است با بدین فشارها و افشاگرها افسزون شوند تا رژیم را وادار کنیم درهای زندانها را بروی ناظرین بین المللی بگشاییم، اعدا مها را متوقف کنیم و شمار زندانیان سیاسی آزادیاد بگردد، با نیروی پرتوان خلق متحقق گردد.



# جنبش کارگری



موفقیت روبرو شود هر چند که این پایان را با بیان مبارزه قلندار نمی‌کنیم اما یک ویژگی بارز در حرکات دوساله ونیمه صنعت نفت این بود که در تمام موارد حرکات خصوماً زمانی که گسترده، براساس عمومی بود دست آورده‌ها را نیز به همراه داشت. حرکات از مراحل آرام و ابتدائی بتدریج شروع می‌شد و نهایتاً با اقدام مستقیم کارکنان به نتیجه می‌رسید. بهترین مثالها نمونه‌ها، تصمیم‌مقا بله با لفسو تعطیل ۵ شبه‌ها از سوی معین فریودکه شورای انقلاب نیز نتوانست در آن - غلبی وارد آورد. حتی دستگیری چند نفر از کارکنان اهواز تهدیدات آن زمان وزیر نفت کارکنان این صنعت را در - با فشاری برخواست خود ممر ترساست. همینطور اقدامات متعددی که تا کنون برای تغییر شیفت در صنعت نفت صورت گرفته بود در مقابل اراده کارکنان در هم شکست و بی نتیجه مانده بود اما در این اواخر که حرکت کارکنان با لایشگاه شیراز (اعتصاب غذا) با انفجار دفتر حزب مقارن شد، تا شیراز این انفجار بر آن حرکت رها شدن حرکت در نتیجه راه او بدون اغذنتیبه بود. و از آن پس حرکات درون صنعت نفت در سراسر شیب قرار گرفت که تنها امروز همگان در آن راه طی طریق می‌کنند اما آنچه که می‌باید مورد توجه قرار گیرد این است که اقدامات وزیر مکتبی نیست همچنان ادا می‌دارد. بدنبال گرفته در مد حق کارگرمی، کسرحق اولاد، مسکن و - مالیات‌های سنگین از حقوق ما هانگه کارکنان جوا اعتراضی در این صنعت همچنان با برجا مانده و امکان بروز - اقدامات عملی در آینده منتفی نخواهد بود. بر سر چنین زمینه‌ها آرامی در این صنعت است که با پستی معنا مرپیشرو و ترقی با توجه به جمع بندی‌های با لاد جهت رفع نواقص حرکت اخیر بکوشند. تا در حرکات آتی توانا تر و موفق تر باشند، آنها موظفند اولاً ایده بحث روی غلبی ناموفق بودن حرکت اخیر را در زمان کارکنان گسترش داده و آنها را به تفکروا دارند، ثانیاً جهت برقراری ارتباطات سراسری و تماس‌های قبلی با بخش‌های دیگر اقدام نمایند (امکانی که در خود صنعت نفت وجود دارد و تجربه مبارزاتی غنی کارکنان صنعت نفت در این مورد تسهیلات زیادی برای این امر فراهم کرده است)

بقیه در صفحه ۱۶

بخشنا مەرعا بیت نکرده بودند و جلوگیری از ورود کسانیکه با پستی در نوبت‌های بعدی سرکارها فرزند، حرکت خاتمه یافت.

در امفهان با فشار عنامر سرکوبگر مضور آنها در اطراف پالایشگاه، اخراج تعدادی از کارکنان و تهدید دیگران به دستگیری، بخش‌نامه‌های تعمیلی به اجراء آمد.

در شیراز از ورود حدود ۱۲۰ نفر کارکنانی که پنجشنبه را تعطیل کرده بودند جلوگیری شد پس تعدادی با ارائه مدارک پزشکی بدلیل بیماری برای نیامدن سرکوبگر با زگشتند (حدود ۲۰ نفر) و بقیه نیز با سپردن تمهیدات قبالی از عایت بخش نامه و در غیر آن صورت اخراج به سرکار فرسود با زگشتند. تعدادی نیز در این رابطه دستگیر شدند.

در بندر امام خمینی حدود ۲۲ نفر از کارکنان شیمیائی رازی در رابطه با تصمیم به تعطیل نمودن پنجشنبه‌ها دستگیر شدند. و بقیه علی‌رغم تصمیم شورا پنجشنبه‌ها را به کار مشغول شدند.

در بخش نیز اقدامات در حد نوشتن نامه و ملاقات نمایندگان با وزیر باقی ماند. در تبریز بعلت جو بیسی شدیدی که پس از تره ز مدنی اما جمعه تبریز وجود آمده بود اصولاً حرکتی صورت نگرفت و اعتراضات در حد صحبت‌های اولیه میان کارکنان باقی ماند.

مروری کوتاه بر این حرکات نشان میدهد که:

- ۱- حرکات اخیر در بین گسترده‌گی دامنه آن از عمق و پیگیری لازم برخوردار نبود.
- ۲- مقاومت کارکنان ناچیز بود و بسا اقدامات اولیه رژیم با آن بافت.
- ۳- توده‌های وسیع کارکنان در اقدامات عملی حرکت در نیا شدند (فقط تغییر ساعات نوبت کاری در بخش‌های عملیات پالایش مقایمت بکبارچه ای را عملاً - برانگیخت ولی در مورد تعطیل پنجشنبه‌ها و کسرد در مدحق کارگرمی چنین نشد)
- ۴- تا آخرین بیک شمار واحد نتوانست محور حرکات پراکنده کارکنان باشد و در هر بخش بجز اخور حال خود روی یک مورد خاص تاکید میشد (نوبتکاران پالایشگاهها روی تغییر ساعات نوبت کاری و در درجه دوم روی تعطیل پنج شبه‌ها، شیمیائی رازی روی تعطیل ۵ شبه‌ها و سندیگامی بخش روی ده در مدحق کارگرمی تاکید داشتند) نتیجتاً "میتوان گفت که:

۱- نداشتن شکل مناسب برای پیش برد مبارزه (قطع ارتباطات سراسری، وقفه در تشکیل اجلاس سراسری شورا‌های صنعت نفت، تضعیف شدن شوراها پس از پورش ۸- تیر .....

۲- نداشتن هماهنگی و شعار واحد در بخش‌ها و مناطق مختلف.

۳- شرایط سیاسی حاکم بر جامعه، افسست موقت حاکم بر کل جنبش و سیاست ارباب و تزویر هیئت حاکمه.

۴- اعمال برخی تاکتیکهای انحرافی از جانب برخی گروهها و سیاستهای فرمت طلبانه و سازگارانه برخی دیگر (تروم مدنی بویژه مانع حرکت پالایشگاه تبریز شد و بنا زش سوسال فرمست با رژیم، حرکت را در تهران و شیراز با دشواری روبرو ساخت)

مجموعاً " با عت شد که حرکت اخیر با عدم

## بررسی جنبش کلگری در شرایط فعلی: مروری بر حرکت اخیر کارکنان صنعت نفت:

بدنبال انتصاب غرضی به وزارت - نفت، پیش بینی میشد که او با عملکردهای خود، موجی از نا رضایتی را در بین کارگران صنعت نفت دامن خواهد زد. و با لاجرا حرکاتی را در میان کارکنان این صنعت بوجود خواهد آورد. این انتظار دیری نپاشید. بخش نامه‌های غرضی مبنی بر لغو تعطیل پنج شبه‌ها، برقراری - نوبت کاری ۸ ساعته در پالایشگاهها و قطع ده در مدحق کارگرمی، حرکات اعتراضی کارکنان این صنعت را بدنبال داشت.

در سراسر ایران و در تمام بخش‌های صنعت نفت که بنوعی با این اقدامات وزیر جدید روبرو بودند، حرکات اعتراضی شکل گرفت. شکل عمده مقاومت با تصمیمات وزیر جدیدی توجهی به بخشنامه‌ها و اقدام مستقیم خود کارکنان نبود. زیرا تجربه دوسال ونیمه اخیر به آنها نشان داده بود که این راه شمر بخش تروموه تر نخواهد بود. بدین ترتیب در آن بخش‌هایی که حرکت شکل عملی پیدا کرد، در وجه غالب خود چنین بود. در شیراز نوبت کاران - پالایشگاه بخش نامه را عایت نکردند و به کار خود به روال سابق ادا می‌دادند، اقداماتی نیز جهت برقراری تعطیل پنج شبه‌ها علی‌رغم لغو آن صورت گرفت. تعدادی از کارکنان پنج شبه‌ها سرکار حاضر نمی‌شدند و تعطیلی را اجرا می‌کردند. در امفهان نیز وضع به همین روال بود.

در تهران نوبت کاری بصورت ۸ ساعت و ۱۶ ساعت اجرا می‌شد و بخش العمل کارکنان نسبت به تعطیل پنجشنبه‌ها در مجموع - تعطیل آن از سوی خود کارکنان بود اما عملاً برای تعطیل کردن این روز اقدام همه جا نبیهای صورت نگرفت. بگونه‌ایکه میتوان در مورد تعطیل پنجشنبه‌ها از نظر شرکت فعال در این حرکت بترتیب پالایشگاههای شیراز، امفهان، و تهران رانام برد. که در این آخری اقدامات عملی محدودتری صورت گرفت. (اساساً پس از شروع جنگ و از بین رفتن پالایشگاه آبادان، همواره پالایشگاه شیراز از جسو مبارزاتی بالاتری نسبت به سایر برجاها برخوردار بوده است) علاوه بر این سندیگامی مستقل بخش تهران، زنگان، امفهان، - کرمانشاه، اراک و... خطوط لوله و مخابراتی، شیمیائی رازی (بندرامام خمینی) و... نیز نسبت به اقدامات اخیر موضع گرفته و ضمن محکوم نمودن این اعمال خواهان عدم اجرای بخش نامه شدند (الجابراین مبارزات در روزنامه کار، در همان زمان درج گردید) اما دیری نپاشید که این مبارزات بدون گرفتن نتیجه پایان یافت و - حاکمیت با تهدید دستگیری تعدادی از کارکنان آنها را به عقب نشینی واداشت. در تهران بدنبال دستگیری چهار نفر از کارکنان پالایشگاه که نوبت کاری را طبق

# درخواست سازمان عقوبین المللی

بقیه از صفحه ۱

چرا جنابات منافقین را محکوم نکنند و در حادثه بمب در دفتر حزب جمهوری اسلامی مطلبی نگفتند... بدنبال آن وزرات امور خارجه رسماً "در مقابل تقاضای سازمان عقوبین المللی موضع گیری کرد. و برای بازپدیدمانندگن این سازمان از زندانهای ایران شرط وشروطی قائل شد. در همین زمان روزنامه های دولتی وابسته به حزب جداگانه صفحات خود را به "انفکوری" طبعیه سازمان عقوبین المللی اختصاص دادند و در دیونولتوریزون هم بر بنامه های متعددی علیه این سازمان پخش کردند.

واقعیت این است که اعدا مها و دستگیریهایی اخیر رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی که در تاریخ معاصر جهان بی سابقه است آنچنان افکار عمومی مردم آزاد جهان را برانگیخته و فتنه و اعتراضات دانشجویان انقلابی و مترقی ایران در خارج از کشور که شامل تظاهرات اعتصاب غذاها، اشغال سفارتخانه های ایران و... آنچنان بوده که بالاخره پس از مدت ها سازمان عقوبین المللی را مجبور کرد که در قبال اینهمه جنایت و ددمنشی مهرسکوت از لب برداشته و در این رابطه اقدام کرده و پیشنها داغیرش را به نخست وزیر ایران بدهد. در واقع آش - آنقدر شور بود که خانم فهمید و سرانجام تحت فشار افکار عمومی جهان و شدت سمیت رژیم خونریز خمینی سازمان عقوبین المللی دست با اقدام زد اما رژیم جنایتکار خمینی که هم در ارتکاب جنایت و هم در وقاحت روی رژیم شاه را اسفید کرده است از همین پیشنها دفعو بین المللی آنچنان برآشفته که گوشتی این سازمان با این اقدامش بزرگترین جنایت تاریخ را مرتکب شده است!! ما بدون اینکه بخواهیم از سازمان عفو بین الملل دفاع کنیم (زیرا معتقدیم این سازمان موافق است که بمنظور در پیچه اطمینان برای جلوگیری از اشغال زدگی صبر ملت ها بوجود آمده و عمل میکنند و پس از آنکه نقض حقوق بشر در کشور به سرحدنهایت رسیده و بسیاری از نیروهای مترقی جهان فریادشان بآسمان بلندند این سازمان آخربسن جریان است که پامیان میگذارد) اما از آنجا شیکه اکنون رژیم جمهوری اسلامی در توجیه جنایتش این سازمان را مورد حمله قرار داده است لذا به شگافتن سیاست مزورانه رژیم در قبال سازمان عقوبین المللی می پردازیم:

بسیار جای توجع است که سردمداران معروف رژیم جمهوری اسلامی چه درگذشته که هنوز بزرگ قدرت تکیه نکرده بودند و چه بعد از بقدرت خیزیدن بر خورندگان نسبت به سازمان عقوبین المللی مزورانه بوده است. درگذشته هنگامیکه زمانی قوم فعلی مورد آزار و اذیت رژیم شاه

قرار می گرفتند فریاد تنه من غریبیم آنها بآسمان میرفت، تمام سازمانهای دفاع از حقوق بشر و از جمله عقوبین المللی را به کمک می طلبیدند. از سال ۴۲ تا ۵۷ نامه های بسیاری در نشریات اپوزیسیون آن موقع (چه در داخل و چه در خارج از کشور) منتشر شده است که این افراد با استفاشته از همین سازمانها میگویند که امروز آنها را در سلک شیاطین میدانند طلب کمک کرده اند! از آیت الله خمینی گرفته که از تعف نامه پراکنی میکرد تا حزب ملل اسلامی که سردمداراننش موسوی بجنوردی، سرحدی زاده و... بودند از زندان برای این سازمان ها عریضه فرستادند. عریضه های شگواشیه و "بهداد برسید" فراوانی با معای هاشمی رفسنجانی، آیت الله منتظری، ربانی شیرازی، سگرا و ولادی و... (که اسناد آنها موجود است) خطاب به همین سازمانهای بین المللی دفاع از حقوق بشر نگاشته شده است. و از آنها خواسته شده بود که برای جلوگیری از جنایات رژیم شاه دخالت کنند و وقتی هم این سازمانها همتاها میبندند زندانها میفرستادند. بنان از این هیئت ها استقبال کرده و بخاطر این اقداماتشان "قدر دانی" هم میگوید. حال چطور شده که این سازمانها که در آن موقع میتوانسته اند مورد مراجعه قرار گیرند و دخالتشان در حقوق بود خدمتگزار شیطان نبودند و مفرهایشان به ایران نیوزاده بشان از زندانها عملی نشدند و در خور تشویق بود ولی حالا این اقدامات در خدمت شیطان است؟! یا باید پرسید رژیم یک با مودو هوارا چگونه توجیه میکند؟! اما نکته جالب دیگر اینست که تا شید

استناد به سازمان عقوبین المللی و تمسک به اسناد دومی در آن تنها به هنگام رژیم شاه منحصر نمیشود. سردمداران رژیم و دستگام تبلیغاتی آنان، روزنامه های حزبی و دولتی و را دیونولتوریزون تحت کنترل دولت همین حالا هم وقتی این سازمان نسبت بدولت عراق و یسار دولتها می که مورد غضب دولت جمهوری اسلامی هستند موضع گیری میکنند و مثلاً "از جنایات رژیم صدام نسبت به مردم آزاد میخواهان این کشور اخباری منتشر میکنند و ما امیدواریم در قنار رضی رژیم صدام را محکوم میکند، این گزارشات را با آت و تاب هر چه تمام تر از قنول سازمان عقوبین المللی منتشر میشود و بان استناد میکنند و آنوقت "جواب نمی دهند که چگونه گفتار شیاطین استناد میکنند؟! اما وقتی همین سازمان در مورد ایران کوچکترین انتقادی میکند و تقاضای ارسال بنیابنده آنها برای رسیدگی به وضع زندانها میکند، عوامسل شیاطین هستند!! با زهم یک با مودو هوارا دیگر!!

حال سؤال میشود چه چیز تغییر کرده است؟! یا عقوبین المللی تغییر کرده و طرف دوسال به شیطان تبدیل شده یا سردمداران جمهوری اسلامی تغییر داده اند؟! تا آنجا شیکه همه میدانند که سازمان عقوبین المللی تغییر ما هوی نگردیده و هر چه بوده همان هست، اما آنچه تغییر کرده نظر سردمداران بقدرت خیزده

جمهوری اسلامی، از خمینی گرفته تا دیگران است که تا ن را بنرخ روز میخورند. آنوقت که صرف میکرد از آزادی زنان، آزادی همه مسلکها و ادیان و احزاب و گروهها و از بسط حقوق بشری و از بهبود زندگی زحمتکشان دم میزدند و حالا که بقدرت خیزده ندهمه حرفها به فرا موشی سپرده شده است!

در رابطه با درخواست سازمان عقوبین المللی وزارت خارجه در بیابنیه یکسه ما در کرده خواسته است با ملاحظه بیابنیه تکب برخوردار کند. رژیم که مدتی است کوشش میکند خود را از حالت انزوا در عرصه جهانی خلاص کند در این مورد بیابنیه محممه جدیدی روبرو شده است، از آنجا شیکه بیابنیه سفیری و کسری چیدن و جواب منفی دادن بیابنیه است جدیدشان خوانا نشی نذارند لذا آمده است "پلتیک" زده و بجای گفتن نه بطور صریح شرط وشروطی برای آمدن هیئت نمایندگان عقوبین المللی قائل شده است اما این شرط و آنقدر وقیحا نه و در عین حال امقاهه است که بیش از پیش دستنها را رو کرده و رسوایشان میسازد، مثلاً یکی از شروط وزارت خارجه اینست:

۴- سازمان (عقوبین المللی) اعلام نماید آیا گردانندگان این سازمان و افراد انجمنی آن بحقوق اسلامی آشنایی دارند و آیا به مکاتیمهای پیچیده و طولانی تربیت قاضی شرع در اسلام دادگاههای اهلای و قوف دارند یا نه در اینجا بحث بر سر آشنایی داشتن به حقوق اسلامی و مکاتیمهای پیچیده تربیت قاضی شرع در میان نیست آنچه برای سازمانی نظیر عقوبین المللی مهم است (بطوریکه از اساتمه و عملکردش - بیاد است) بررسی عملکرد دادگاهها و با زپرسان و قضات این دادگاهها در مقابل منتهمین سیاسی است. بحث بر سر قضات در این زمینه است که چه قدر حقوق انسانی در مورد منتهمین رعایت یا نقض میشود؟ حال این نقض حقوق بشری طبق قانون همورائی میشود یا قانون اسلام یا قانون مسیحیت یا بودائی و... مطرح نیست. و جای تعجب است که چنین مسئله ای از طرف وزارت امور خارجه کشوری عنوان میشود که میداند کشورش اعلامیه نیمبند جهانی حقوق بشر را امضا کرده است و تا آنجا که اطلاع داریم هنوز امضایش را پس نگرفته است!!

و با وزارت امور خارجه شرط مسخره و وقیحا نه دیگری را مطرح کرده است به این شکل که "سازمان (عقوبین المللی) باید قبل از ورود به ایران عملیاتی جنایتکارانه مجاهدین خلق را که باعث کشتارهای وسیع و ختبا بانی شده و... بشکل واضح محکوم کند" ذکر چنین شرطی با زنتا ندهنده است که وزارت خارجه با از اهداف ووظایف و عملکردهای عقوبین المللی در رسیدگی به نقض حقوق بشر از طرف دولتها نسبت با افراد خیزندار که (این امر منتهور نیست) با عملاً خواهش را به نهمی زده است. تاکنون در مورد کدام کشور عقوبین المللی نسبت به تکبیک سازمان سیاسی جنبه تاشیدی یا تکبیبی گرفته است که ایران دومیش باشد؟! بقیه در صفحه ۲

## پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران





# زندهباد انقلاب پرو (بخش سوم)

در دو مین بخش این نوشته، بنا به دنبال کردن رویدادهای تاریخی فاصله ۴۷-۱۹۵۰، به بررسی افت و خیزهای که مبارزه طبقاتی در این برهه از سگوانده پردا ختمی و به شکل گرفتن چهار جنبه جنگ چریکی در ۱۹۶۵، بنیادا به نقطه عطفی در تاریخ معاصر ما رزده طبقاتی و جنبش جنبش کمونیستی پرو، اشاره کردیم. ما در بخش دوم، دلایل شکست این رویداد را عمدتا "نه در سرکوب سیمانا مهربا لیم و خدا انقلاب، که در ضعف های سیاسی - تشکیلاتی جنبش نوین کمونیستی پرو، جستجو کردیم. اینکه این جنبش در آن مقطع نتوانست با سخی قاطع به مسائل شوریک و استراتژیک انقلاب پرو بدهد و با اراشه برنا به عملی کارگری، چشم انداز انقلاب پرو لتری را هر چه روشنتر در برابر کارگران زود هفتا نان بگستراند. در واقع جنبش نوین کمونیستی پرو که با پیش گرفتن مبارزه مسلحانه در ۱۹۶۵ قصد آن داشت تا از دهها سال رفرمیسم "حاکم بر جنبش کارگری و کمونیستی بشود، و - "مبارزه برای قدرت دولتی را بنیادا به حلقه مرکزی، مدنظر قرار دهد، خود از - بیماری دیگری رنج میبرد، و آن چیزی جز ناتوانی نبود. در آن زمان هر چند که این بیماری را به جتناب نا پذیر می نمودند تنها "جنبش چپ انقلابی پرو"، که کشوری از جنبشهای رهائی بخش - کارگری را در سرا سر جهان، بخود مبتلا کرده بود، اما برای دا ورتا ریخ، آن زمان که زندگی شکست جنبشی را بیداد می آورد، - اجتناب نا پذیر بودن یا اجتناب پذیر بودن خطا ها، با کاستی ها که جنبشی را به شکست کشانده، دیگر کمتر مطرح است این درست که با یاد دهها سال رفرمیسم حاکم بر جنبش کمونیستی برید، و این درست که با بدستن منشویسم را در ربط با کسب قدرت، اجبا کرد، اما نه با عملگرایی عمل گرایی، داوری بیماری رفرمیسم در جنبش کارگری نیست. ما نترسیم این گونه می پندارد. برش از رفرمیسم تنها هنگامی انجام شدنی است که پیشرو و پرولتاریا خود به ما رکنیم - لنینیسم مسلحان شد، و مرزهای مشخص طبقاتی را پذیرش دیدگاه های "تعم خلقی" در هم نریزد و بداند که هر سالت پرولتاریا را در انجام دیگرگونی های اجتماعی، تنها پرولتاریا میتواند تدبیرش گیرد و پس - ما نترسیم این را نمی فهمد. و هم از این رو، در پیینه مبارزه طبقاتی، چه در مقیاس ملی و چه در مقیاس جهانی، بین دو صندلی می نشیند.

دولتی که "فرناندو بلونده تری" در آن بود و با وعده و وعید انجام املاعات عمیق اجتماعی و نیز حمایت گسترده ارتش، توانسته بود در سال ۱۹۶۲

قدرت را در دست گیرد. در سال ۱۹۶۷ - ما نتوان ترا همیشه می نمود. در طول پنج سال حاکمیت "حزب کنش مردمی"، زحمتکشان پرو، هیچیک از وعده های املاعاتی را تجربه نکردند. افزون بر این کشور پیش از پیش از بحران اقتصادی فزاینده ای رنج میبرد، بحرانیکه بیشترین ضربه را نه بر بخش الیگارشی سنتی مادراتی، که بر بخش صنعتی پرو وارد شده بود.

گسترش صنعت، محتاج سرما به بود و همینطور واردات کالاهای میان میانی، ساخت تولید نا کفای داخلی، بخش عمده ای را از واردات پرو به کالاهای غذایی اختصاص میداد. این امر در ترکیب با افت حجم صادرات تولیدات کشاورزی - صنعتی (کتان و شکر)، مواز زدهای منفی در تجارت پدید آورد. با سهیلونده به این بحران، خود بحران زاید بود. و ارزش پول واحد پول پرو را کاهش داد. نتیجه بلاواسطه آنجا ذاتی سیاست، افزایش بهای تولیدات صنعتی بود، و با نتیجه کاستی صادرات تولیدات صنعتی، و نیز کاستی قدرت خرید برای زحمتکشان پرو اما از سوی دیگر، برای مادرکنندگان سنتی تولیدات کشاورزی - کانی، - کاهش ارزش "سول" از سوی دولت بلونده گامی بود در راستای تحکیم منافعشان. چرا که اینان "سول" بیشتری در برابر هردلار دریافت میکردند.

بحران اقتصادی که اینگونه بر پرو دامن میگستراند، فروپاشی رژیم "بلونده" را شتاب بخشید. روزنامه ها به افشاکاری فساد گسترده به حرکت می بردا ختمند، و روشی جمهور "بلونده" که در امر ملی کردن شرکت بین المللی نفت (I.P.C.)، از خود نشان داد، بسبب کاریکا رتوری در صحنه سیاسی پرو بدست

شش روز پس از سرنگونی دولت "بلونده"، که با کودتای نظامی برهبری ژنرال "خوان ولنگوال" و از دو صورت - گرفت. اختیای نظامی با ملی کردن ۲۰۸ میلیون دلار دارایی شرکت بین المللی نفت (I.P.C.)، اولین گام را در راستای حاکمیتی برداشت، که با ویژگیهای خود، در تاریخ پرو، و از آن فراگیرتر، در تاریخ مبارزات طبقاتی در آمریکا لاتین، پدیده ای نا در بود: بنا بر رژیم.

ملی کردن چنین سریع را "شرکت بین المللی نفت (I.P.C.)" را تنها با پدیدمان به نخستین گام در جلپشتیان میلیونها نفر از زحمتکشان پرو و شش دانست، که نظامیان برای انجام املاعات ساختاری خویش پدیدمان آنها زداقتند. عمده ترین بخش این املاعات، برنا به املاعات آرضی بود. برنا به ای که در سال ۱۹۶۹ فا زده بر طبق آن، خونهای نظامی بخش عظیمی از آرضی مالکان بزرگ را

مبارزه کرد. و از پول برداخت شده بابت این مبارزه زمین، بنیادا به ای اتمانی بهره گرفت که هدف گسترش صنعتی شدن پرو را در براب برداشت.

در مقدمه ای که بر قانون املاعات آرضی آمده بود، اهداف این املاعات پرویشی بیان شده بود:

"املاعات آرضی با پیداقطعانه زمینها برای ایجاد بازاری گسترده فرا هم آورد، و منافع سرما بهای پرو را، برای صنعتی شدن سریع کشور، پدید آورد.

بسیار استیجا این املاعات به معنای دوباره توزیع الیگارشی زمیندار، در - بین کثا ووزاری بود که در کشور پرا تیب - های سرما بهاداری سازمان داده شده بودند و فرا ربه ده که هدفشان افزایش تولید غذای با به باشد. تا ژوئن ۱۹۷۶، با اجرای برنا به املاعات آرضی، ۲۷٪ - زمینهای قابل کشت کشور، مبارزه و در بین کثا ووزان تقسیم شد.

همه چیز گویا هم نگونه پیش میرفت که انتظارش بود. افزون بر اجبا ی برنامه املاعات آرضی، خونهای نظامی، تمامی تلاش خویش را بکار گرفت، تا با تقلیل مالیات برای همانا به سنگین بنیادا به حرکت اقتصاد، این بخش از صنعت را گسترش دهد. نظامیان، تحت کنترل در آمد و صنعت ما هیچکس ملی اعلام شد. دولت کنترل خویش را بر عمده ترین زمینهای مادرات، ملی گستراند، و در این زمینه دوشرکت معدن آمریکا، یعنی موسسه "سرود و پلاسکو" و "فا رگونا" را ملی اعلام کرد. دا منه ملی کردن ها بر سودترین واحدها یعنی راه آهن سرتا سرتا پرو و خطوط هوایی را نیز در بر گرفت. با خرید تعداد زیادی از موسسات تولیدی و تجاری که بدلیل گوناگون و اغلب با شرط ورشکستگی شان، فا در به ادا مفعالیست نبودند، دولت سهم خود را در بخش مدرن از ۱۱ درصدی که پیش از اجرای برنا به املاعات آرضی به ۶ درصد اویل دهه ۱۹۷۰ افزایش داد.

خونهای نظامی با تدوین رشته ای از قوانین که بر اساس آنها به کارگران اجازت داده میشود تا با مشارکت جزئی در سرما بها و احدها تولیدی گویا بنوعی در کنترل کارخانهها شرکت داشته باشند، عفاشی کردن نظام مالیاتی کشور، - مدرنیزه کردن با زابورس لیما داراستانی که سرما بهای کوچک نیز در آن بتوانند نقش داشته باشند، کنترل را دیو، - تلویزیون، ووزنا مه ها، تلاش کرد که جزیره شباتی را در قلب آمریکا لاتین ملتعب از مبارزه طبقاتی، بسپار فریبند. در زمینه سیاست خارجی، پرو نخستین کشور آمریکا لاتین بود که با برسمیت شناختن کوبا، عملا تحریک اقتصاد دیرا که از سوی مهربا لیمبا نگی و متحدان - بلیده در صفحه ۶

## مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رها لیبخش جهان

### زنده باد انقلاب پرو

بقیه از صفحه ۵

قاره ای اش برکوبا تحمیل شده بود، - شکست. نظریه "دنیای سومی" و دفاع پر سروصدا از آن، ووردزیان تمام می دولتیان او نیفورم پوش شده بود. اینان در بوق و کرنا می دمیدند که پروزیرا کمیته شان سر آن دارنده تارچم "دنیای سوم" را بر فراز آمریکای لاتین برافرازد و راهی جدا از مسکو و واشنگتن را بیما ید. خلاصه اینکه، پس از عسال، خونتا ی- نظمی پروی ربهیری ژنرال "خوان-ولاسکوال" وارد و "توانست با اجرای - سلسله ای از اصلاحات اجتماعی، وظایفی را که انقلاب مکزیک در طول سی سال فرا روی خود داشت، بردوش کشد. تنها نهایی که در طول این عسال فقدانش برای خونتا ملموس بود، همانا حزب سیاسی واحدی بود که بتواند تمام می عملگرها یش را - "نهادی" کند. حزب سیاسی واحد با خصلت کثویرا نیوستی.

اما از سوی دیگر، ره آورد خونتا ی نظمی برای جنبش مطالباتی کارگری، سرکوب بود و محدودیت آفرینی. نظامیان تمام می اعتصابهای کارگری را بلااستثناء سرکوب میکردند. تمام می انتشارات چپی غیرقانونی خوانده شد، و رهبران اتحادیه های کارگری و نیز سازمان های سیاسی کارگری، روانه تبعیدگاه شدند. جنبش کارگری در طول این عسال، هرچند این

جا و آنجا، خودی نشان میداد، اما مشابه جنبشی با ثقل معین و مشخص طبقا تی - سیاسی نتوانست، آنچنان که پیش تر کرده بود، عرض اندام کند. سرکوب بغایت گسترده نظما ن، جلوی حرکت حتی خود انگیخته کارگری را سد کرده بود.

در درون جنبش کمونیستی پرو، تحلیل و شناخت رژیم "خوان ولاسکوال- واردو"، بهمانا به رژیم استشنا شسی، مشاجرات، اتحاد مواضع گوناگون در مقابل آن و تنها پیتا "اشعابهای فراوانی را سبب شد. "حزب کمونیست پرو" (بخوان رفرمیست) از زمره جریاناتی بود که پیشا پیش دیگر جریا ن خود، رژیم "خوان ال واردو" را، رژیم مستقل و مترقی می خواند. وهم از این روسا سیمه به - پشتیبانی اش شتافت. نظریه "راه رشد غیرسرما یه داری" یکبار دیگر گویا ناجی خود را در پوشش او نیفورم نظمی یک ژنرال در پرویافتی بود. در سوی دیگر بودند جریا ناتی که در عملگرهای رژیم "ولاسکو"، عملگرهای رژیم فاشیستی را می جستند. این جریا ناتی که بعدها به مدافعین سرسخت نظریه "سه جهان" بدل شدند، اصلاحات انجام شده از سوی - خونتا ی نظمی را تنها پوششی میدیدند برعا ملت مستقیم اینا ن. عا ملت مستقیم امیریا لیسام آمریکا، دیگر نظریه های رایج، بواقعیکی به نعل میزدند و یکی به میخ، پرچم را نشان از یکسو، سلسله ای از اصلاحات را میدیدند که انجام آنها عملا "لیگاری سنتی پرو را بمصاد ظلمیده بود و این را نمی شد انکار کرد و

از سوی دیگر سرکوب بی وقفه و بی محابای جنبش کارگری را میدیدند، که توسط - همین مصلحین انجام میگرفت.

در واقع نمیتوان چشم اندازی جز انفعال یا انحراف برای کسی را جریانی تصور کرد که هر چند بر خودنا م را کسبست نهاده، اما بخاطر فقر آگاهی سیاسی، تنها چیزی که نیمه پاندهما ن ما ر کسبست ما ر کسب خیلی بیشتر، یعنی در زمان ما ر کس و توسط خود ما ر کس با سخ خویش را در زمینه شناخت رژیمهای از نسوع خونتا ی نظمی "ولاسکوال واردو" داده - بود: بنا بر رتسم.

بنا بر رتسم، نوعی دیکتا توری که با سلب قدرت از تمام می طبقات و از جمله بورژوازی، خود را فرا ترا طبقات و - منافعشان می نما یاند. بنا بر رتسم هر چند که منافع بخشی از بورژوازی را - بلاواسطه صیانت میکند، اما نما یانده بورژوازی نیست. رژیم بنا بر رتسمی محصول آنچنان شرایط حادی از بحران سیاسی - اقتصادی است که در آن دیگر نهاد های سنتی اثنی چون پارلمسان بورژوازی قادر نیست رسالت تاریخی را در تخفیف این بحران انجام دهند. تنها راهی مستقل از بورژوازی ولی همیشه در پیوند با بخشی از آن قادر است، بحران را فروکشاند. ما ر کس با اعتقاد در همین بنا و ربود که گفت: بازائه بنا بر رتسم "بنا بر میرسد که مبارزه فرو نشانده شده است، و آنهم بشکلی که تمامی طبقات به یکسان نا توان و به یکسان - مخدوش در برابر قننداق تفنگ زانو بر زمین زده اند."

### خبری از نیروی هوایی

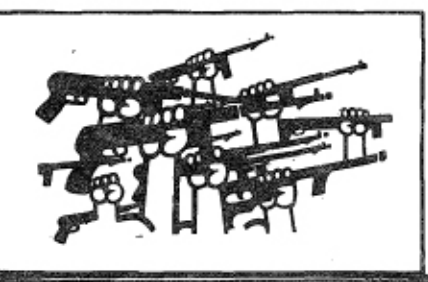
بقیه از صفحه ۲۰

میزدید ولی فرمانده با بگانه نتوانست جوابگوی پرسنل باشد "فرمانده که جوابی به اعتراضات پرسنل نداشت کار تنها راه آنها داد و پرسنل روانه پایگاه شدند اما بعد از چند ساعت با ردیگر آنها را اخراج - کردند. پرسنل داخل پایگاه همدردی - بسیاری با پرسنل اخراجی ابراز میکردند یکی میگفت "این مسرد که الان با کما زنی نه برای این انقلاب خیلی زحمتها کشید" دیگری میگفت "رژیم شعار طرفداری از مستضعفین میدهد ولی هر روز به مستضعفها ضربه میزند و یکی دیگر میگفت "مردم انقلاب خوبی کردند ولی حیف که بدست اینها افتاد که بدتر از آنها به ضعیفها زور میگوید" که در جهاداری به او گفت "این حرفها را - نزن اعدا مت میکنند" و او در جوابش گفت "بکنند این همه اعدا مت میکنند آیا خون ما از خون آنها رنگین تر است آدم - یکدمه می میرد چه بهتر از زحمتش دفاع کند بعد میمیرد در ضمن یکدمه مردن بهتر از ذره ذره مردن است"

در مرحله دوم حدود ۱۵۰۰ نفر در سطح پایگاه یکم شکاری و پایگاه یکم ترابری پاکسازی شدند و این افراد - تخلیه خانه های سازمانی تنها ۱۰ روز مهلت داده شده است و در مرحله سوم نیز حدود ۲۰۰ نفر از پایگاه یکم شکاری و

با بگانه یکم ترابری پاکسازی شدند. - اینک در پایگاه تمام می پرسنل ناراحتند. حتی چندین پرسنل دیده شده اند که گریه میکنند، اگر اشرا پرسنل میگفتند "فردا نوبت خود ما ست" و بعضی نیز در ضمن محکوم کردن اخراجها میگفتند "کاش ما هم از اول ریش می گذاشتیم که پاکسازی نشویم" پرسنل میگفتند "پاکسازی در خط آمریکا است چونکه پرسنل نیروی هوایی در قیام سهم مهمی داشتند الان اینها از پرسنل این سازمان میترسند، فردا اگر برنا مه - ای بشود همبستگی با مردم اعلام کنند" کلا "در عین حاکمیت جونا را حتی شدید پرسنل از پاکسازی ها اطاعت کور کورانه بیش از پیش در پایگاه ها حاکم میگردد و اینک پاکسازی چون شمیری برگردن - پرسنل نهاده شده است تا در صورت هرگونه سرپیچی از او اعر، برزندگی آنان فرود آید.

پرسنل پاکسازی شده در مبارزاتشان جهت بازگشت به کار یاری رسانید. با پرسنل پاکسازی شده اعلام همبستگی کنیدا - بدین طریق بیش از پیش دلگرم شوند و به مبارزه روی آورند. پرسنل پاکسازی شده با بد خود را سازمان دهند، در زمانهای معین مقابل پایگاهها و مقرهای فرماندهی و ... (بخصوص در مناطقی پر جمعیت شهر) تجمع کنند، خواسته های خود را با توده ها در میان نهند و جهت بازگشت به کار مبارزه کنند. با ید تشکیلات منظمی جهت خبررسانی و شکل دادن حرکات جمعی و یکپارچه ایجاد کرد. با ید با پرسنل انقلابی درون پایگاه ها تماس گرفت و مبارزات راهها هنگ نمود. با ید در مقابل رژیم ضد خلقی ایستاد، براسستی که رژیم از پرسنل متحد و یکپارچه میترسد.



پرسنل مبارز نیروی هوایی، پرسنل رزمنده، نیروهای مسلح، فردا نوبت شما است! هرگاه اینک با همبستگی، تشکل و مبارزه در مقابل سیاستهای ضد خلقی رژیم ایستادگی نکنید فردا نوبت شما ست بدانید رژیم از پرسنل میترسد "اما تنها از پرسنلی متحد و متشکل.

جهت مبارزه با سیاستهای ضد خلقی رژیم تشکلهای مخفی ایجاد کنید. صد وق بیگاری را سازمان دهید تا بتوانید به

از جنگ ارتجاعی زحمتکشان بیزارند دو میلیون آواره، نان، مسکن ندارند

# نیروهای مسلح و انقلاب (۲) نیروی هوایی

بقیه از صفحه ۱  
قتل عام میشود. اکنون که شوراهای - کارگران، کارمندان، دهقانان و شوراهای محلی و بطور کلی تمامی نهادهای توده‌ای مورد هجوم عمال حکومت مکتبی قرار گرفته - اند و هر روز دهها نفر از اعضا، ایمن نهادها دستگیر، شکنجه و اعدام میشوند، اکنون که نیروهای انقلابی هر روز دسته دسته به گناه دفاع از حقوق مسلم توده‌ها به جوخه‌های اعدا سپرده میشوند، اکنون که عملاً حزب الله به جای مردم نشانده شده و هر چه غیر از آن است با غی و با غسی قلمداد میشوند و مکتب ولایت فقیه حکم میکند که با غی و با غی راجا بدزنده‌اش را کشت و بپیم کشته‌اش را تمام کشت کرد، اکنون که عملاً "جوهرگونه حرکت قانوسی" با ۳-۴ و جماعتی شده و جز حرکت تهرانی میرا همی برای توده‌ها نشانده است در چنین شرایطی علمبر غم‌افتنی بوقتی که در میان زرات توده - ها ایجاد شده، در این کتاکش انقلاب و ضداقلاب بزودی مبارزات توده‌ها به بار دیگر اعتلای دیگری خواهد یافت و با قدرت عظیم تر در برابر رژیم منفرجه‌پوری اسلامی قد علم خواهد کرد و رژیم جمهوری اسلامی با تمام قدرتش سعی خواهد کرد که تمام می ارتش را برای سرکوب مبارزات توده‌ها به اعمال قهرضد انقلابی و ادا رده (که از مدتها پیش در تدارک آماده کردن ارتشی برای چنین روزیست) ، اینکه تا چه میزان در این مورد موفق شده و با میتوان موفق شود مسئله ایست که در این مقاله به آن پرداخته خواهد شد.

در این مقاله سعی میکنیم با ارائه تحلیل مختصری از نیروی هوایی اهداف رژیم و توانائی آن را در تحقق بخشیدن برای این اهداف در نیروی هوایی مورد ارزیابی قرار دهیم.

ابتدائنگاهی به تاریخچه نیروی هوایی میاندا زیم:

نیروی هوایی عمدتاً پس از کودتای سوم اسفندماه ۱۲۹۹ توسط رضاخان تأسیس و تحت رهسرفروهای حکومت انگلیسی - ایما دگر دپد و هدف عمده آن سرکوب جنبش های محلی و توده‌ای بود که در آن زمان - میرفت تا طومار حکومتهای ملوک الطوائفی قاجار را در هم بپچد.

اجمالاً میتوان گفت کودتا در شرایطی صورت میگردد که اولاً در کشور بزرگ همسایه انقلاب کبیرا کتبر تحقق پیدا کرده و حکومت جوان شوروی رسماً "از کلبه" ادعاهای خود در مورد ایران (ادعاهائی که امپریالیسم روسیه تزاری در مورد ایران داشت) مرفنظر کرده و عملاً - امپریالیسم انگلیس یکه تا زمینان شده است. کشور چا ربحران انقلابی است و در هر گوشه ایران حرکات انقلابی، شورشی و مبارزاتی جریان دارد. جنبشهای انقلابی در گیلان و مازندران، آذربایجان، کردستان، خراسان، ...

و همچنین تفادهای درون ضداقلاب از جمله تضاد بین شیخ خزعل عامل انگلیسی با حکومت مرکزی به مرحله حادی رسیده و حکومت ملوک الطوائفی قاجار عملاً "فلج" شده و قادر به هیچ کاری نیست، نه میتواند انقلابات و شورشها و مبارزات را سرکوب نماید بدون تسلیم انقلاب میشود، در شرایط کتاکش انقلاب و ضداقلاب نسیم جانتبخش انقلاب کتبر به جبهه انقلاب جانی تازه میدهند و ضداقلاب با ناتوانی و بلاتکلیفی خود به ورطه برگ و پوسیدگی کشیده میشود. و در این شرایط جز حکومت متمرکز و قدرتمند در عین حال توهم انگیز، هیچ حکومتی قادر به مقابله با بحران نمیتواند باشد و چنین است که رضاخان قزاقکهنه قهر نوکرا انگلیس مورد توجه دولت انگلیسی قرار میگردد و توطئه کودتای سوم اسفند شکل میگردد. همه گونه کمک برای کودتا - چنان فراهم میشود و تمامی رقبای آنها از حمایت معاف میشوند. و حتی کودتا چنان اجازه می‌بند تا شیخ خزعل و ابستران نیز سرکوب کنند تا اعمال یک حاکمیت متمرکز امکان پذیر شود. سرکوبی که در عین حال عامل توهم نیر میشود چرا که مگر نوکرا سر نوکرا سرکوب میکند؟!!

آنچه مورد نظر رضاخان و امپریالیسم انگلیس بود سرکوب جنبشها و مبارزات توده‌ای بوده و لزوماً "شارد ابزار سرکوب" پیش از همه چیز توجه آنها را به خود جلب میکرد. ایجاد ارتشی منظم و سلسله مراتب بوروکراتیک و اطاعت کورکورانه از اولین اقدامات رضاخان بود که در این رابطه در سال ۱۳۰۱ فرمان تأسیس هواپیمائی نظامی از جانب رضاخان صادر میشود.

از آنجا که سیاست سنتی انگلیسی (تحت فشار شرایط بین المللی) در مورد - استعمار و وابستگی تغییر کرده بود و محافل بین المللی نیر رضاخان را نماندا - بورژوازی ملی ارزیابی میکرد، بلکه این توهم به نفع اهداف انگلیس نرسید. بنا بر این لازم بود و استیجائی رضاخان پوشیده بماند و این بود که ابتدا در ۲۶ دیماه ۱۳۰۱ سفارش خرید هواپیمای - آمریکا داده میشود و چون آمریکا از فروش هواپیمای متعذر میگردد (به بهانه "مس کنفرا نین" به اصطلاح خلع سلاح بودن) - بنا بر این برای خرید سلاح ابتداییه آلمان و سپس به فرانسه و شوروی روی - مها و ردویس از تحکیم موقعیت دیکتاتوری رضاخان و سرکوب گسترده جنبش های توده - ای، برای خرید سلاح از انگلیس اقدام میکنند. (بعدا زجک جهانی دوم و تضعیف انگلیس، رضاخان عمدتاً "به خرید هواپیمای از آمریکا مبادرت میکند) در مورد سرکوب نیروی هوایی در سرکوب تویه‌ها در زمان رضاخان، به بیان دوفاکت تاریخی از اسناد نیروی هوایی اکتفا میکنیم.

"هواپیمای نظامی ایران پیش از تأسیس اداره هواپیمائی کل قشون (ارتش) با خلبان خارجی و با دستوراتی که از طریق دفتر هواپیمائی ستاد ارتش صادر میشد در عملیات نظامی شرکت میکردند و تا تیرماه ۱۳۰۵ هیچ یک از خلبانان ایرانی در عملیات رزمی شرکت نکرده بود. در نخستین سال تأسیس هواپیمائی نظامی اکثر نقاط کشور، در آتش ناامنی و هرج و مرج شعله ور قشون جدیدالتأسیس ایران با برقراری نظم و امنیت در این مناطق مشغول بپیکار بود. با زمستان هواپیمائی نظامی این کشور نیز که در واقع دوران کودکی خود را طی میکرد، با وجود کمبود هواپیمای و پرسنل و کارخان - فنی، بخصوص کمبود خلبان و آماده نبودن فرودگاهها، با همه امکانات خود و حتی با بدگفت خیلی بیشتر از آنچه در شرایط موجود آن عصر، از این سازمان میتوانست انتظار داشت در کلبه عملیات رزمی، - دوش بدوش صنوف دیگر قشون بنحو بسیار مؤثری شرکت کرد. در عملیات جنگی که در شمال و شمال غرب یعنی آذربایجان و خراسان، از تاز یخ دوم تیرماه ۱۳۰۵ بر علیه متمرکبین ساخلوسلماس و ساخلو - مزاول تیه از سوی ارتش ایران انجام - گرفت، طیارات و خلبانان اداره هواپیمائی کل قشون نقش مهم و مؤثری را عهده دار شدند.

"فرماندهان قوای زمینی در کلبه عملیات، شرکت هواپیمای را با بقدری پر ارزش و حیاتی می‌شمرند که با وجود کلبه مشکلات موجود برای هواپیمای - ها به هیچ وجه حاضر به مرفنظر کردن از حمایت هواپیمائی نبودند. مثلاً "فرمانده قوای زمینی که در آذربایجان مشغول بپیکار با رباغیان و متمرکبین بود مرتباً "آذرکا نحر کول قشون تقاضای هواپیمای میکرد، در تهران هم با شرایط موجود که تقریباً "همه هواپیمای ها و خلبانان در ما موریت بودند فقط یک فرود هواپیمای یونکر س - ۲۰ موجود بود که برای پرواز دادن آن خلبانی وجود داشت تا بتوانند در عملیات - آذربایجان شرکت کنند. ناچار به فکر کرایه بکنفر خلبان آلمانی از شرکت یونکرس (که در آن زمان با چند هواپیمای در ایران به حمل و نقل پست و مسافر مشغول بود) پیش آمد و سرانجام خلبان مورد بحث بطور روزمزد استخدام شد و در تاریخ اول مهرماه ۱۳۰۵ با هواپیمای یونکور همراه مکانیسین موسوم به "بریکولا" نیروی آذربایجان پرواز کرد. خلبان آلمانی که از شرکت یونکرس در تهران استخدام شد شرفنا داشت. این خلبان شجاع در حاس - ترین موقع خود را به منطقه - نبرد - آذربایجان رسانید و بر علیه افسراد اسمعیل خان سمیتقو وارد جنگ شد و به همراه خلبانان ایرانی نهایت تلاش جاسارت

بقیه در صفحه ۸

## مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدانیست

### نیروهایی مسلح و انقلاب

بقیه از صفحه ۷

وفداکاری را در انجام ما موریتهای موله به منته ظهور رسا نید و بدینسان مشخص میشود که چگونه ارتش و بوروکراسی حاکم بر آن به نشاء ابزار ضلعلمی در خدمت دیکتاتور برای رضا خانی و طبقه حاکم قرار میگردد و برای حفظ منافع حکومتگران و اربابان - امیربالیست آنها توده ها را به خاک و خون میکشد. و با لایحه کثاکش انقلاب و ندا انقلاب با غلبه ندا انقلاب و تحکیم موقعیت آن (با بهره گیری از همه اشتباهات و لغزشهای پیشروان) با بیان میگردد و سالیها دیکتاتور خون آشام بر مردم منظم میشود.

و اما عمردیکتاتورها هیچوقت بسی پایان نبوده و نیست که رضا خان هم عمر چاوید شمی با بدود برحرا ن جهانی سالهای ۱۳۲۵ و در جریان جنگ جهانی دوم با زهم جنبش های توده ای اوج میگيرند و تضادهای دروسی ندا انقلاب تشدید شده و با لایحه رضا خان توسط اربابان خود تبعید میشود و پسر سر سپرده اش به سلطنت گمارده میشود.

در اثر رشد و گسترش تضادهای طبقاتی باز هم جنبش انقلابی کشور ما در برابر فرزند انقلاب صف آرائی میکند و ندا انقلاب حاکم را به زیر ضرب میبرد، و کردستان و آذربایجان از کنترل ندا انقلاب خارج میشود. اما از آنجا که جنبش انقلابی ما محروم از یک رهبری واقعا "انقلابی" بوده و فاشیست سازماندهی و عمل انقلابی بود، ندا نقذب با تمام توان خود بر علیه خلق یورش میبرد و در آذرماه ۱۳۲۵ نیروی هوایی در سرکوب خلقهای کردستان و آذربایجان وسیعاً شرکت میکند و نقش بزرگی در پیروزیهای ندا انقلاب ایفای می نماید.

بعدا از کودتای سپاه ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که جنبش انقلابی کاملاً شکست می خورد، تکیه حاکمیت وابسته ایران بر ارتش بیشتر میشود، و میلیتاریسم هر چه بیشتر گسترش پیدا میکند و وقتی در سالهای آخر دهه ۳۰ و اوایل دهه ۴۰ جنبش انقلابی با زهم رتی محسوس می یابد، با زهم ارتش و نیروی هوایی (اینبار با وسعتی کمتر) بر علیه توده ها وارد کارزار میشود، در چنین شرایطی گسترش بازارها برای امیربالیست ضرورتی حیاتی پیدا میکند و فرم سال ۴۲ برای رژیم مزد دورشاه ضرورت می یابد و در رابطه با این فرم است که نیروی هوایی وظایف تازه ای پیدا میکند، چرا که امیربالیسم برای ایران مسئولیت ژاندارمی منطقه را تفویض میکند و برای انجام چنین مسئولیتی نیروی هوایی منسجم تر، مدرن تر، و با قدرت آتش خوبتر لازم می آید. بنابراین تصمیم گرفته میشود نیروی هوایی مدرنیزه شود، هواپیماهای پیچیده تری با سلاحهای مربوطه خریداری

و کادرهای مورد لزوم تربیت شود تا به هنگام ضرورت (همچنانکه در سرکوب انقلاب عماد ضروری شد) مورد استفاده قرار گیرد.

دیگر کادرهای فنی سابق نیروی هوایی قادر به نگهداری هواپیماهای مدرن نبودند. حتی از دانش کلاسیک برای دریا فت پیچیده گیهای مکانیسمهای این هواپیما ها لازم بود که این حدی دانش، میتوانست دیپلم متوسط باشد. در اینجا نیروی هوایی دچار مشکل شد، از طرفی از نظر بوروکراسی نظامی کاربرد برای افسران کسرشاشمرده میشد (افسران فقط برای فرماندهی تربیت میشوند!) و از طرف دیگر دیپلمه ها جز درجه افسری به درجه پائین تری راضی نبودند، چرا که درجات پائین تر (پاائین تر از افسر) در سلسله مراتب بوروکراتیک از شخصیت و حقوق اجتماعی چندانی برخوردار نیستند و دیپلمه ها ترجیح میدهند که وقتی وارد سلسله مراتب نظامی میشوند "افلا" افسر باشند تا کمتر زیر فشار باشند. پس در آن شرایط، مشکل نیروی هوایی این بود که اولاً میبایست به استخدام دیپلمه بپردازد و در دوماً بیایند آنها درجه افسری ندهد، پس با چار شده ایجاد رشته جدیدی دست بزند، و به شکل فایع کننده ای به استخدام دیپلمه بپردازد، رشته جدیدی که ایجاد شد رشته کمک مهندسی نیروی - هوایی بود که افرادی این رشته بنا بود ۲ سال دوره شبانه روزی ببینند و پس از ۲ سال به عنوان کمک مهندسی و با لباس شمی در نیروی هوایی خدمت بکنند، پس از استخدام اولین دوره، هنرجوی کمک مهندسی، نیروی هوایی متوجه شد که هنر - جوها که بناست بعداً "کمک مهندس شوند و لباس شخصی بپوشند، عملاً سلسله مراتب را به هیچ میگیرند و مقررات نظامی از قبیل احترام به مافوق، نظام جمع، اجرای دستورات مافوق تقریباً "به هیچ گرفته میشود این برخورد با مقررات نظامی، برای ارتش قابل تحمل نبود، این بود که از سال بعد در آگاهی استخدام هنرجوی اعلام کردند که هنرجویانی که پس از یکسال دوره شبانه روزی ما یل به دریافت درجه استواری باشند میتواند حقوق مکفی درجه استواری بگیرند و در شبانه روزی آنها نیز با بیان پذیرد حقوق استواران کمک مهندس در آن شرایط تا حدودی مکفی بود و خیلی بیفتر از افسران جزء در نظر گرفته شده بود.

در شرایط سالهای ۴۵ و ۴۶ که بحران بیکاری هم وجود داشت خیلی ها بسوی این شغل جدید جذب شدند و به عنوان هنر - جوبه خدمت نیروی هوایی درآمدند اما اغلب آنها شکیک برای دوره دوم استخدام شده بودند قبل از اینکه لباس بپوشند و برخورد های درون پادگان مرکز - آموزشها را ببینند، در ساختمان واقع در مرکز آموزشها مورد تبلیغ چندتن از فرماندهان قرار گرفتند و پذیرفتند که قبل از اتمام یک سال دوره شبانه روزی و همان جا تمهدی مبنی بر پذیرش درجه استواری بنویسند که این تمهداد ان - بعد ها به مثابه فریب و کنگ خوردن تلقی

شد، و مورد اعتراض آنها قرار گرفت که برای اولین بار در نیروی هوایی یک حرکت اعتراضی دسته جمعی بصورت نامه نگاری فردی از طرف بیش از ۲۰۰ نفر معترض شکل گرفت. بلافاصله ضد اطلاعات واکنش نشان داد و جلوگیری حرکت را گرفت، در پی این حرکت تعدادی از گردانندگان این حرکت زندانی و اخراج و بازداشت شدند، و بقیه پرسنل عملاً "مرعوب شده و از ادامه حرکت بازماندند.

اما فرماندهی نیروی هوایی عملاً دریافت که درجه استواری مورد پسند هنر جوها نیست و این پرسنل ناراضی هرگاه علی رغم خواست خودشان استوار هم بشوند در اندام نگارشان بسیار پائین خواهد بود و همین مناسبت بود که در سال ۴۷ درجه همافری را ایجاد کردند و از آن پس با استخدام همافریها قدرت ورزیدند و همه استواران کمک مهندسی همافری شدند و بسیاری از کمک مهندسی شمی نیز به بدلیل بالا بودن دریافتی ماهانه همه فرمان درجه همافری را پذیرفتند و بدینسان درجه همافری ایجاد و تثبیت گردید. ولی تضادهای آنها با دیگر رشته ها بویژه افسران هرگز حل نشد چرا که همه فرماندهی افسران (بویژه افسران جز) و بطور کلی فرماندهان (را قبول نداشتند و برای خودشان اقلان اندازه آنها قابلیت قائل بودند.

همافران که عمدتاً "کار فنی ویدی" میکردند فشارهای بوروکراتیک برایشان بسیار گران می آمد (همچنانکه درجه داران و سربازان) و به علت کارمشا به و تحمل فشارها و دردهای مشابه یک همبستگی نسبی در بین شان ایجاد شد و از این کاتال همواره در برابر بوروکراسی تا حدودی مواضع دفاعی مشابه میگرفتند و فساد بوروکراسی خیلی دیرتر در آنها میشد.

تحمیل زحمت و کاریدی، با توجه به سواد نسبی این رشته باعث شد که گاهی طبقاتی و مبارزاتی در میان همافران بیش از دیگر رشته های نیروی هوایی رشد کند و همین مسئله باعث شد که در جریان قیام و حتی قبل از آن پیوند هاشی بین همافران و درجه داران ایجاد شود اگرچه بوروکراسی همواره سعی کرده تضادهای بین همافران و درجه داران را به نفع فرماندهان دامن بزند و لیبی خصوصیات طبقاتی مشترک (همافران و درجه داران و حتی افسران جزء عمدتاً فرزندان زحمتکشانند) و تحمل فشارهای بوروکراتیک مشترک همواره مانع گسترش تضاد بین آنها بوده و در نهایت امر، در برابر فرماندهان موضع مشترک میگرفتند. اگرچه برخی از درجه داران و حتی برخی از همافران به موضع کاسه لیبی فرماندهان میطلبدند و هنوز هم میطلبدند، ولی با همه این احوال تمامی اقشار نیروی هوایی در درون یک سیستم بوروکراتیک نظامی قرار داشتند و عملاً بر علیه خلق آموزش میدیدند و تربیت میشدند و در درون آن سیستم به هیچ وجه امکان خدمتگاری به خلق را نداشتند.

بقیه در صفحه ۱۳

## زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



# فاجعه سینما رکس دوباره تکرار شد

رژیم جمهوری اسلامی در روز دوشنبه ۲۵ مهر ماه فاجعه‌ای دیگر آفرید. جلادان رژیم خون حیوانی زخم‌خورده که پنجه به هر سوسمیکشد، دو کودک بیگنا را در آتش - حتم ضد خلقی خود سوزاندند و نه خاکستر بدل ساختند. مزدوران رژیم توبوسی را در شیرازه همراه مسافران آتش به آتش کشیدند و در جیب فراردرهای آنرا نیز بستند. و بدین طریق دو کودک خردسال را کشتند و چندین نفر رخمی و محزون چرخای آنها دند. این فاجعه بار دیگر فاجعه سینما رکس آبادان را در اذهان توده‌ها زنده ساخت و بار دیگر تصویری از کوره‌های آدم‌سوزی فاشیستی هیستلری بزرگسب بطور جنایات رژیم نقش بست.

رژیم سعی کرد با انتساب ایمن جنایت هولناک به نیروهای انقلابی جنگال‌های خونین خود را در پس پرده - بنهان سازد. رژیم تمام می‌سوغها تبلیغاتی خود را بکار گرفت، را دیونولویزیون و مطبوعات مزدوروش را بکار انداخت و مساله را در مجلس مزدوران، طرح نمود تا محامدین را عامل این جنایت قلمداد کند. و حتی وعیحا نه "شاه" کا خود را در تلویزیون به نمایش نهاد تا مگر بتواند اهداف شوم خود را به پیش برد.

رژیم سعی دارد بدین طریق از روی آوری روز افزون و حمایت شدت با سده توده‌ها از نیروهای انقلابی جلوگیری نماید و از سوی دیگر جنایات فاشیستی خود را توجیه و تبرئه نماید. رژیم که تا حد موج‌خشم‌وگین روز افزون توده‌هاست، رژیم که می‌بیند هر اعدا جنایتکاران شبه بخش دیگری از خلق را بر او می‌سوزاند، رژیم که تا حد دست سرکوب و شکنجه‌وزندان در چنین ابعاد وسیعی نمیتواند توده‌ها را خاموش سازد و رژیم که می‌بیند توده‌ها بیش از پیش به صحت نظرات و ایده‌های نیروهای انقلابی واقف میگردند و از اینروست که حمایتش از این نیروها روبه‌فزونی مینهد قصد دارد با این جنایت هولناک و انتساب آن به نیروهای انقلابی بر جنایات خود پرده‌ها ترا فکند. رژیم میخواهد اعدا صدها خردسال، دانش‌آموز، زن حامله و حتی پیرمرد و پیرزن بیگناه و جوانان انقلابی را در پس سوزاندن دو کودک بیگناه و انتساب آن به مجاهدین بپوشاند. رژیم قصد دارد با این جنایات جنگال خونین خود را مخفی سازد.

از سوی دیگر رژیم میکوشد بدین طریق در مقابل فشارهای بیگانه‌های زوری‌مافتر خارج از کشور به او وارد میاید مقاومت نماید. اینک که رژیم بر اثر فشار نیروهای انقلابی در خارج از کشور با زمانهای بیسی چون عضوین المللی مجبور به موضعگیری بر سر امهائی فاشیستی رژیم جمهوری اسلامی شده‌اند. رژیم میکوشد با دست زدن به چنین مانورهای مذبوحانه و جنایت

آمیزی در مقابل این موضعگیری‌ها نیز تعرضی اتخا دنماید. رژیم که در جرگه است جدیدش در سیاست خارجی مجبور به اتخاذ یک سری روشهای بیرونگرا با نه و توجیه به محافل و مجالس بین‌المللی گشسته است تا از انزوای خود خارج شود. دیگر نمیتواند چون گذشته سیاست در مقابل فشارهای سازمانهای چون عموسین - الملل و کمیسون حقوق بشر، با زمان ملل ایستادگی کند از اینرو توبوسی - آتش میزند و کودکان بیگناه را خاکستر میکند تا در سطح جهانی بگوید "اگر جنایات اعدا می‌کنیم، در مقابل جنس جنایاتی فرار داریم" و بدین طریق از زیر بار با زدیبا زنده‌ها و سیاهالیهای مخوف خود فرار کند.

اما در این میان با زهم این توده‌ها بندگی نقش تعیین کننده را بر عهده دارند. هر چند با بدستگیری وسیع را حول این جنایات رژیم سازمان داد و هر چند بخصوص وظیفه سنگینی در قبال افشای این جنایات هولناک بردوش رفقهای انقلابی در خارج از کشور قرار داد اما به جرات میتوان گفت که توده‌ها ایمن حیلہ کثیف را با ورنخواهند کرد. توده‌ها در تجارب عملی خود بدستی نقش نیرو - های مختلف را در حمایت و سرکوب -

مبارزاتشان دریا فته‌اند. اینک وسیع ترین افشا رتوده‌ها بدستی میدانند که رژیم انقلابی نیروهای مبارزانشان در جهت حمایت از آنان و تنها در جهت رشد و اعتلای مبارزاتشان است. توده‌ها در آشنایی با نمونه‌های متعددا زحما سه - آفرینی‌های انقلابیون میدانند که نیروهای انقلابی بیگناه و در هیچ شرایطی به خلق آسیب نمی‌رسانند. توده‌ها دیگر نه تنها با حما سه آفرینی‌های مسعودها، بیژن‌ها، رضایی‌ها، کتیرائی‌ها و صدها صدها می‌زدند و زبرسیما نه ترین شکنجه - ها آشنا یند، توده‌ها نه تنها شاهدند که چگونه انقلابیون جان برکف در زیر کثیف ترین فشارها و شکنجه‌ها علیرغم بریده شدن دست و پا و گوش و دماغ خود بدست جلادان رژیم دلیرانه از آمان - خلق دفاع میکنند، توده‌ها نه تنها می‌بینند که چگونه رزمندگان دلیر خلق با نارنجک بسته بر بدن خویش به شکار مرگ میروند و در راه تحقق اهدافشان قطعه قطعه می‌شوند بلکه دیگر خوبی و بدستی میداند که چگونه با رها و پاره‌ها فدا ثیان و مجاهدین جهت جلوگیری از آسیب رسیدن به مردم نارنجک خود را در سینه منفجر کرده‌اند و چگونه با رها امکان فرار از جنگ خمراز دست داده‌اند نه تنها به این خاطر که کودکی یا جوانی یا زن و مردی زحمتکش از آسیب مومن باشد. توده‌ها دیگر بدستی حما سه سپهری‌ها و مغایه‌ها را نیز میدانند و می‌دانند که گلوله‌ها فدا ثیان و مجاهدین تنها و تنها در سینه خصمی نشینند و نارنجکشان

فقط و فقط در سنگردشمن طبقا تی کارگران و زحمتکشان می‌شکند. و از اینروست که با ورنخواهند که انقلابیون کودکان بیگناه را در آتش سوزانند و توبوسی را با مسافره‌ها آتش بکشند هر چند که سگان درنده رژیم مدارا زوزه بکشند و ایمن آوارا سردهند.

حتی در حرکات اخیر مجاهدین نیز علیرغم بیگاری خطا و اشتباهات کتیک به آتش کنا نیدن ان توبوسها توده‌ها شا هد بوده‌اند که چگونه تمام می‌منا فترین از - ان توبوس بیاده میشدند و به کنا ریه‌ها بیت میگشتند. همه‌ها هد بودند که در تیار زات و سپه‌خیا بانی روزی گشبه‌ها ما گذشته در تهران از سوی نیروهای انقلابی، حتی یک نفر از مردم نیز زخمی نشد و مورد آسیب قرار نگرفت.

از سوی دیگر توده‌ها با زهم در تجارب عملی خود ما هیت ضد خلقی، ضد بشری و خونخواری رژیم را دریا فته‌اند. توده‌ها در بیش از ۲۵ سال تحمل سرکوب، کشتار، ترور و اعدا مدربا فته‌اند که این رژیم ضد خلقی است که در مقابل آنان ایستاده است. و هرگونه مبارزه را با گلوله یا سخ میدهد و از جنگالش خون میریزد. توده‌ها دیگر میدانند که این جلادان رژیم منند که در کردستان سینه‌خلق را میدرند، توده‌ها تجربه‌ها را و ایندرفاش، تجربه ترکمن صحرا و خوزستان را هرگز فراموش نخواهند کرد. توده‌ها بیاد دارند که چگونه کارگران بیگارا در راه مسلمان و کرمانشا به گلوله بسته شدند، بیاد دارند که چگونه سف‌رزمنده‌ها کارگران - شهرک‌البرز به رگبار رسته‌اند، توده‌ها بیاد دارند که چگونه در میدانان فردوسی تیرباران شدند. خلق هر روز شاهد تیرباران کودکان، زن و مرد و جوانان - انقلابی بیشماری توسط رژیم است، توده‌ها هر روز شاهد شکنجه، دستگیری، اخراج، سوزاندن بدن، نابرابری، دست‌بندی قیاسی، تجاوز و هزاران وحشیگری دیگر است که بر انقلابیون اعمال میشود. و از اینرو توده‌ها بدستی میدانند هر نیرویی چاروشایی را بکار میگیرد. اینک جنایاتی ستمانه بدست رژیم انجام گرفته‌است و این توده‌ها بندگی که با بکارگیری تجارب عملی خود ایمن ترفند رژیم را نیز به کینی افزونتر و خشمی قروزا نتریدل خواهند ساخت. اگر جنایت هولناک سینما رکس آبادان - ثوانست رژیم‌ها را از اما چشم‌توفنده توده‌ها نجات دهد و اگر سوزاندن بیش از ۱۰۰ نفر توانست جلوی سرنگونی شاه جلا را بگیرد اینک نیز به آتش کنا نیدن دو کودک بیگناه در شیراز توسط جلادان رژیم جمهوری اسلامی خواهد توانست جهت خشم انقلابی خلق را منحرف سازد. اما تاریخ نشان داده‌است که سرکوبگران خلقی با پدارتخواهندمانند.

# حق تعیین سرنوشت حق مسلم خلق‌هاست



# توهم نسبت به رژیم کنونی بیش از پیش ...

بقیه از صفحه ۱

مجلس شورای اسلامی بدولت حجت الاسلام باهنر برای اعتمادمیدهدوچنین بنظر میرسد که این تحول دیگری در جهت استقرار هژمونی رجال مذهبی در هیئت حاکمه است. اعضای "سنت جدید غالباً" عضو حزب می باشند و لذا برای این دوره - قرار بر این گذاشته شده است که رئیس دولت (نخست وزیر) رئیس حزب جمهوری هم باشد.

این رای اعتماد به دولت جدید در حالی صورت میگیرد که جو ضروری و ارباب در تمام شهرها گسترش یافته و بیم آن می رود که شهرها قربانی جنگ داخلی واقع شوند و سقوط نمایند. در جلسه مجلس شورای اسلامی پس از رای اعتماد بحث های تند و درگیری می شود که در خلال این بحث ها به خطراتی که متوجه اعضای کابینه و خود دولت مترددان میشود، اشاره گردید. از مفاد این بحث ها میتوان دریافت که تضادهای بین خود هیئت حاکمه بوجود خواهد آمد مدوهمین تضاد میان نگر عدم انسجام کافی در جناح هیئت حاکمه مزبور می باشد در حالی که انسجام و یکپارچگی در جناح ماکور به منظور مقابله با نیروهای چپ از هر زمان دیگری ضروری تر است. در این بحث های تند همچنین به بعضی از وزرا آنها ماتی وارد گردید، از جمله حجت الاسلام مهدوی وزیر کشور به این مسئله متهم شد که اشخاصی را که شامل تصفیه و پاکسازی شده بودند و خلق هم آنها را به کناره رده است در دست همای بالابکار رگماری کرده است. همچنین وزیر آموزش و پرورش جدید بدین متهم می باشد که: "در متن نامه ای که از سال ۱۹۷۸ بجای مانده و با مضای نام برده نیرو می باشد دوستی اش را با شاه اعلام میدارد و خلاصه یکی از مقربین شاه نیز محسوب گردیده است. وزیر جدید آموزش نتوانست به صورتی قانع کننده خود را از این اتهام بخوبی تبرئه نماید و تنها به شهادت واهی آیت الله بهشتی رهبر حزب جمهوری اسلامی استناد کرد که خود این شخص در حادثه انفجار بمب در دفتر حزب مذکور در تهران به قتل رسیده است. این حملات و حملات را ضا دق - خلخال رهبری میگرد که خود او نیز متقابلاً "مورد حمله و آنها مقرر میگرد که از بارزترین آنها آنها می است که از طرف نماینده منطقه گنا با دکه در شمال شرقی ایران قرار دارد و اکثریت ساکنان آن اهل سنت هستند، واقع می شود که نام برده "خلخال" در زمانی که تصدی رباست دفتر میا رزه با مواد مخدر را عهده داری بود با اعدای دست جمعی در منطقه که بدستور شخص وی انجام پذیرفته است به اندازه هزار سال بین اهل سنت و شیعه تفرقه ایجاد کرده است. نماینده - ماکور همچنین برای اولین بار که در نوع

خود هم بی نظیر می باشد بدین مسئله اشاره نمود که "دولت مردان مذهبی (شیعه) بدین منظور این دفتر را زیر سیطره خود قرار دادند که بوسیله آن مخالفین سیاسی خود را تصفیه نمایند و بقا چاقچیان مواد مخدر را!! متعاقب آن با هنر رئیس دولت جدید با یک سلسله انتقادات در مورد عدم وجود امنیت از طرف مجلس شورای اسلامی مواجه شد که در اثر آن یک جلسه امنیتی با شرکت مسئولین امنیتی و رئیس جمهوری محمد علی رجائی تشکیل گردید.... و از گفته های با هنر ابتدا این موضوع آشکار میگرد که هیئت دولت وی همچنان سیاست کنونی را در مقابل و با یوزسیون چپ نه تنها ادامه خواهد داد بلکه این سیاست سرکوب را تشدید خواهد نمود. و چاره ای نداشت جز اینکه موضع دولت خود را در مقابل گروه های - سیاسی به نحوه عملکرد دستگاه پلیس آگاهی و خلاصه کمیته های انقلاب مربوط نماید - اینکه مشکلاتی در این دستگاهها و نهادها وجود دارد و خلاصه بدین بهانه متوسل میشود که این دستگاه بعنوان وسیله سرکوب کافی به نظر نمی رسد و به همین دلیل ملست رابه این مسئله تشویق می نماید که خود را در این سرکوب خویش موجود شرکت دهند. متعاقب آن دعوت امام خمینی از شرکت مردم در مراقبت از انواع موظف کردن آنها به عنوان جاسوسی به این عنوان که مواظب همسایگانان با شید و به کمیته های محلی انقلاب هر نوع فعالیت ضد انقلاب را کنترل و گزارش نماید" فتوا میدهد که: "انگر کسی قصد کشتن مسلمانی را داشته باشد بر شما واجب است که وی را قبل از انجام این عمل دستگیر و تسلیم نمائید... و در غیر این صورت خود شما نیز شریک جرم محسوب خواهید شد."

این چنین فراخوان هایی ممکن نیست که از یک رهبری ما درشود که به امنیت و تشبیه خود معتقد باشد و با حتی لااقل خطراتی از جانب نیروهای مخالف خود احساس ننماید. رژیم که اهالی رادعوت نمایند که مراقب فرزندان خود باشند و در صورت مخالفت آنان با رژیم آنها را به جلادان "دادگاههای انقلاب تسلیم نمایند و رژیم که از ملت می خواهد بدله لشکر بمان امنیتی تبدیل شوند، خوگسائی هستند که سنگ رژیم ترور را بنا نهاده و همچنین سدی میکشند بدین انقلابیون و خلق تا بدین وسیله هر چه بیشتر آنها را از خلق جدا و ایزوله نماید. فراخوان هایی از این قبیل در آن واحد این موضوع را منعکس می سازد که هر اس رژیم زگسترش روز افزون مبارزه نیروهای چپ روز بروز بیشتر میشود و روزی از فرارسیدن نسلهای خویش نوبت مطلع خواهیم شد. با توجه به این امام خمینی سعی بر این دارد که

مسئله رودر روی با نیروها را کم اهمیت جلوه دهد و با درموردی آنها را نفی نماید و دلداری میدهد که این موضوع مهم نیست و جای نگرانی ندارد و هر چه ۱۲ ساله ای میتوانست در تهران بمب یا نارنجنگ منفجر نماید که این امری است عادی. ولیکن واقعیت اینست که چیز دیگری وجود دارد! ولی واقعیت اینست که در زمان دیکتاتور نوری شاه هم موقعیت چنین بود که روزی نگذشت مگر اینکه ده ها تن بسا دستگیر یا کشته میشدند. و این همان است که بشکل جدید از سر گرفته شده است. میتوان بسادگی آمار دقیقی از خسود روزنامه ها برداشت که در ظرف یک هفته در حدود ۱۲۹ نفر محکوم به اعدام و در حدود ۶۱ نفر به حبس های مختلف محکوم شده اند و احکام ما در به مرحله اجرا - گذارده شده اند. این اشخاص از گروه ها و سازمان های چپ ایران می باشند که غالباً "از سازمان مجاهدین خلق ایران و بقیه از سازمان فدائیان و پیکنار می باشد. در بین این عده ۲۳ نفر از کارگران مرکزی سازمان مجاهدین بودند. همچنین قابل ذکر است که با هم در حدود ۴۲ نفر طبق اعلامیه خود رژیم از ضد انقلاب در کردستان بودند که بلاشک منظور انقلابیون کردستان هستند که این جریانات تحت عنوان پاکسازی شهرهای کردستان انجام پذیرفته.

آقای حجت الاسلام رفسنجانی سعی بر این نمود که این را بعنوان خواست مردم جا بزند و خلاصه مسئولیت آنها را - متوجه خود مردم نماید بدین مضمون که مردم خواستار اعدام منافقین هستند که مخالف رجعت به اسلام می باشند و بدین وسیله سعی در تطهیر و تبرئه سیاست تصفیه و پاکسازی موجود در رژیم شده که خود این تلاش می بین آنست که اتحاد چنین سیاستی از طرف دولت مردان مذهبی کاربرد - نخواهد داشت و نیروهای چپ رژیم نه تنها با سیاست پاکسازی و تصفیه از بین نخواهند رفت بلکه روز بروز نیرومندتر و مصرتر برای استنادگی در برابر نظام استبداد جدید موجودیت خود را تثبیت خواهند کرد.

**دو خصمان رژیم را که همچنان جنایت می آفرینند**

سرمه های حزب

تیم در برابر رژیم است. در این میان باید به این نکته توجه داشت که رژیم با هر چه تلاش کند نمیتواند از این واقعیت فرار کند که نیروهای چپ ایران در حال حاضر در سطح وسیعی از ایران و در تمام نقاط جهان حضور دارند و این حضور را با هر چه رژیم تلاش کند نمیتواند از بین ببرد. رژیم با هر چه تلاش کند نمیتواند از این واقعیت فرار کند که نیروهای چپ ایران در حال حاضر در سطح وسیعی از ایران و در تمام نقاط جهان حضور دارند و این حضور را با هر چه رژیم تلاش کند نمیتواند از بین ببرد.

# نابود باد امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی





# انحطاط فرهنگی؛ مشکل تر از افیال و زنانه مردانه کردن اتوبوسها!

در خبری بود که رژیم پس از فاش شدن بر تمامی مشکلات اقتصادی و اجتماعی و حل تمامی معضلات بود زحمتکشسان با بیکارگیری طرحی انقلابی و مرتبستی سعی در حل مشکل ایاب و ذهاب توده ها و مسئله کمبود اتوبوس و وسایل نقلیه عمومی و همچنین گرانی آنها دارد؟! این طرح که همانا جدا کردن زنان و مردان از یکدیگر در اتوبوسها، در جهت "حفظ شعائر اسلامی" بود بصورت استقبال وسیع نبوده و در خطوطی که بصورت آزمايشی بکار گرفته شده با شکستکی مفتضانه مواجه گشت و کارنجائی رسید که حتی روزنامه های قلم به مژدی چون کیهان نیز بسبب انتقاد از آن برخاستند و انجمن اسلامی شرکت واحد نیز با آن مخالفت کرده - خواها نتوقف آن شد!

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی میکوشد به نام حفظ شعائر مذهبی و حاکم کردن اخلاق اسلامی سیاستهای صدامسانی خود را به پیش برد. رژیم میکوشد جدا کردن زن و مرد در سطح جامعه از یکدیگر را بعنوان راه حل انقلابی معضلات و مسائل موجود و شیوه ای جهت برقراری اخلاق انقلابی در جامعه بزند. هر چند روسای آن که بسبب پیش کشیدن چنین مسائلی در سراسر کشور جهت انحراف مبارزات توده ها از مسیر اصلی خود، جهت فراقبونی سپردن و به پشت پرده کشیدن سیاستهای ضد مردمی رژیم و جهت تبدیل مسائلی چون کمبود اتوبوس، مشکل ترافیک، تقسیم ناهادانه اتوبوسها در سطح شهر و... به مسائل درجه چندم است، اما باید گفت که در این شکل از برخورد نینیز بخوبی با سیاست ارتجاعی رژیم متبلور گشته است.

تجارب عملی توده ها بخموم در مقطع قیام بخوبی نشان میدهد که چگونه رژیم همواره جهت "حل" مشکلات، ضد خلقی ترین و عقب افتاده ترین شیوه ها را بکار میگیرد هر چند حاکمیت فرهنگی منحط برجای معده و آرزو نجله وجود برخوردارهای نامطلوب موجود بین مردان و زنان، آزار و اذیت زنان و... منتج از سیستم سرمایه - داری وابسته است که زن را بصورت یک کالا بیک جنس به بازار عرضه میکند اما - بخوبی بجای داد رژیم که چگونه در مقطع قیام در مقطع خیرش توده ها با بیداری فرهنگی انقلابی و شکل گیری ورزشان (هر چند بصورت خودبختی) تمامی این مسائل بکناری زده شده بود. همه بیاد داریم که چگونه در مقطع قیام هنرستانی و یکبارگی انقلابی در بین وسیعترین اقشار خلقی حاکم گشت و چگونه آثار منقطع فرهنگی کشف شاهنشاهی جای خود را به همگاری و همیاری انقلابی توده ها در جهت انقلاب داد. همه بیاد داریم که چگونه در مبارزات انقلابی خلق زنان و دختران رزمنده و زحمتکش فارغ از هرگونه برخورد غیر اخلاقی دو تادوش و در کنار مردان مبارز رزمیدند و با بهای رژیم سطننتی را نبر کردند. اما با حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی با هر - نزاری سرکوب اختناق در تمامی زمینه ها از هر سو اذیت گرفته تا مبارزات - سیاسی با به عقب راندن انقلاب، با نابود کردن تمامی نهاد های مردمی و مبارزاتی با ردیگر تا حدیبا رکن فرهنگ منحط حاکم برجای معده سیستم و رژیم جمهوری اسلامی که خود در هیچگونگی عامل حاکمیت جنسی روابطی سرزدگی توده ها است به بهای معده ما ملدها "اخلاق عسرا سلامی" جنسی

سیاستهای ارتجاعی چون جدا کردن زن و مرد در اتوبوسها را بکار میگیرد. تنها کافیتست بیاد آوریم که چگونه کشورهای انقلابی با بکارگیری روشهای چون شرکت وسیع توده ها در تولید، تأمین کار و معیشت برای همه، ایجاد گسترده ترین امکانات برای ورزش و رشد دادن و تشویق ورزش های خلقی، تأمین تمامی امکانات رشد جهت هنر انقلابی و آراشان به توده ها آموزش خلقی به وسیعترین صورت و جا بجا ترین نمودن فرهنگ انقلابی بر توده ها، تشویق خلق و آموزش نظامی، تدوین اردو و مدارس و کانونهای تربیتی جهت بازآموزی محکومین، منقرضین و مجرمین و... موفق شده اند در شیوه های منحط ترین فرهنگ های امپریالیستی را بچنگ آورند و آنگاه سیستمی که چگونه رژیم جمهوری اسلامی توسط بزرگواران هنر، فرهنگ و ادب انقلابی، سرکوت مبارزات توده ای و سرکوب انقلاب، خود سهمترین و عمده ترین عامل انحطاط فرهنگی است. روشن است که آراش جنین روشهای تنها و تنها دنباله تمامی سیاستهای سرکوبگرانه رژیم و ادامه منطقی فرهنگ ضد انسانی است که رژیم ترویج میکند. همچنین این روشها تداوم سیاستهای است که رژیم جهت پایمال حقوق زنان اعمال میکند، تداوم منطقی لایحه قصاص، حق ارتجاعی تند زوجات، حق صیغه حجاب اجباری، و پایمال تمامی حقوق - زنان و... این سیاست تداوم حاکمیت سرمایه و سرمایه داری است که زن را نه یک انسان بلکه یک کالا و وسیله جهت شهوترانی میداند. این سیاست تداوم منطقی تمامی سیاستهای ضد خلقی دیگر است و آزار و توهانها در قبال آن بنا خواهد شد خواست.

## پاکسازی کردستان "یا قتل عام خلق..."

بقیه از صفحه ۱۰  
حقیقت اینست که بیش از ۲/۵ سال است خلق کرد میرز و دیوارزم حماسه آفرین خود رژیم را به لرزه در آورده است. حقیقت این است که "شمار" تمامی خلق کردند و پیروزی های رژیم همانا کشتار و قتل عام خلق کرد است. حقیقت اینست که ورود "سرداران اسلام" را به روستاها و مناطق دیگر کردستان کسی بپذیرا نیست و کسی به استقبالشان نمیرود زیرا که در بسیاری اوقات کسی در روستا باقی نمانده است زیرا که در قاتل زناحتی حیوانات و در ایندر - قاش حتی پیر مردان نیز قتل عام شدند. زیرا که سرداران اسلام و سرکوبگران جمهوری اسلامی قبل از ورود، محل را با کمک راکت و بمب و خمپاره های - امپریالیستی پاکسازی میکنند.

هر چند حماسه خلق کرد در تداوم خود سراسر ایران را در نور دیده و هر چند بسیاری از توده ها دیگر روشن گشته است که دوسوی همپا زده در کردستان کجاست، هر چند موج - بپوشی وسیع رژیم در سراسر ایران و حاکمیت اختناق و سرکوب و حشانه و اعدا مهملای بی امان توانست ما هیت خونخوار رژیم را به توده های وسیع خلق بنمایاند اما گاهی اسناد آنچنان افشاگرانه است که

دیگران آگاه ترس توده ها را سیر در سر خواهد گرفت. گاهی ضد خلق خود برد هدری میکشد و خود خیره اش را با سامی گزاهت به هایش مینهد. رژیم که در هر یورش تمامی نیروی خود را بکار میگیرد در سرکوبیات مذبح خانه اش قبل از یورش و کشتار است اخیر در کردستان جهت جنگ روانی و تضعیف روحیه خلق قهرمان کردستانه های متعدد در نمود، از جمله در بیانیه "ستاد عملیات شمال غرب کشور میخوانیم" به آگاهی کلیه برادران و خواهران - مسلمان و متعهد مناطق روستائی محورهای یاد شده میرساند که در صورت عدم سرور راندن و طرد نمودن و تحویل دادن عناصر غیرقانونی، و فدا انقلابی با شلیک حتی یک گلوله تمامی روستا را بدون استثنا و با قاطعیت با بولدوزراف و با خاک یکسان می نمائیم" (کیهان ۱۴/مهر/۶۰)

خلق باید بدانند که "پاکسازی" کردستان در قاموس جلادان چه معنای دارد. و این بیانیه بدروستی نشانه هدهده این معناست رژیم در کردستان و در دروی تمامی خلقی کرده قرا دارد. رژیم در کردستان قتل عام و سرکوب تمامی خلق کرد را هدف قرار داده است و آزار و بیروست که وقیحانه تهدید به "با خاک یکسان کردن روستاها میکند. هر چند رژیم نام قاطعیت بروحشگرها و

ددمشی های خود مینهد اما این همه از سره را است، هر اس مرگ، رژیم میداند که تا زمانی که زحمتکش کردنده است حاکمیت جمهوری اسلامی را با گلوله های خشم و کین خود به خطر خواهد انداخت و بسپوده نیست که رژیم اینگونه میهراسد که یک گلوله را با به خاک و خون کشیدن یک روستا یا سخ میدهد زیرا که مدتهاست مرز خشم خلق کرد را چشیده است.

اما چه مذبح خانه است این همه تهدید و اراغاب و چه عیث است اینگونه کشتار و سرکوب، در بیخ که مرتجعین و کشتارگران خلق از تاریخ و از تجارشان نمی آموزند و زنه نمیدانند که میلیونها تن بمب و مدها هزار گلوله نتوانست خلق ویتنام را از پای بنشانند، هر چند که روستا های بسیاری با بولدوزر، با خاک یکسان شد، و روستا میبایدند که چگونه ۲/۵ سال کشتار و سرکوب مدها هزار تن بمب و راکت و گلوله، نسری جز توفنده تر گشتن جنش جز فوران - گشتن آتش کین خلق و جز بی شما رگشتن بیشرگان خلق کرد بسیار رتبا ورده است. و رنه مرتجعین نمی بویختند که آتش که بارد میکارد، توفان نیرو خواهد کرد، توفان - خشم خلق که آنگاه که بر خیزد تمام می سرکوبگران و مزدوران را نابود خواهد ساخت. توفان انقلاب



### نیروهای مسلح و انقلاب

بقیه از صفحه ۸

نیروی هوایی مدرنیزه شد، هواپیما - های فاستوم از انواع مختلف، و هواپیماهای شناسایی که بیشتر از دیگر کپیهای استراتژیستیک و منطقه ای و همچنین به منظور شناسایی و جاسوسی از منطقه قابل استفاده بودند - خریداری شدند عمدتاً توسط همافران - سرویس شدند، این هواپیماها در سرکوب - جنبش انقلابی خلق عمان شرکت کردند و همافران نیز بیدون آگاهی از برنامه های عملیاتی هواپیماها با داده لو جان خدمات سرویس هواپیماها را تا مین نمودند - اکنون که بسیاری از همافران به واقعیت برنامه های عملیاتی آن پروازها پی برده اند با تا ساف عمیق، خود را گناهکار میدانند، اگر چه در آن شرایط کم - مورت اطلاع از برنامه های عملیاتی هم عملاً - قادر به جلوگیری از ادامه پروازها نبودند و این به علت عدم برخورداری از آگاهی سیاسی و تشکل و اتحاد لازم در میان آنان بود، که مداخلت هنوز هم علیرغم رشد نسبی شان در این زمینه آگاهی و تشکل و وحدت لازم را ندارند و این مسئله باید مورد توجه نیروهای انقلابی قرار - گیرد.

تفاهد های درون رسته های مختلف نیروی هوایی با فرماندهان همواره گسترده تر میشد و در این رابطه اقتدار زحمتکش این بخش از ارتش، رفته رفته بهم نزدیکتر میشدند و با هم بیشتر احساس همدردی - میکردند چنانکه در مقطع قیام همافران و درجه داران و حتی سربازان و افسران جزء به حرکات مشترک دست میزدند و آن تفاهد های کاذب اولیه بین درجه داران و همافران به حداقل رسیده بود (ناگفته نماند که بسیاری از همافران به علت - دریافت حقوق نسبتاً بالاتر در یک خلق و خوی طبقاتی خود را از دست میدادند و به چهره های "جوخ بحثنا زبور و کراسی تبدیل میشدند).

بالاخره با زهم گسترش کمی تفاهد های طبقاتی به تخییری کیفی رسید و بحران انقلابی با ردیگروا اینبار گسترده تر از گذشته سر تا سرکشور را فرا گرفت. که طبعا - چنین بحرانی نمیتوانست در درون - ارگانهای نظامی از جمله نیروی هوایی انعکاس نیابد اما بدلیل عدم وجود آگاهی طبقاتی لازم، به دلیل عدم وجود سازماندهی و تشکل انقلابی و بطور کلی به دلیل عدم وجود یک رهبری انقلابی (همچنانکه خود جنبش سراسری)، انعکاس این بحران در درون نیروی هوایی تنها بصورت حرکات کوچک و بزرگ فردی و جمعی ولی عموماً خود انگیخته بروز کرد. و در سراسر پرونده قیام نگوهمند خلقهای قهرمان ایران هرگز نشانی از یک حرکت بزرگ سازماندهی شده دیده نشد. پرسنل انقلابی که در راس آنها - هواداران سازمانهای انقلابی قرار داشتند علیرغم میلشان برای ایستاد

حرکات سازماندهی شده قادر به ایجاد سازماندهی مناسب نشدند و حرکات سازماندهی شده تنها در سطح محدود و کوچک امکان تحقق پیدا کرد. به موازات گسترش - مبارزات توده ها در مناطق مختلف کشور صفوف پرسنل انقلابی نیز گسترده تر شد و در امر تا سرپا دگانها، با یگانها و مراکز - مختلف نیروی هوایی حرکات اعتراضی و انقلابی در پشتیبانی از جنبش انقلابی خلق بوجود آمد. گسترش یافت و با اواخر روز ۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۷ این حرکات مستقیماً - را جنبش انقلابی خلق گره خورد. هنرأ میزان - حیوان، درجه داران و همافران مرکز آموزشهای هوایی پس از انجام یک سری تظاهرات انقلابی وقتی مورد هجوم وحشیانه سرکوبگران قرار گرفتند متوجه شدند، خمکینا نه صلاح برگرفتن و مسلحانه با سرکوبگران و از دیگر یگانها شدند، و در همان روز هواداران سازمان برای تظاهرات چریکهای فدائی خلق ایران که بر تظاهرات همایشی - داستانی و قیام استخدامی رزان - نیروی هوایی را شنیدند به رهبری چند تنم نظامی سازمان به کمک آنها شتافتند و پس از تار و مار کردن مزدوران کار دبه تسلیح - نموده ها در حد محدود و پراکنده همان روز و روز بعد توده های تمامی مراکز سرکوب را - مورد حمله قرار دادند، مسلح شدند و با فتح تمامی مراکز سرکوب رژیم ۲۵۰۰ سال - جنایت و حیانت را به گورستان تاریخ - سپردند و با خلق این حماسه، با ردیگستر ثابت کردند که وقتی توده ها با خیرند هیچ نیروی اهریمنی از جمله محمد رضا - دیگتا تور نیز (خمینی جلاد که جای خود دارد) قادر به مقابله با آنها نیست.

وقتی توده ها رژیم فریبده محمد رضا - ثانی را فقط گزند و در محفل به نینو و توان لایزال خودی بردند با خواستهای - رادیکال ترولی با توهین در داد و در جنبش - جلادان چون خمینی جلاد قدرت شناختند و به - خمینی و یاران او که نمایندگان رژیم و مداخلت شایسته بودند دست زدند، میزدند و میزدند این اما پیاده بی اعجاز تدریج خودی - قدرت سیاسی دست بستند. در نیروی هوایی - عملاً اولین پروازهای طی شد.

بلافاصله پس از قیام، در تمامی تظاهرات - نیروی هوایی نیز تظاهرات جداگانه و نمایندگان شوراهای شورای مرکزی نیروی - هوایی را تشکیل دادند. از همان آغاز به حاکمیت جدید خمینی خود را با شوراها - نشان داد و در برابر حرکت رات انقلابی - پرسنل و شورا های پرسنل انقلابی - بشیرمانه ایستاد. پرسنل انقلابی تمامی - نیروهای مسلح اقدام به راهپیمایی - اعتراضی به طرف مقر امام نمودند و از طرف - آن مفرقند! جزاها نتوانی توجسی - نمیی حاصل نکردند. در نیروی هوایی - علیرغم تاکید شوراها مبنی بر ضرورت - انتخابی بودن فرماندهی و نظارت شورا - بر طرحهای عملیاتی - از طرف نخست وزیر منصب خمینی - فرماندهی نیروی هوایی انتصاب گردید. این انتصاب خشم شوراها و همه پرسنل را - برانگیخت و بار دیگر هزاران همافر - همافران در این حرکت مرتکب اشتباهی - عظیم شدند و در جهت جلب حمایت درجه -

داران، سربازان و افسران جزء هیچ - کوشی نکردند که در پی این اشتباه رژیم توانست با شایعه اینکه همافران میخواهند افسر شوند تا حدودی موفقاً "بین همافران - و سایر رسته های زحمتکش عکاف سانداز (د - از تهران و نمایندگان همافران از - ستانها بطور خود انگیخته در ستاد فرماندهی - نیروی هوایی تخمین گزیدند و مهدیسون - خیانت پیشه را ارد فرما ندهی بیرون - انداختند.

مهدیسون دیگر قادر نبود و دوباره به دفتر - فرما ندهی برگردد و دولت موقت نیز به - انتصاب مزدور دیگری اقدام کرد ولی - خواستهای صنفی سیاسی همافران همچنان - بی پاسخ مانده تخمین همافران، روزها - ادامه پیدا کرد تا اینکه بنی مدرس با از - طرف خمینی جلاد ما موریت یافت تا امر - شورایی شوراهای در نیروی هوایی پیش برود - عوامفریبی ها و شیرین ربایتهای بنی مدر - با توهم توده های همافر در هم، سخت و - تخمین با دریافت مشی وعده و وعیدها بان - گرفت. همافران آگاه در برابر خویشاوندیها - و توهم اکثریت همافران کاری از پیش - نبردند!!

وبعداً علیرغم اینکه فرمانده مزه وری - چون باقری ۲ بار در بیابان یکم دستگیر - و تحویل زندان شده بود ولی عتاد حکومت - در برابر پرسنل انقلابی جدی رسیدگی - بالاخره این مزدور به فرماندهی نیروی - هوایی گماشته شد و اعتراضات پراکنده - پرسنل ریحائی نرسید.

آری علیرغم حواسنهای رادیکال - توده ها، حاکمیت در برابر توده ها قده علم - کرد و بیشتر مانده دست آوردهای قیام - شکوهمند خلق را مورد هجوم قرار داد. - نیروی هوایی نیز از این هجوم مسمون - نماند. تصمیمات شوراها بتدریج به هیچ - انگاشته شد و اجمن های اسلامی در اسباط - بستقیم با عمال مزدوری چون چمران و - یزدی بتدریج تا گرفتند و در همه جا در - اخراجی تصمیمات و اقدامات شوراها اختلال - کردند، بیرون انقلابی مبهوت از آنچه - بحالات انتظارشان اتفاق می افتاد - پنا یا و رانته علیرغم ایجاد حرکات اعتراضی - مختلف از قبیل تخمین در دانشگاه تهران - نوشتن نامه های اعتراضی به مقامات - دولتی، مراجعات مکرر به دفتر امام، - بزرگیهای متعدد با فرماندهان مزدور - و سرکوبگران جنبش خلق وغیره. بتدریج - گام پس نهادند و چنان شد که "هروزان تخمین - های اسلامی و اداره سیاسی ایدئولوژیک - نیروی هوایی در تمامی مراکز این نیرو - یکه تا زمینان شده است. این ارگانهای - اختناق که تمامی تلاششان را در جهت - مرعوب ساختن پرسنل به کار میگیرند، در - عین حال منفور اکثریت پرسنل نیروی هوایی - و خوشحلتانه هیچگونه توهمی نسبت به این - ارگانها وجود ندارد.

امروز هم چنانکه در سطح کل جنبش - خلقهای ایران، شرایط ویژه ای بوجود - آمده، در نیروی هوایی نیز حالت ویژه ای - در میان پرسنل انقلابی برقرار شده است - همچنانکه در سطح جامعه تحقق مسالمت میر - خواستها و آزادی مردم، به امری خیالی - بقیه از صفحه ۱۴

## رهبری طبقه کارگران پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

### نیروهای مسلح و انقلاب

بقیه از صفحه ۱۲

و ناممکن تبدیل میشود، و هرگونه اعتراض با کلوله پاسخ داده میشود، پرسنل انقلابی نیز عملاً قادر به پیشبرد مبارزه قانونی در مراکز مختلف نیروی هوایی نیستند، هر گونه اعتراضی با تهدید و اخراج و زندان و حتی اعدام مواجه میشود و پرسنل بیرون در یافت راه اصولی مبارزه عمدتاً چنین نتیجه میگیرند که دیگر نمیتوان کاری کرد (همچنانکه بخشهایی از خرد بورژوازی نیز در سطح جامعه به چنین نتایجی میرسند) ولی مبارزه اصولی در جامعه پیش خواهد رفت و این مبارزه را، محدود و متشکل بنا بر زمانه‌ی شده و توسط رهبران و نمایندگان واقعی خودشان رهبری خواهند شد و نگاه با قدرت لایزال خود و با توسل به قهر انقلابی حاکمیت کارکنان جمهوری اسلامی را سرنگون خواهند ساخت و با پیهم گیری از تمامی تجربیات تلخ گذشته، به اعمال دیکتاتوری توده‌ای اقدام خواهند کرد. آنکارا پرسنل انقلابی نیز هر چه گسترده‌تر در کنار خلق قرار خواهند گرفت و حداقل کاری که خواهند کرد ترک خدمت خواهد بود و تحت رهبری شوراهای انقلابی، مسلحانه به خدمت خلق خواهند آمد و در مراکز نظامی از جمله در مراکز مختلف نیروی هوایی تشکیلات انجمن‌های اسلامی و دوائس سیاسی اپدئولوژیک را بنا خواهند ساخت. بدینسان در پیوند با شوراهای انقلابی کارگران و دهقانان فرماندهی شورایی شکل خواهند گرفت.

هم‌اکنون نطفه‌های رهبری حرکات متشکل یافته و سازماندهی شده به صورت هسته‌های یک ملافه مخفی در ارتش و در نیروی هوایی شکل میگیرد، و پرسنل انقلابی با ایجاد هسته‌های مخفی در باره حرکات آینده برنامهریزی میکنند. این هسته‌ها چاشنی‌های انفجارات توده‌ای هستند که مجموع عمل خواهند کرد و تمامی هستی دشمنان طبقاتی زحمتکشان را به زیر ضرب خواهند گرفت. بسیاری از این هسته‌ها با بطور خودبخودی و مستقل متشکل میشوند و هر چه گسترش خود را طی میکنند در رژیم به هیچوجه قادر به پیشگیری از تداوم این حرکات نیست. اگر چه رژیم میخواهد با انجام یک سلسله تصفیه‌های وسیع جلوگیری از تداوم این شکل‌ها را بگیرد، ولی این اقدامات آنچنان کور خواهد بود که هیچ گرهی از مشکل رژیم را نخواهد گشود، و در عمل به تازمانه‌ی شیهای توده‌ای دامن خواهد زد و رژیم را برای شکل و گسترش نیروهای انقلابی فراهم‌تر خواهد ساخت.

تصفیه‌های چندین هزار نفره اخیر موید این مدعاست. تصفیه‌های اخیر آنچنان کور بود که تقریباً "ضربه قابل ملاحظه‌ای به پرسنل انقلابی وارد نشود" عمل از یکسوزن‌رسانی توده‌های گسترش یافت و از سوی دیگر رژیم خود را از خدمات تعدادی بزرگوار با تجربه محروم ساخت. امروز اگر چه رژیم خونخوار اسلامی

هنوز هم قادر است با توسل به زور بسیاری از پرسنل را در خدمت خود بگیرد و نیازهای خدمت‌های بعد آنکنها را از این طریق تا مین نماید، اگر چه رژیم هنوز هم قادر است از امکانات نیروی هوایی برای سرکوب خلق کرد استفاده نماید، ولی فردا که جنبش اوجی تازه میگیرد و آگاهیه پرسنل بیشتر رشد میکند، پرسنل انقلابی با تشکل و سازماندهی عالی‌تر به مقاومتی جانانه دست خواهند زد.

هم‌اکنون شاهد آنیم که پرسنل انقلابی با توسل به شیوه‌های ابتکاری مختلف از تپا مین خدمات بنسبانه‌های کردستان - خودداری میکنند ولی این شیوه‌ها هنوز قادر به توقف سرکوبهای هوایی و بمبارانهای جنایتکارانه رژیم نمی‌باشد. با همه این احوال فرهنگ خرد بورژوازی هنوز هم دامنگیر اکثریت پرسنل نیروی هوایی میباشد و این فرهنگ فاسد عامل مهمی در انفعال فعلی پرسنل نیروی هوایی به حساب می‌آید، گرایشها، سلطنت طلبانه هنوز هم در میان پرسنل وجود داشته و این گرایش بویژه در میان افسران ارشد و استوارهای قدیمی بیشتر است. این گرایش در حال حاضر عمده نیست و اگر چه در حال حاضر خطری برای جنبش به حساب نمی‌آید اما کم‌به‌آدم آن میتواند به‌مثابه خطر بالقوه محسوب شود. قبل از عزل بنی مدراژ حکومت علیرغم شناخت نسبی که پرسنل از وی داشتند اما تمیز عوامانه بدینتر بد در مقابل بدتر توهم تحقیق سلامت آمیز حکومتها از ارتجاع مذهبی به نوعی دموکراسی بورژوازی گرایشهای نسبتاً وسیع نسبت به بنی مدربود وجود آورد. اما بدنبال عزل بنی مدربرای بسیاری مشخص شد که از این آمازده هم معجزه‌ای ساخته نیست و توهم نسبت بوی تا حدود زیادی درهم شکست. اگر چه در حال حاضر مجاهدین خلق با پشتیبانی از وی توانسته اند درگ سیاسی محتوم اوراندگی به تمویق اندازه‌ها، اما بهر حال توهم نسبت به بنی مدروزی بورژوازی بیشتر و

میریزد. در میان قشرهایی افسران هم‌اکنون قدیمی، درجه‌داران کهنه ما موریت‌های خارج از کشور داشته‌اند هنوز هم بنی مدراژ محدودی طرفدار دارد. اما از بین کلیه جریانات سیاسی مجاهدین خلق بیش از سایر جریانات طرفدار دارند، این هواداران عمدتاً در میان سربازان، درجه‌داران، هم‌اکنون افسران جزء قرار دارند (در رده‌های ذکر شده هواداران سازمان نیز به‌شمار می‌آید) سربخش‌ها نیز در (گرایش به سمت مجاهدین رشد یافته است، اگر چه مطلق کردن تاکتیکی نظامی برای بسیاری از هواداران آنها سؤال برانگیز بوده و در آنها ایجاد سردرگمی نموده است، در صورت ادامه این وضع و عدم تصحیح تاکتیکی‌های فوق الذکر از جانب مجاهدین این گرایش سیری نزولی را طی خواهد کرد.

با توجه به آنچه گفته شد وظیفه پرسنل انقلابی است که در جهت تشکل و سازماندهی هسته‌های مخفی حرکت کرده و در عین حال با تمام قوا سلطنت طلبان و لیبیرالها

را افشا کنند و اجازه عوامفریبی به ضد انقلاب مطلوب ندهند. ما ایمان داریم همچنانکه رژیم شاه مزدور نتوانست علیرغم تلاشهای مذبحخانه‌اش بمنظور جدا کردن پرسنل انقلابی از توده‌های مردم موفق شود، رژیم خونخوار خمینی نیز با اعمال فشا و ایجاد جو اختناق و ارباب‌رهبان‌های نخواهد برد. این قانون تاریخ است.

### باجا سوسان و مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به مبارزه برخیزیم

رژیم جمهوری اسلامی همانند تمامی رژیمهای جنایتکار عاقبت برده فریب و ریاکاری را یکسره بکناری زده و به رذیلت‌ترین و بیشترین نه‌ترین شیوه‌های سرکوب و اختناق و جاسوسی متوسل شده است. رژیم با یکا رگیری با اوکیها و بستن سوساها و انجمن‌های اسلامی با بوق و کرنا در بلندگوهای خود مدعی وجود یک ساواک ۳۶ میلیونی است. زهی بشری، که با توسل به این نیرنگها میخواهند در کشتار کارگران از وجود عبا مرتزقل و دون مفت بهره‌جسته و فضای رعب و وحشت و عدم اعتماد را در صفوف کارگران گسترش دهند.

همکاران مبارز! رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی که به‌نا توانی انجمنهای اسلامی در درون کارخانجات و ادارات پی برده، سپاه - با ساداران این ارگان سرکوب را در کارخانجات مستقر و به‌استخدام افراد جدیدی پرداخته تا به خیال خام خود به این وسیله جلوی اعتلا و رشد مبارزات بحق کارکنان و زحمتکشان را بگیرد. در پی این تاکتیک جدید، شاهد استقرار سپاه با ساداران در پالایشگاه و نام نویسی ۲۴ نفر از کارکنان جهت جاسوسی میباشیم. تعدادی از این افراد که همان اعتصاب شکنان و دزدان مسی باشند، در این سه سال ما هیئت‌ها بر همه معلوم گشته، ولی تعداد دیگری که اخیراً به جمع آنان پیوسته‌اند، ما به اینسان هشدار میدهم که سرتوشتی مشابه با جا سوسان و مزدوران رژیم پیشین در ۲۲ بهمن و انتقام توده‌های ستمکش از خاشاکین در انتظار آنهاست. ما به این عده‌ها خبر توهمه می‌کنیم که هر چه سریعتر به جمع همکاران خود بیاورند، در غیر این صورت اسامی آنان را افشاء خواهیم کرد تا همکاران مبارز تکلیف خود را با آنان روشن نمایند.

با ایجاد و تشکل خویش در جهت انحلال و برچیدن مراکز جاسوسی رژیم از قبیل انجمنهای اسلامی، کمیته‌های با ملاحظه‌مقامت، بکوشیم تا بتوانیم در ایجاد دشواری‌های واقعی گامی به‌پیش گذارده باشیم.

خمعی از کارکنان پالایشگاه شهباز  
۶۰/۹/۲۸

## دو روز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است

## هاشمی رفسنجانی: ما چپ گرانیستیم، سرمایه داری را حفظ میکنیم

درباره تفویض قدرت دیکتاتور  
ولایت فقیه" به مجلس اسلامی در مسوود  
مسائل "نا نوری" اسلام قبلا سخن گفتیم.  
روشن است که تنها رشد مبارزات طبقاتی  
است که رژیم را وادار میکند از سویی به  
سرکوبی فاشیستی و تکیه بر سرسبز روی  
آوردن از سویی دیگر مقدمات اجراء رژیم  
را فراهم سازد. با رها گشته ایم که از طرفی  
حرکاتی چون بنسج ویا لایحه مربوط  
به اراضی شهری را حتی نمیتوان یک  
فرم بورژوازی تا مید، زیرا نسبت به  
سطور شد مبارزه طبقاتی آنچنان عقب  
افتاده و عقبرند که کوچکترین پاسخی  
به ابتدایی ترین خواسته های زحمتکشان  
درجهای و چوب بورژوازی نیز محسوب نمی  
شود، و از طرف دیگر رژیم به آنچنان بحران  
اقتصادی و ورشکستگی مالی دچار است  
که اصولا قادر نیست فرم را به معنایی  
واقعی (بورژوازی) آن به مرحله اجرا در  
آورد. رژیم آنچنان ورشکسته است که  
دستور توقف بر نامه های "عمرائی" را پی  
در پی ما در می کند و آنچنان زحاکم بر آرزوی  
- آتش به مفر رسیده که هرگونه بازگشودن  
اعتبار از سوی رژیم ممنوع اعلام شده است.  
اما بهر دو دیکتاتورهای خون آلود رژیم  
جمهوری اسلامی نیز خوبی میدانند که  
سرکوب بهیچروی قادر نیست بر مبارزات  
طبقاتی فایق آید و حتما "و همواره به  
چاشنی فرم تنها زند است. سران رژیم  
ب خوبی واقفند که "با سر نیزه هر کاری -  
میتوان کرد جز آنکه برویش نشست" از -  
اینوست که در حد توان خود مذبحها نه  
میگوشند تا با حفظ چهار چوب بحران زده  
و گندیده سرمایه داری وابسته مقدمات  
اجرای رژیم را به جهت تکمیل سرکوب  
مبارزات توده ها فراهم آورند.  
بر این زمینه است که خمینی  
علیرغم مخالفتش با هرگونه دست درازی  
به حدود مالکیت سرمایه داران و زمین -  
داران - که نمونه بارز آن را در متوقف  
ساختن بند مفلوک و رنگ بریده "ج" می  
توان یافت - "قدرت اهریمنی" ولایت  
فقیه" را بصورت مشروط و با تکیه بر موقت  
بودن اعمال انجام شده به مجلس و امسی  
گذا ردتا خود از این گناه کبیره "هسر  
چندیشکل موقت آن، میرا باشد. و در این  
قبال مجلس نیز با ردیگر بر ما هیست  
سرمایه داران نه و فدا نقلایی خود سوگند  
با می کنند و به "رهبر" اطمینان میدهند که  
بهیچروی بر حیطه مقدس مالکیت دست  
درازی نخواهند نمود.  
هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس و  
اما جمعه موقت تهران در خطبه های نماز  
جمعه (۲۲/ مهر ماه ۶۰) چنین مذبحها نه  
بیر ما هیت فدا خلقی این حرکات پای می  
فشرده و میگوید "ا میدواریم مجلس آزمایش

خوبی در جهت رعایت اصول و مقررات  
اسلام بدهد. من همین جا اخطار میکنم که  
ممکن است شیاطینی که دست اندر کارند  
برای ایجاد جونا سالم شیطنت کنند با این  
صورت که بگویند ممکن است افکار رندی  
در مجلس با شد و حدود مالکیت را بشکنند  
و بنویسند و نظر عمرا را بجا بر سرید کنند. و در  
جا معه جونا سالم ایجاد کنند و ما اخطار -  
میکنیم که توجه کنند. اما بعد از یکسال  
و نیم بین مجلس را شناخته اند و این کار  
را با شناخت انجام داده اند و مطمئن  
با شنده که مجلس میرا ترا از اینست که چپ  
گرایی کند و میدواریم که با بحث و بررسی  
که در محیط با مجلس میشود بنویسیم در  
سایه اعتماد دوما عات حدود و شعور اسلام  
هم مشکلات را بر طرف و هم به جا معه اعتماد  
بدهیم که حدود مالکیت ها و فعا لیت های  
اقتصادی، کثا و رزی، صنعتی، مالکیتها و  
حرکت های تولیدی که در ما معه میشود با  
قوانین حساب شده ای که بگذرانیم بتوانیم  
انشا الله راه حرکت جا معه و اشتغال -  
جا معه را چپ کنیم.  
ابتدا بگذارید پیرایه های سخنان  
هاشمی رفسنجانی را بزداییم و ببینیم  
براستی او چه میگوید. هاشمی در تمام  
سخنانش به "ما م" و همچنین با "پر" عطا  
که سفت و سخت به اصول حفظ مالکیت  
سرمایه داران و زمینداران پایبندند  
(و این وجه اشتراک تمامی سردمداران  
رژیم است) اطمینان میدهند که مجلس  
بشکل کامل "اصول و مقررات اسلام" را که  
همانا حفظ و حراست از "حدود مالکیت"  
است به اجرا در خواهد آورد. هاشمی در این  
جا به کلی بگانی ها، مرعشی ها، و سایر  
آبای عظام و همچنین اعضای شورای -  
نگهبان با داری میکند که گول شیاطین  
را نخورند، تصور نکنند که مجلس قصد تعرض  
به حدود مالکیت سرمایه داران را نه موجود را  
درازدن از سویی دیگر نیز به "افکار رندی"  
(البته از نظر هاشمی و دست اندر کاران  
رژیم تند) چون امثال رضا صفهانی ها  
و دیگرانی که اچنانا "تصور کنند با سو -  
استفاده از قدرت ولایت رنگ و رویی به  
فرمها دادند و میدهند که دست از شیطنت  
بردارند و موضوع را دریا بند که معطل تنها  
وتنها فایق آمدن بر مبارزه طبقاتی و  
بحرکت در آوردن چرخهای زنگزده اقتصاد  
وابسته ایران است. هاشمی با تکیه  
فراوان میگوید که "اما م" بعد از یکسال  
و نیم مجلس را شناخته است "و از اینرو -  
کا ملا" مطمئن است که مجلسیان میتوانند  
به "جا معه" (که مسلما منظور جا معسه  
سرمایه داران، تجار بازاری و زمینداران  
است) اطمینان و اعتماد دهند که "حدود  
مالکیت" و فعا لیت های اقتصادی و  
کثا و رزی و صنعتی و... کا ملا" حفظ

خواهد شد.  
غلامه مطلب اینکه هاشمی تمام  
سخنش اینست که سرمایه داران، زمین -  
داران، آسوده یا شیدوهراسی بدل راه -  
ندیدند بنگونه اقدامات نه برای محدود  
کردن قدرت مالکیت و ثروت شما بلکه  
در جهت بگا رنداختن چرخهای سرمایه  
داری وابسته در جهت استخمار و غارت هر  
چه بیشتر توده های زحمتکش و در جهت  
منافع درآمدت ترشماست. و در این  
اطمینان خاطر دادن تا جایی پیش می  
رود که بدرستی میگوید "مجلس میرا تر  
از اینست که چپ گرای کند."  
بله مجلس و مجلسیان بدرستی  
با هیت خود را آشکارا میسازند. هاشمی  
بدرستی میداند که چپ گرایان خواهان  
تغییراتی بنیادی در نظام حاکم بر جامعه  
- اند. او بدرستی میداند که اولین اصل  
در قاعده کمونیست "تعرض به مالکیت  
خصوصی برای باز تولید است."  
هاشمی میداند که در کدامین سوی  
مروار را دارد. مرزی جهانی، مرزی که در  
یکسوی آن سرمایه داران، زمینداران و  
تمامی میان آنان - که عمده ترین  
کوشش در جهت حفظ و حراست از مالکیت  
مقدس بر وسایل تولید است - قرار دارد  
و در سوی دیگر آن پروولتاریا و متحدانش.  
هاشمی بدرستی میداند که در آنسوی مرز  
در کنار سرمایه داران و حافظان مالکیت  
قرار دارد و از اینرو آنچنان او، مجلس و  
رژیم جمهوری اسلامی "میرا بند" که هیچگونه  
شبهه ای در مورد چپ گرایان به آنان نمی  
رود. آنان خود سرکوبگران "چپ گرایان"  
سرکوبگران کمونیستها و سرکوبگران -  
پروولتاریایی اند که خواهان تعرض به  
حیطه مقدس مالکیت است.  
و این آن نکته ای است که  
با بدیهه تمامی توده های وسیع خلق و به  
تمامی طقه گارگران عدبا ره هزار  
با ره توضیح داد. با بدگفت که کمونیستها  
خواهان لغو مالکیت خصوصی برای باز -  
تولیدند، با بدگفت که استخمار و فرود -  
فرد، استخمار سرمایه داران را زکا رگوارت  
و چپاول خلق از سوی امپریالیسم همه و  
همه ریشه در مالکیت خصوصی برای باز تولید  
دارند و تنها و تنها کسانی که "چپ گرای"  
کنند، کسانی که محدود مالکیت را در هم  
شکنند و کسانی که چهار چوب سرمایه داری  
را خرد کنند و خواهند توانست گام در راه -  
ساختن جهانی نو و جهانی فارغ از استعمار  
نهند. جهانی که در آن انسان، دشمن  
انسان نباشد. و با بدیهه آنان گفت که  
هاشمی ها، مجلسیان، خمینی و تمام مابین  
رژیم پوسیده و سرکوبگر آنچنان از این  
خصوصیات میرا بند که کوچکترین شبهه ای  
در مورد چپ گرای آنها نمی رود.

## سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

و ندان نشان داده و به جان هم  
قتلند. در خرم آباد چون دیگر نقاط  
این اختلاف به شکل دیگری نمود پیدا  
کرده و از ویژگیهای خاصی برخوردار است  
در این مکتب حزب عریض و در جبهه  
میگردد: ۱- جناح فاضلی سرمایه دار  
معروف و حزب اللهی های مزدور  
کنار گروهی از سپاه پاسداران، رواج  
عمومی است. ۲- فرمانداری و قسمتی  
دیگر از زگانهای سرکوب ۳- شاخه های  
اما همه خرم آباد، استاندار، فرماندهی  
سپاه پاسداران خرم آباد... این دو  
جناح که بطور کامل گلبنه آنها در رژیم  
را قبضه نموده و تا چندین پیش دست در دست  
هم به هر جناحی دست زده اند (با پوشش  
خط امام و مکتبی) بیروزها داد منته  
اختلافشان آنقدر وسیع گردیده که نماز -  
جمعه روز ۷/۲/۶۰ بیرونی همه دیگر سلاخی  
کشند و حزب الله طرفدار فاضلی که از -

کمکهای مالی دریافت شده

الف	۲۵۵۵	۴- سرباز
۱۲۰۰	۲۸۸۱	۲۰۰۰ کوپین
۲۰۲۶	ن	آزم ۱۰۰۰
۱۱۰۰	۲۵۲۶	آوارگان -
۱۱۲۵	۲۵۲۲	۲۰۰۰ کوپین
۱۱۱۱	ه	آذر ۱۵۰۰
۱۵۲۲۲	۳۳۲۰	انوشیروان -
آ	۲۰۲۱	۲۰۰۰
۳۱۲۱	۱۰۰۶۶	انوشیروان -
۵۰۰۰	۳۳۲۲	۱۵۰۰
ب	امانت شمارید	۱۵۰۰
۵۲۸۵	رفیق کابون	۱۵۰۰
۱۰۱۳۱	کوبین بدون کد	۱۵۰۰
پ	۳۲۷	اشرف ۵۰۰
۱۳۲۹	۲۵۲۲ کوپین و	محبوبه دانش
۱۰۰۲۰۰	بلیط	۵۰۰۰
۱۳۲۲	۴- ۲۰۰۰ کوپین	کاوه ۹۰۰۰
۵۱۰۰	۴- ۱۰۰ (۱۰ عدد)	شکوفه ۵۰۰۰
ج	۲۱۰۰	۲۱۰- کوپین
ح	۵۵۲۲	رفیق کارگر
د	۱۰۳۲۵	بدون کد
۵۱۳۱	۱۰۸۰۰۰	شهر صنعتی سازه
ز	۲۱۱۱	۹۰۰
س	۳۰۷۲۲	۲۵۰
ش	۱۵۵۵	۱۳۰۰۰
ط	۵۱۰۰	امانت رسید
ی	۵۰۰۰	۴- ۷۱۶ کوپین
۲۰۱۲	۲۰۱۲۳	م ۲۱۶ بلیط
۲۳۳۰	۱۵۵۵	رفیق جنگزده
ع	۱۱۳۲	آذر فولی کوپین
۵۵۰۰	۵۱۰۰	رفقای گیلان
۱۷۱۰	۵۰۰۰	رفقای غازیان
۲۱۲۲	۲۰۰۰	م- د ۶۰۰۰
ف	۲۰۰۰	رفیق جهان
۵۱۱۱	۱۶۱۱۵	جهان ۱۰۰۰
۳۱۲۲	۵۵۰۰	جهان ۱۲۰۰
۱۰۳۲۲	۲۳۳۰	رفیق معلم ز
۷۱۳۰	۲۰۰۰	انزلی ۳۰۰۰
۳۳۰	۱۱۳۲	هواداران انزلی
۱۱۱۲	۵۵۰۰	۲۷۰۰
۵۰۲۲	۱۷۱۰	الف ۱۵۲۸
۱۰۰۲	۲۱۲۲	ق ۱۵۵۵
۱۰۳۲۲	۲۰۰۰	سعد ۱۳۲۸
۷۱۳۰	۵۱۱۱	رفقای مومنین
۳۳۰	۳۱۲۲	۱۷۵۰۰
۱۱۱۲	۲۰۰۰	ط ۲۵۵۵
۵۰۲۲	۵۱۱۱	رفقای شیراز
۱۰۰۲	۳۱۲۲	ل ۲۵۶۷
۱۰۳۲۲	۱۰۳۲۲	سما ۲۰۰۰
۷۱۳۰	۱۰۳۲۲	رفقای تبریز
۳۳۰	۷۱۳۰	س ۱۱۰۲
۱۱۱۲	۳۳۰	د ۲۰۰۰
۵۰۲۲	۳۳۰	م ۲۷۱۱
۱۰۰۲	۱۱۱۲	ع ۱۱۰۲
۱۰۳۲۲	۵۰۲۲	پیشگام الف
۷۱۳۰	۱۰۰۲	۲۰۱۱۱

سازمان ندهی منظم تری برخوردار بوده و  
قدرت بیشتری در میان ارگانها دارند  
خواهان خلق بدشاخری از امانت جمعه  
و برکناری او از این مقام هستند. در  
این درگیری که نماز هم برکنار نگردد  
سپاهیان پاسدار، فالانها و طرفدار -  
فانها را از محوطه نماز محظوظ میسازند  
مکتبها، البته تا گفته نشده که داد منته  
این درگیری بطور کلی به سراشهر  
نشان داده است، موردی که بر اساس  
مکتب و روشی این مزدوران پی برده و  
عملیات آنها فتنه اند که بر روششان بدست  
چراغ افشای افتاده است و در این میان  
بروشی، در میان بنده مزدوران رژیم  
جمهوری اسلامی، در خدمت منافع آنها  
و بر آوردن خواسته های آنها، بهنگامه  
دشمنانی هستند که با ما یک مکتبی بوده  
- های زحمتکش را فریفته و آنها را به  
شدیدترین وجهی اشتغال مینمایند.  
ولی آنچه مسلم است قدرت برکنار  
توده ها همچون رژیم مزدور گذشته طومار  
این ظالمان را در هم خواهد نوردید و آنها  
را به زباله دان تاریخ خواهد فرستاد.

مراغه

مراغه آموزش و پرورش شهر مراغه  
نیزها تندسایر شهرها و درزا بطه بسا  
سیاست سرکوب و اغتشاق رژیم ارتجاع و  
توسیع از آگاهی دانش آموزان حدود ۲۰۰  
نفر از دانش آموزان انقلابی را اخراج  
و از ثبت نام آنها در مدارس جلوگیری  
گنبد می کنند و به همه دانش آموزانی که  
در مدارس گذشته فعالیت سیاسی داشتند  
گفته شده است که با بستن از سپاه پاسداران  
معرفی نامه بگیرد که سپاه هنوز عده ای را  
که جهت گرفتن معرفی نامه مراجه کرده  
بودند دستگیر نمود و سایرین نیز از -  
گرفتن معرفی نامه صرف نظر کرده و هم  
چنین مدارس دانش آموزانی را که  
جهت ثبت نام در مدارس دیگر از مدرسه  
قبلی خود گواهی نامه گرفته اند در  
گواهی نامه آنها جمله در سال گذشته  
فعالیت سیاسی داشته قید کرده است.

مقاومت در بخش های مختلف و برقراری  
ارتباط منظم و دائمی با هسته های  
مقاومت در بخش های گوناگون میتواند  
هم آهنگی لازم را بوجود آورده و حرکت  
را از انسجام و یکپارچگی و وحدت بیشتر  
برخوردار سازد.

**کارخانه سوم سازی  
دن باکستر**

روزی چهارشنبه ۷/۱۵/۶۰ کارگران قسمت  
فیلینگ کارخانه سوم سازی (حدود سی نفر)  
دن باکستر به خاطر اعتراض به شرایط  
سخت کاریشان مدت ۱/۵ ساعت دست از  
کار می کشند. این اعتصاب بعد از  
اعتراضات پراکنده آنها در هفته های  
پیش و ترتیب اثر دادن مسئولین انجام  
گرفت. کارگران این قسمت بعد از مدتی  
مغور تصمصم میگیرند که دیگر منتظر عده و  
وعید نشوند و دست به این اقدام انقلابی  
بزنند. آنها خواهان بهبود شرایط کار  
و گرفتن حق سختی کار هستند.

**پورسی جنبش کارگری**

بقیه (صفحه ۳)

با جریان سازشکاری که علیه هم  
فشارهای متعدد بر کارگران با زهم میل  
به سازش را با فشارهای تبلیغاتی و حتی  
همکاری با عناصر سرکوبگر در میان  
کارگران تقویت میکند، مبارزه نمود  
و به افشای همه جا نهادن بپردازند.  
کسانند که در حرکت اغیر رسا با آن به  
مقابله بپردازند و بدینکاران معرفی کنند.  
- برای حرکات آتی شما را خواهیم آهنگی  
لازمی از شروط موفقیت است. لذا از  
هم اکنون بر آنچه که در چشم انداز آتی  
عده خواهد شد تا نگشت آنها و حول آن -  
مبارزه را پیش ببرند.

از حرکت بی موقع و بدون داشتن حمایت  
توده های اجتناب کرده و روی جلب حمایت  
اکثریت کارکنان حساب کنند (بسیاری  
مطمینان شبیه ها در پالیسیها عده ها  
مبارزه بصورت مبارزه مناجاد از هم  
و با تعداد کمی نسبت به کل کارکنان  
صورت گرفته است)

- در شرایط بعضی امکان پیش برد  
مبارزه ارگانال شکل های علمی به  
مراکتب کمتری ضمیمه ترا قبل است.  
شکل مغفی، سازماندهی هسته های







# اخبار جنبش

## مقابله کارکنان پالایشگاه اصفهان

### با بخشنامه ارتجاعی وزارت نفت

به دنبال تشدید سیاست سرکوب و خفگان حکومت ترور و اعدا که هم اکنون از سوی رژیم فاشیستی جمهوری سلاسی دنبال میشود غرضی وزیر نفت این سر دسته چاق داران و سازماندهای سبک سبک و وظیفه اجرای سیاستهای ضد خلقی رژیم را در صنعت نفت به عهده گرفته است اخیراً "بخشنا"های از سوی این وزارت - خانه و بنام غرضی صادر شده است که بر طبق آن تعطیلی پنجشنبه و ده درمدرسه کارگاههای کارگران قطع میگردد. حقوق و مزایای کارکنان در زمان رژیم شاه و با اعتصاب، تبعید و زندان بدست آورده اند. همچنین زمان کارنوبت کارگران را از شیفت به شیفت تغییر میدهد. نوبت کارکنان نندسا بردستور مقامات همانند گذشته زمان کارنوبت را با کسی تغییرات (در آ نوبت ۱۶۰۸ - ساعتی) اجرا در آورند. روزیکشنبه ۶/۲۹ هفتگامی که کارکنان نوبت کار قصد ورود به پالایشگاه را داشتند با مخالفت شدید بنژند رئیس شکارگر پالایشگاه روبرو میشوند. او که از بی اعتنائی کارگران نسبت به بخشنامه وزارت نفت سخت خشمگین بود خطاب به آنان میگوید: "ما به فرا دی که به وزیر نفت اهمیت نمی دهیم احتیاجی نداریم". کارکنان با شعار مرگ بر نژاد آمریکا به مقابله با این مزدور رژیم می پردازند. در همین موقع کارکنان روزگار نیز که در حال خروج از پالایشگاه بودند پس از اینکه با این صحنه روبرو میشوند به پشتیبانی از همکاران خود بر می خیزند و شعارهای - روزگار - نوبت کار، بیوندان مبارک، مرگ بر نژاد آمریکا، مرگ بر آمریکا، فضا را پر می سازد. در این روزگار کارکنان نوبت کار موفق میشوند بنژند را به خاکمالیده و بدون پالایشگاه ببروند. رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی که همواره از اوچتندی و گسترش حرکت کارگران - نفت در و حثت بر می برد بنا به ما هیبت ضد خلقی خود بطرز وحشیانه ای به مقابله با این حرکت بر می خیزد و در روز بعد با دهها زندان، رم و با سدا ربه پالایشگاه اصفهان هجوم می برند. رژیم با تکیه بر عصبانیت و بزور اسلحه در فرمهای بعمومی که نام و آدرس افراد در آن قید شده بسراغ تک تک کارکنان رفتند و با گرفتن امضاء از کارکنان می خواهند که طبق بخشنامه وزارت نفت بکار خود ادامه دهند. با سدا ران سرمایه دارین روزگار استن از کارکنان را نیز دستگیر نموده و با خود می برند. (ضمناً استن از افرادی که در این کارگاه از اعمال خشونت و قهر بر علیه همکاران خود امتناع ورزیده بودند به علت شلیک در می آوردند) بدین طریق رژیم با تکیه بر سرکوب و زندان در مقابل خواستهای برجسته کارگران

قرار میگیرند و مانع از گسترش و رشد آن میگردد. بدون شک پاره ای ضعفها در این موفقیت رژیم - اگرچه موقتی است - بی تا شمر نبوده است که کارگران مبارز باید عمیقاً "به آن توجه نموده و درصدد رفع آنها برآیند تا در آینده بتوانند مبارزات خود را به نحو مطلوبتری به پیش ببرند. این موارد بطور خلاصه بدین شرح است:

۱- عدم وجود شورای واقعی و اصولاً هر گونه تشکلی در پالایشگاه اصفهان که کارگران بتوانند تحت رهبری آن - مبارزات خود را به پیش ببرند.

۲- عدم ارتباط و هماهنگی بین کارکنان نوبت کار (شیفت) و روزگار و رجول خواسته های مشترک.

۳- نداشتن ارتباط کافی با سایر پالایشگاههای ایران.

بدون شک اعتراض و مقاومت کارکنان پالایشگاه اصفهان و حرکتهای مشابهی که در سایر پالایشگاهها در هفته های اخیر صورت گرفته است بی تا نگر این نکته است که سیاست تشدید سرکوب و خفگان و افزایش موج ترور و اعدا مهابت برخلاف پیش بینی های رژیم نتوانسته متعجبانه تشبیه رژیم جمهوری اسلامی و رکود قطعی جنبش اعتراضی توده ها گردد. دیر نیست روزی که رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی بدست پر توان و دور از زکا رگران و زحمتگشان میهن - مان به گورستان تاریخ فرستاده شود.

## تهران

دوشنبه ۶/۲۹/۶۰ خیرتیر با یکی از دانش آموزان دبیرستان پیشاهنگ در مدرسه می پیچد. در زنگ تفریح بین خبر به دوست صمیمی دانش آموز شهید میر سداو متشنج شده مذاقما "بیخ میزند. اکثر دانش آموزان کلاس نمیتوانند خود را کنترل کنند و با شعارهای "اتحاد، مبارزه، پیروزی" و "رفیق شهید راهت ادامه دار است" خشم خود را بروز میدهند. یک حزب الهی به مدیر دبیرستان خبر میدهند اما مدیر تنها به پدر و مادر دانش آموزانی که حرکت را رهبری میکردند تلفظ زده میگوید - چه - های شما مدرسه را به آشوب کشیده اند" خانواده ها نیز عکس العملی نشان نمی دهند. دانش آموزان قرار میگذارند فردا همگی روستری مشکی سر کنند و تخمن نمایند روز بعد متوجه میشوند انقلابی شهید خواهر همکلاسی آنها میا شادا ما علی رغم بیسن مساله همگی با روستری مشکی در مدرسه حاضر میشوند.

مدیر دبیرستان بعلت اینکه اسامی دانش آموزان شرکت کننده در تظاهرات را تدا د است اخراج میشود.

در یکی از دبیرستانهای تیرپسز دانش آموزان یک کلاس متوجه میشوند که اخباری که در کلاس رد و بدل میشود به گوش مدیر حزب الهی مدرسه میرسد. پس از تحقیق به دانش آموزی که در باره مدرسه سال قبل خود با سخنان ضد خلقی میدهد مشکوک میشوند. چند روز را زیر نظر میگیرند و متوجه رفت و آمدهای بی بدین دفتر

مدرسه میگردند. دانش آموزان بر طبق قرار قبلی زود به کلاس میروند و تمام صندلیها را اشغال میکنند بطوریکه - جا سوس مجبور میشود در صندلی جلوسنشیند که به هیچوجه بر کلاس تسلط ندارد هر زمان هم که برای کنترل دانش آموزان بر سر میگردند تمام کلاس به چشمان او زل می زنند. در عین حال در زنگهای تفریح هر کجا که جا سوس می ایستد فوراً اطرافش را خالی میکنند. یکی از دانش آموزان پشت سر معلم مور تربیتی شکلک در میس آورد و جا سوس مزبور این عمل را به مدیر مدرسه گزارش میدهد از فردای آنروز در زنگ تفریح و موقع تعطیل مدرسه همه دانش آموزان در هر کجا که جا سوس را می بینند به چشمانش زل میزنند. پس از چند روز جا سوس به تنگ می آید و تقاضای تعویض کلاس خود را می نماید.

## پرولتاریا و آزادیهای دمکراتیک

صفحه ۱۲ از صفحه ۱۲

بوسی انحصارات رفت با آنان سازش - کرد و آنگاه که در حکومت قرار گرفت علی رغم تمامی وعده های "آزادخواهان" به کشتار و سرکوب و وحشیانه توده ها پرداخت. لازم نیست یادآوری کنیم که چگونه با زرگان "لیبرال" سرکوب توده ها، با بمال آزادی - ها، نابودی شوراهای و کشتار خلقها را پیشه خود ساخت و در حکومت خود به هیچ یک از وعده های "آزادخواهان" و "لیبرالیست" خود عمل نکرد. لازم نیست بگوئیم که بنی مدر "لیبرال" چگونه پیشگام کشتار خلق گرد و سرکوب دانشگاه و به خون کشیدن خلق ترکمن و... گشت و چگونه تمامی نیروی خود را با سرای تا بودی شوراها بکار گرفت اما پس از معزول شدن شوراها را با رادیکر به دروغ علم کرد. تجارب عملی توده ها خود بهترین رسوا کننده آزادیخواهی دوفین لیبرالهاست. میتوان گفت "لیبرالها" آنگاه که در قدرتند با تمامی توان جهت حفظ سیستم سرمایه داری وابسته به سرکوب توده ها میپردازند و در این راه تمامی آزادیهای دمکراتیک را با بمال میکنند. اما آنگاه که رقیب بر آنان - فاشق میشود جهت کشاندن توده ها به مسلخ میریایسیم (به شیوه خاص لیبرالها) پرچم آزادیخواهی علم میکنند و در این شیوه خود به آن دزدی شمشیر که خود در جلوی مید و پدوفریا د "آی دزد" بر می آید.

رفقا! مجموعه مقالات "آزادیهای دمکراتیک و پرولتاریا" در اینجا پایان میگردد. این مقالات آموزشی به روشن نمودن نقش آزادیهای دمکراتیک جهت پیشبرد مبارزات توده ها و رسیدن به سوسیالیسم و همچنین شیوه های مبارزه در این راه احتما می داشت. این مقالات میتواند جنبگی آموزشی در هسته ها و حوزه ها به مطالعه و بحث نهاده شود. در این راه میتوان از کتاها و مقالاتی که در متن به آنان استناد شده جهت بسط و گسترش مطلب یاری جست.

# اخبار جنبش

## ا-بهر

جندی پیش حجت اسلام حبیب الله مهدوی رئیس حزب جمهوری اسلامی ابهر که بتازگی مسئول نماز جماعت کارخانه مینوشده است برای مصاحبه ومذاکره به تروان سالن تولید و تعمیر میروود از کارگری سوال میکند که: «ندیدم سوال مذهبی و سیاسی دارم که با بدپا سخیدهی کارگری با شما اعت هر چه شما مشر جواب می دهید که وقت ندا رم در روز ۸ ساعت وقت داده شتم که به سرما به داران (اشا ره به رئیس کارخانه) فروخته مهدوی با ردیگر سوال میکند که در مورد بینی مدرخان چه می دانی، کارگر میگوید هیچی شما گفتید با زرگان نخست وزیر ایران، ما هم گفتیم و با شما گفتید بینی مدرمدرد ما هم گفتیم وقتی اینها موافق شما نندند و با هم سر مقام دعوا کردند بدون رای ما آنها را از مقام خلع بگردید، ما کارگر - ها هیچگاه نظرمان را ننوا نستیم بگوئیم چون وقتی میخواستیم بگوئیم بلافاصله اخراجمان میکنند و با مارک فدا نقلاب میزنند، رشادت کارگر مورد تشویق وتحسین کارگران واقع شد.

## ا-بهر

در تاریخ ۱۵/۷/۶۰ عیرا شریزش باران که در پی آن سیل تمامی روستا های اطراف ابهر گرفت خسارات مالی فراوانی ببار آورده بطوریکه در نورین ۱۱ خانه بکلی ویران گشته وتعداد زیادی گوسفند به هلاکت رسیده اند. در فچه آباد قروه - فتوش آباد - امیرآباد - پیر زاغه - بخشی از خرمدره - شریف آباد و چند روستای دیگر باران به تگرگ ریز و درشت تبدیل شده ومحمول انگور را که بصورت تیزاب به زمین پهن کرده بودند تا نودسا گشته است اغلب روستا ثانی به زمین وزمان فحش میدهند و ناله میکنند بعضا "ازیدی قضا و قدر شکوه میکنند و برخی نیز تمامی نگرانیهای ناشی از سیل را از بدشگونی خمینی میدانند و میگویند در این سه سال بیشتر بلاها و آفتها را دیده ایم - زلزله - سیل - تگرگ و بدتر از همه جنگ که دیگر تمام هم نمی شود دیگر کم ما را هم کرده است. کتا و رزانی که جهت راه اندازی کشاورزی از بانک وام گرفته اند بیشتر از همه نارا حنند و انتم میگویند حالا بطور بدی با پرداخت کنیم. کتا و رزی که به چه بهما رش را برای مدا و بهای بهر آورده بود میگویند هیچ چیز ندا رم تمام هستی ما با غی بود که انهم به غضب اللهی گرفتار آمد. یک جوان روستائی که تا زه گیهما به شهر آمده میگوید "عضو اینک برای ما دکتر بفرستند و جا ده ما را درست کنند میگویند با بد در روستا ها حزب تشکیل دهد با خرابیها برای ما بپدا شد و دو مدرسه می شود؟ من شا هدویت نیستما ما شما قضا و کت کت در زمان آن تا کار (منظور شاه است) یک سیاه بهدا شد بود و ما مدرد ها ته بهما ران میریسد اینها این را هم ندا رند بهند. پس از -

واقع مداحان رژیم از قبیل تلویزیون و روستاهای کثیرا لا نشا برای مردم فریبی و اینکه چنین وانمود کنند که حامی افراد مستضعف هستند و در آنها را منعکس میکنند در چند روستا از جمله نورین حضور با فتند و شروع به فیلم برداری کردند و در جواب اینکه اینها چه خواهد کرد میگویند خانه های ویران را آباد - موا هم کرد، همانطوریکه در گرمدره آباد کردند! اما مردم زحمتکش گوش به ایسن وعده های سرخرمن ندا دند و بدون توجه دور خیرنگاران را خالی کرد، دند، و کیش خود را از رژیم پاسی اعتنائی خود نشان دادند و هنگامیکه با سداران سرما به سنا انواع اصلاحهای گرم پس از جا دند وارد روستا شدند چندان از روستا ثانی روست آنها کرده و گفتند مگر با بنجا جبهه است که چنین نمایش میدهد.

## ا-بهر روستای جالوق

جندی پیش از طرف سیا به روستای جالوق میروند و در آنجا بتائی تشکیل انجمن اسلامی در امیکدار رنکه سیا مخالفت مردم واقع شده و مردم در مسجد جمع شده میگویند ما که کافر نیستیم همان نماز را اول هم می خواندیم و حالا هم در مسجد می خوانیم لازم نیست دین جدید به ده ما بیا ورید.

## ب-روجرد

هیئت موسس کانون فرهنگیان - بروجرد طی اعلامیه ای از تمام دانش آموزان و معلمان خواسته است که در مقابل سرکوبها، خراجه و... بیکجا رچه به مقابله برخیزند قسمتی از اعلامیه بدین شرح است: همشهریان، همکاران و دانش آموزان آگاه ها و انقلابی!

رژیم اسلامی از ه خردا دودر تمامی زمینه ها مردم حق طلب ما را تحت سیعانه ترین تنها جم خود قرار داده است. هر روز سخن فقط از اعدا م است، هر روز صها تن از فرزندان قهرمان خلق بخواه های اعدا م سپرده میشوند. هر روز خون سرخ - بسیاری از دانش آموزان و معلمانسان انقلابی در کنا ردیگر هموطنان زحمتکش خود سنگرش خیا با آنها رنگین میسازد. این است هدید رژیم به آمرینندگان ۲۲ بهمن وزندان، شکنجه، ترور و اعدا م.....

معلمان و دانش آموزان متعهد و مبارز! شرایط بس حساسی بر جا معه حاکم است و هر یک از ما به سهم خود در چگونگی شکل گیری شرایط جدید (خفقا یا آزادی) نقش بهزائی داریم. این وظیفه ما است به منظور جلوگیری از نابودی کامل دستاوردهای قیام این خون بههای هزاران شهید و معلول و به منظور درهم شکستن محیط اطراب و خفقا و ترور و برقراری آزادیهای دمکراتیک، آگاهان و در برابر تشکل و گردما شی و فعالیت، صدای اعتراض خود را نسبت به ا خراج هم کلاسی و همکاران و با دستگیری اعدا م آنان به گوش جها ثانی برسانیم. این وظیفه همه معلمان و دانش آموزان انقلابی است که از کانونهای دمکراتیک و شوراهای مردمی به دفاع برخاسته و از هر طریق در کسترش آنان و دفاع از آزادیهای سیاسی فرهنگ انقلابی بکوشند.

## بزرگداشت شهدای خلق در بروجرد

اعدامهای قاسیستی رژیم در سراسر ایران از جمله بروجرد خشم و نفرت توده ها را برانگیخت. تقریبا "برای تمامی اعدا دشگان بروجرد در منا زلتن مراسم بزرگداشت برگزار شد و تا آنجا که خا نوانه های شهدا دجا ر خود سا نسوری نشد ه بودند مورد حمایت فعال توده ها قرار گرفتند. بهدرفریق شهید حمید رضا ماهیگی کشته "اگر بر سر مرگ طبیعی مرده بود این همه جمعیت در مراسم و شرکت نمیگرفت در مجلس یادبودی که در خانه معاهد شهید "علیرضا شبرو" برگزار شد. ما در قهرمان او با روحیه ای عالی به توفیح ارمان فرزندش و خصوصیات اخلاقی و ایمان خلل نا پذیرش نسبت به راهائی توده ها پرداخت و به حق رنوید سرنگونی رژیم را در آینده ای نه چندان دور میداند. او میگوید "خوشا لکه شما راه علی را ادا می خواهید دادوتا سرنگونی رژیم زبای نخواهید نشست "نگاه ها فرین به شاعران دین - بزدا خته و بدین وسیله خشم و نفرت خود را اعلام داداشتند. در بزرگداشت رفیق شهید "زوشکای" مادرش لباس سیا ه تنوشیده و از مردم شرکت کننده میخواست که لباس سیا به تن نکنند و میگفت "انقلاب آینه انقلابی سرخ خواهد بود و همگی را دعوت به مبارزه بر علیه رژیم می نمود بزرگداشت معاهد شهید "ما دق" هواداران اکثریت نیز شرکت میکنند و طبق رهنمود رهبران خانشان که گفته اش در مراسم شهدا شرکت کنی و به تطهیر و بزرگ کردن رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی بپردازید، در یکی از اظا قها خطاب به ما دروسا برا قوام - شهید میگویند "نبا بپدا بنها اعدا م شوند زیرا اینها نا آگاهانه به این راه کشیده میشوند" که با عکس العمل انقلابی ما در معاهد شهید و بروجرد می شوند مسادر قهرمان در جواب این خاشنین با خشم میگفت "بسر ما گاه تا این راه را انتخاب کرد و آگاهانه شهید شد" و آنها را از خانه بیرون کرد. ما این ترتیب یکبار دیگر نوکر صفتی هواداران اکثریت به وسیله مردم جا ضر در جلسه افتاء و عملا "طسرد کردیدند. در مراسم یادبود رفیق شهید مرتضی طباطبائی نیز گروه کثیری از مردم شرکت داشتند که افراد مشکوک و جاسوس نیز در بین آنها توانسته بود به مراسم راه یابند. خواهر فدائی شهید از وضعیت زندگی برادرش و اینکه او را به عنوان پدر نیز میداند ستبه کرده گفت "او برای ما هم برادر بود و هم پدر، چرا که ما خیلی وقت پیش پدرمان را از دست دادیم این مراسم با توضیح تبلیغ موافق و آریان رفیق و سازمان ما بان گرفت. در بزرگداشت معاهد شهید صفر مرادی که به علت داشتن خویشان روستائی اکثریت جمعیت با سداران روستا ثانی تشکیل میدادند. با سداران سرما به حمله میکنند که با مقامت مردم بروجرد میشوند. شعار "مرگ بر پادشاه، مرگ بر خمینی جلا" فضای حیاط و کوچه را پر میکند و با سداران از ترس خشم مردم - مجبور به فرار میشوند.

## اخبار جنبش

### چگونگی اشغال بوکان بدست جلادان رژیم جمهوری اسلامی

پورش رژیم روز دوشنبه ۶۰/۷/۷ -  
آغاز شد. از صبح روز دوشنبه ستونهای  
ارتش از طرف میاندوآب و سقز بسوی  
شهر قهرمان بوکان، شهری که بیش از ۳۰  
ماه در برابر یورشهای فاشیستی رژیم  
خونخوار جمهوری اسلامی قهرمانانه  
مقاومت کرده بود، حرکت درآوردند.  
فانتومیهای نیروی هوایی و هلیکوپتر  
های هوا نیروی بمبها و راکت‌های خود  
را به روستاهای اطراف بوکان که گاه لای  
از سنگ بود فرو ریختند. ستونهای پاسدار  
و ارتش در پناه شلیک توپخانه و  
هلیکوپترها و فانتومیها حدود ۱۰ کیلومتر  
پیشروی کردند و در سر راه خود کلیه باغات  
و قلمزارها را با تیش کشیدند که تنها با  
هجوم منقول قابل مقایسه بود. از حدود ۱۰  
صبح مدای زبرآ میولانسه‌ای حامل اجساد  
و زخمیان مزدور فحاشی شهر میاندوآب را  
په‌په کرد که خبر از مقاومت دل‌آورا نشد.  
پیشمرگان قهرمان میداد. روز سه‌شنبه  
هلیکوپترها روستای "سار قمیش" را بمباران  
و با خاک یکسان کردند گویی تنها رسالت  
آنان تخریب خانه‌های مردم زحمتکش بود  
بود اما بهرحال روز سه‌شنبه تلاشهای  
مذبوحانه رژیم بی شرمانه بدنیسان  
جنایات رژیم یعنی بر بمباران و کشتار  
مردمی دفاع، روز جمعه ۱۰ مهر پیشمرگان  
قهرمان فدائی، دمکرات و کومله برای  
جلوگیری از خونریزی مردم زحمتکش کرد  
تصمیم به ترک شهر گرفته و بسوز -  
شنبه ۶۰/۷/۱۱ افراد مسلح رژیم با وجود  
تخلیه شهر، ترسان و لرزان در اطراف  
شهر قهرمان بوکان موضع گرفتند و سپس  
وارد شهر شدند و شروع به دستگیری مردم  
کردند. در این جریان حدود ۸۰ تن از  
مزدوران رژیم کشته و دهها تن زخمی شد  
که به بیما رستان میاندوآب، مراغه  
منتقل شدند و تعدادی از زخمیان نیز  
با هلیکوپتر به بیما رستانهای تبریز  
انتقال یافتند. اما از نیروهای انقلاب  
دو تن از افراد کردی دفاع روستاهای  
بوکان کشته شدند. روز یکشنبه ۶۰/۷/۱۲  
پیشمرگان قهرمان کردند در چند کیلومتری  
میاندوآب با پاسدارانی که جهت بسته  
اطلاحها کثرتی روستاها رفته بودند  
مواجه شدند و عین از این مزدوران را به  
هلاکت رساندند.

### مردم قهرمان لرستان!

سحرگاهان ۲۸ و ۲۷ شهریور ۶۰ -  
شبهه‌های مرسوم صحنه‌های دیگری از -  
جنایات رژیم جمهوری اسلامی در شهرهای  
خرم‌آباد، بیروجرد، نهاوند، دورود و ...  
تکرار گردید و جنبه پرشور انقلابیون  
منارزی چون محی‌الدین عباسی، ایرج  
سوری، باقر حاج علی محمدی، محمود عگری  
علی قاضی (مجاهد) هدف رگبار مسلسل  
دژخیمان قرار گرفت.  
چرمنان چه بود؟  
دفاع از منافع زحمتکشان، مبارزه  
علیه امپریالیسم جهانی، بسزکردگی  
امپریالیسم آمریکا و بنگاه‌های غلیظ،

آنها برای بوجود آوردن جامعه‌ای تازه  
میگردند که با کمیت کارگران و دهقانان  
وزحمتکشان شهر از طریق شورا‌های  
انقلابی اعمال گردد.  
بر مردم قهرمان ایران است که با  
کسرتش هر چه بیشتر اعتراضات خود علیه  
سفاکیها و بیبندگیهای رژیم روستایی  
زوال و با حمایت فعال از زندانیان  
در بند و افشای هر چه بیشتر این جنایتها  
در هر کوی و برزن مشت محکمی بر دهان  
دژخیمان بکوبند و تلاش حکومتگران -  
جلادان را برای ادا سلسله ننگین خود بونه  
شکست کشا نیند انقلاب در نطفه غنچه  
سازند. تا رنجگوار برای این مدعا ست که  
همه رژیم ضد مردمی تاب مقاومت در -  
برای بر موج فروشان خلق، آنگاه که به -  
خیزند و بگردد، بخروشند و انقلاب را در -  
و بسه  
یقین در بر نیست که حکومت جلادان با  
مقاومت یکپارچه شما مردم قهرمان ایران  
سرتگون گردد و درهای زندانها گشوده  
شود و پرچم خونین انقلاب پیروز بر سر  
بام و خانه‌های باهتزاز درآید.  
مرگ بر حزب جمهوری اسلامی، زنده باد  
شوراهای انقلابی، پیش بسوی مجلس  
موسسان  
هوادران سازمان چریکهای فدائی  
خلق ایران - خرم‌آباد. ۷ مهر ماه ۶۰

### راهپیمائی مردم درود برای تجلیل از شهدای فدائی و مجاهد

روز سه‌شنبه ۶۰/۷/۷ عجات ۳/۵ -  
بعد از ظهر جمعیتی بیش از ۱۰۰۰ نفر،  
خانواده‌های شهدا، خانواده‌های  
زندانیان سیاسی و جمع کثیری از مردم  
برای تجلیل از ۱۴ شهید فدائی خلق و  
مجاهد خلق که بدست جلادان رژیم روستایی  
مرگ جمهوری اسلامی به‌جوخه عدا مسپرده  
شدند در یک راهپیمائی اعتراضی در  
خیابانهای شهر بطرف مزار شهدا حرکت  
میکنند، در پیشاپیش جمعیت دسته‌های  
بزرگ گل سرخ که نشان آرم سرخ  
شهدان است حمل می‌شود و راه‌سرخ  
که عکس فدائیان و مجاهدین شهید روی  
آن نصب شده بود دیده میشد که بنوبست  
آنها را لای دست میگردانند. بعد از گذشتن  
از خیابانهای شهردر حالی که پاسداران  
حزب الهیها و جاسوسان همه جا را کنترل  
میکردند، مردم به قهرمانان رسیدند.  
بزرگ مزار شهدا جمعیتی حدود -  
۱۵۰۰ نفر گرد آمده بودند. آنان با دادن  
شعارهایی در دفاع از آرم سرخ شهدان  
با دشمن را گرامی داشتند. بعد از بسز  
گزارای مراسم در قهرمانان مردم متحصب  
یکپارچه در صفهای منظم بطرف شهرا -  
پیمائی کردند.  
راهپیمائی فرق، مشت محکمی  
بود که بردهان رژیم جمهوری اسلامی و -  
جاسوسان آنها کوبیده شد. مردم بدون  
ترین از جمله پاسداران سرما به با عزمی  
را سخ و پولادین نشان دادند که با اتحاد  
و تشکل میتوانند پیروز رژیم جنایتکار  
جمهوری اسلامی را به خاک بمالند.  
همچنین، روز پنجشنبه ۶۰/۷/۹ -  
مجدداً این حرکت در ابعادی وسیعتر  
و گنجهتیی برتر انجام شد. جمعیتی در -  
حدود هزار و پانصد نفر از مردم زحمتکش  
و محروم دورود در حالی که خانواده‌های  
اعدا دشمنان در پیشاپیش آنان حرکت  
میکردند بسوی گورستان شهر راهپیمائی



نمودند. تعداد اجتماع کنندگان در -  
گورستان شهر به ۵۰۰ نفر رسید که همگی  
با خشم انقلابی خویش نفرت خودشان را  
از دژخیمان جمهوری اسلامی و حمایت  
بیدریخ خود را از خانواده‌های شهدا بزاز  
میداشتند. پاسداران مزدور جمهوری  
اسلامی که تاب این همبستگی و حمایت  
توده‌ای را نداشتند به منظور برهم زدن  
مراسم به‌خانه‌ها شهدا حمله کردند و در  
عدد برآمدند عکسهای شهدا را از دست  
آنان گرفتند و جمعیت را متفرق نما یند  
که با فریاد و شعارهای خشمگینانه مردم  
که فریاد میزدند "مرگ بر پاسدار" مواجه  
شده و فرار را برقرار تر جبهه‌ها دند. سپس  
از پان مراسم تجلیل از شهدای فدائی  
و مجاهد خلق، مردم را همپیمائی وارد  
شهر شده و پس از طی چند خیابان متفرق  
شدند.

### خرم‌آباد

مزدوران رژیم برای شکست  
انقلابیون و جلوگیری از سازمان مدای  
را ستیبه‌ای نه‌توده‌های زحمتکش به  
هر جناحی دست میزدند. به همین منظور  
فالانژها برای جلوگیری از نوشتن شعار  
و پخش اعلامیه توسط نیروهای انقلابی  
در بالای درخت سنگر گرفته و در انتظار شکار  
انقلابیون می‌نشینند. در تنگهای نه‌های  
خیابانهای شیب از دختران فالانژها پاسدار  
نیز استقا ده میکنند. مریم عبدالی معترف  
به تارنک و توبولوف به همراه دو تن از  
دختران فالانژها زفعا لتیرین این  
مزدوران خود فروخته هستند.  
پاسداران رژیم ضد انقلابی  
جمهوری اسلامی که بیشتر ما نه‌توده‌ها و  
انقلابیون را سرکوب میکنند در تارنک  
۶/۶/۶۰ عجات ۱۰/۱۰/۶۰ اطراف بسزه -  
میدان (مرکز شهر) پورش برده و قلمت خرب  
آنها را داشتند در اینحال یکی از زکده -  
داران در حالی که در درگاه خود نشسته بود  
گفت مرا هم با دکاه ام زمین ببرید که  
مزدوران با دیدن این صحنه مجبور به  
عقب نشینی شدند.

### خرم‌آباد

مزدوران رژیم ضد خلقی جمهوری  
اسلامی برای کسب قدرت و سهم بیشتر  
چون شکان را به جان یکدیگر افتادند:  
رژیم جناحی جمهوری اسلامی بیبوهه  
برای جلوگیری از سقوط حتمی خود به  
هر جناحی دست زده و به اشکال مختلف  
شیوه‌های سرکوب و سازماندهی جیره -  
خواران خود دست می‌بازد. اما از آنجا  
که این همه جناحیت از طرف توده‌های بسی  
جواب نمایند و توده‌های زحمتکش به  
اشکال مختلف، مخالفت و دشمنی خود را  
نسبت به رژیم اعلام نموده و مبارزه خود را  
تا سرنگونی حاکمیت جمهوری اسلامی ادامه  
میدهند، رژیم در اوج دراماندگی از حیل  
بحران و سرکوب توده‌ها و نیروهای  
انقلابی در درون دجا را اختلال و همچنین  
اختلاف سلیقه بر سر شکل سرکوب و کسب  
سهم بیشتر از این‌خوان بیخفا، گردیده -  
است. و اینهمه درست در زمانی صورت  
میکرد که سردمداران هرکدام به نوبه  
خود سعی مینمایند مسئول این همه  
بسا ما می‌تواند و جناحیت را نیروهای انقلابی  
قلمداد نماید.  
دشمن در سرا سر ما دچار  
شکاف گردیده و مزدوران رژیم در مقابل  
بقیه در صفحه ۱۶

# "پاکسازی کردستان" یا قتل عام خلق کرد؟

رژیم جمهوری اسلامی بیش از ۲/۵ سال است که کردستان را با بمب و راکت میکوبد. بیش از ۲/۵ سال است که مداوماً "پیروز" میشود "اشرار" را میکشد، حاکمیتش را "مستقر" میکند و "عدا بنقلاب زان را رومار" مینماید. و بیش از ۲/۵ سال است که خلق کرد از تمام این عملیات متهورانته استقبال میکنند و با بگوسپی به انتقالبشان میروند و با "فریادهای دشمن شکن الله و اکبر" شکست عدا بنقلاب و پیروزی رژیم را جشن میگیرند. اما پس از تمام این مدت هنوز نیز رژیم نتوانسته است در کردستان مستقر شود!

بقیه در صفحه ۵۱

## پتک است خون من در دست کارگر پتک است خون من در دست پرورگر



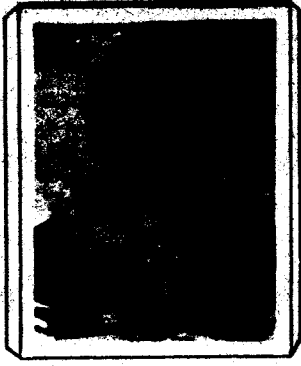
### شهدای آبانماه

- ★ جمعه ۳ آبانماه ۵۳ رفیق شهید فدائی خلق محمد رضا چمنی
- ★ سهشنبه ۲۰ آبانماه ۵۴ رفیق شهید فدائی خلق رحیم خدادادی
- ★ سهشنبه ۶ آبانماه ۵۵ رفیق شهید فدائی خلق علی دبیری

از قیام به ما زماندهی مردم غار جوی مسئله مسکن اقدام کرد. او بعنوان پتک چهره شناخته شده در منطقه جنوب تهران بخصوص در کودها و میدان غار مورد علاقه زحمتگشا بود و در انتهابات شورای معلی یکی از افرادی بود که بیشترین رای را آورد. همه مردم میدان غار شوش و کودها صحبت از رفیق را هنگامی که از آرمانهای کارگران و زحمتگشا سخن میگفت به یاد آورند. عملت های انقلابی رفیق از او یک عنصر مورد علاقه زحمتگشا ساخته بود.

سرا انجام در اواسط تیرماه هنگا میکه صبحگاه رفیق با زم محل کارش بود توسط مزدوران کمیته هنرندی دستگیر شد. همه نشب دزخیمان به محل زندگنی رفیق و خانوادهاش در کودریخته و سایر افراد خانوادهاش را نیز دستگیر کردند و سایر بیل نا چیز خانه محقرشان را غارت نمودند و تنها مادر رفیق توانست از دست مزدوران بگریزد.

سرا انجام در تاریخ ۲۶/۶/۶۰ در حالی که تمام افراد خانوادها و دریا زدا دستگاه رژیم ضد انقلابی خمینی بودند قلبتپنده رفیق به همراه سایر رفیقا پیش قاسم و اصفروسا بر انقلابیون اما گلگوله های امریکائی و اسرائیلی رژیم فرا گرفت و به خیل شهدای خلق پیوست. یادش گرامی باد.



### رفیق شهید فدائی خلق

عزیز محمد رحیمی

فدائی خلق رفیق عزیز محمد رحیمی در سال ۱۳۳۰ در یک خانواده زحمتکش متولد شد. بعد از تحمل رنج فراوان و گرفتن دیپلم به سرپازی رفت در این دوران بود که با مواضع با زمان آشنا شد و از آن پس همواره به تبلیغ آن میپرداخت. رفیق در قیام شکوه منسند بهمن به همراه مردم محله اش کودهای جنوب تهران نقش فعالی داشت و بعد

## خبرهای از نیروی هوایی

در نیروی هوایی در سه وجه پاکسازی مجددی صورت گرفته است. در مرحله اول ۳۷۵ نفر درجه داران زکروها در دوم دوساله با سه ساله ۲۴۰ نفر همافرا همافرسوم تا سه ماه فر ۷۵ نفر نیز افسران استوانسوم تا سه ماه (که البته تنها یک یا دو نفر سرهنگ بودند) پاکسازی شدند. صبح وقتی که پرسنل به پایگاه ها می آمدند توسط دژبان کارت شناسائی پاکسازی شده ها گرفته میشد و مانع ورود آنها می گشتند. این افراد جلوی پایگاه جمع شده ضارها نمی میدادند که مضمون آن عمدتاً "اتلاف عمر آنها در ارتش و احتیاج به نان و مسکن بود افراد پاکسازی شده میگفتند "من در این ارتش ۱۵ سال عمرم به هدر رفته، زن و بچه ام نان می خواهند، تقمیر ما چیست، ما چرا پاکسازی شده ایم" این هم از شمرات انقلاب این رژیم "صدای این افراد تمام پاکسازی را فریاد گرفته بود و بعد از چند لحظه فرمانده پاکسازی یکم ترابری به جلوا شد و برای افراد صحبت کرد. ولی پاکسازی شده ها به حرفهای او توجهی نکردند. و با فریاد می گفتند "تودروغ میگوئی، از اول هم همین حرفها را شما و دیگر فرماندهان بقیه در صفحه ۶

## ویژه نامه ۱۳ مهر روز شهادت فدائی کبیر رفیق اسکندر (سیامک اسدیان) منتشر شد

### توضیح و بپوش

در مورد سرمقاله کار شماره ۱۳۱ رفقا! از آنجا که سرمقاله در آخرین ساعات برای چاپ آماده شد و فرصت کافی برای تصحیح غلط چاپی نبود متأسفانه چند کلمه اشتباه چاپ شده که با بپوش تصحیح میگردد:

- ۱- ص ۲ ستون ۱ سطر ۵ حرف اضافه "از" اضافی است.
- ۲- ص ۲ ستون ۲ سطر ۶ همگامی چاپ شده که منظور همگامی است.
- ۳- ص ۲ ستون ۲ سطر ۵ الف اضافه است.
- ۴- ص ۲ ستون ۳ سطر ۱۳ خدمت با سپید جهت چاپ میشد.
- ۵- ص ۲ ستون ۳ شماره ۴ بسیج باید تسلیم چاپ میشد.

## فاجعه سیندرکس آبادان دو باره تکرار شد

در صفحه ۱

# زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اختناق نابود باید گردد



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

# فدائی کبیر رفیق اسکندر (سیامک اسدیان) بشهادت رسید



گرچه خون فدائی  
گرچه مانند شطابق های خونین ای رفیق سرخ  
در استان بزرگ خون افتاده  
نگون رفتی  
تصدای آتشی در گروه می پیچید  
تا هزاران گام خون آلود رهروی سحرگاه است  
خلق می گوید تو می آبی  
خلق می گوید تو می آبی  
لرستان چشم در راه است

ببیند، عملیات را با انجام رساند، گروه  
او یک انقلابی بی باک بود اما مرکز  
عجول وی احتیاط نبود. حال چگونه  
ممکن است بدست مزدوران رژیم پنا پتکار  
جمهوری اسلامی بشهادت رسیده باشد؟  
رفیق اسکندر که بحق فرزند دلیر خلق  
زحمتکش ایران است در دامان دهقانان  
زحمتکش لر پرورش یافت. در سال ۱۳۲۲ در  
یکی از روستاهای خرم آباد لرستان  
(روستای گرزگلا) ز توابع بخش جفا لوندی  
دزبک خانواده روستائی متولد شد. از همان  
دوران نوجوانی با فقر و محرومیت نوداد.  
های زحمتکش روستا آشنا شد و موفق عملی  
نسبت به آنان در وجودش پا گرفت.

روزی که رفیق "حمید اشرف" بشهادت -  
رسید هیچکس این خبر را باور نمی کرد.  
در آن زمان اسکندر می گفت "تمی توانم  
تصور کنم که قامت پرملای رهبر کبیرمان  
نقش بزمین شده باشد" و امروز عبرت شهادت  
رفیق اسکندر نیز برای همه کسانی که اوزا  
میشتا سندا ورتگردنی است. زیرا رفیق  
اسکندر کسی است که از نوجوانی اسلحه  
بدست گرفت، دوشا دوش رفیق شهید دکتر  
اعظمی در گروه و گمرهای لرستان حماسه  
آفریند و پس از آن در کنار رفیق حمید اشرف  
با مزدوران رژیم شاه جنگید. دهها عملیات  
نظامی را به بهترین نحو فرماندهی کرد،  
بپیچیده ترین عملیات نظامی زار هبری  
نمود. بارها و بارها با مزدوران رژیم  
شاه درگیر شد و بی آنکه کوچکترین آسیبی

رفیق "اسکندر" هم رزم حمید اشرف  
با رزودیک دکتر اعظمی لرستان، مسئول  
نظامی تشکیلات کردستان طی شش ماه  
پس از انشعاب هم رزم دلیر خلق کرد،  
فرزند راستین زحمتکشان لرستان، انسانی  
طراز نوین، یکی از فرماندهان مجرب و بی  
نظیر بخش نظامی تشکیلات، و عضو کادر -  
مرکزی سازمان، روز ۶۵/۷/۱۳۲۷ در حین  
انجام وظایف انقلابیش با نیروهای مزدور  
سپح و پاسا در شهر آمل درگیر شد و پس  
از کشته وزخمی نمودن یک اکیپ گشتی  
دشمن بهمراه ۲ رفیق فدائی دیگر  
بناهای مسعود بربری و علیرضا مغیری  
طی یک نبرد حماسه آفرین و قهرمانانه  
تا آخرین فشنگ با دشمن جنگید و سرانجام  
بشهادت رسید.

نقشه در صفحه ۲

مرکز بر حزب جمهوری اسلامی زنده باد شوراهای انقلابی پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان

# فدائی کبیر رفیق اسکندر

بقیه از صفحه ۱



تعمیلات ابتدائی را در روستا و تعمیلات متوسطه خود را در شهر خرم آباد ادامه داد. در تمام مدت تعمیلات اوقات بیکساری را بکار در روستا و بیکاری در شهر میسر می برداخت و بدین طریق هر چه بیشتر زندگی اش بطور عینی با زندگی زحمتکار پیوسته خورد. او که در گروهی و از نزدیک شاهد زندگیها و بدبختی های دهقانان زحمتکش بود و در همه مسائل و جزئیات فداکاری و جان نثاری را از درک عمیق غم و رنج و فقر زحمتکاران کسب کرد. هنوز بس ۱۸ سالگی نرسیده بود که با تمام وجودش علیه بیعدالتی ها و ستم ها بها خاست. آشنائی رفیق با شهید دکتر عظمی و محمود و همچنین خرم آبادی در شکل کبیری ایدئولوژی و جهان بینی او بسیار مؤثر بود و مارکسیسم-لنینیسم را بگانه ایدئولوژی رهائی بخش بشریت یافت. بتدریج دریافت که بگانه راه معسوم بیعدالتی ها و رهائی توده ها از جنگسال ستم و استعمار و ایجاد جامعه ای عاری از ستم بیعدالتی، راه سرخ کارگران و زحمتکاران و مبارزه بی امان علیه امپریالیسم، سرما به داران و ورژیمهای حامی آنهاست. شورانقلابی رفیق، او را بمبارزه مسلحانه علیه رژیم شاه کشید. در سال ۱۳۴۲ به همراه گروه شهید دکتر عظمی بمبارزه مسلحانه علیه رژیم شاه برخاست و از این آزمایش نخستین، سرفراز بیرون آمد. یکی از رفقای اسکندر که در آن زمان با هم در گروه بودند درباره این دوران از زندگی رفیق و خصوصیات او می نویسد:

رفیق بغا طراپیکه خود از میان مردم زحمتکش برخاسته بود و بخوبی از دردهای مردم آگاه بود، خیلی زود دوستان و دشمنان مردم را می شناخت. در تمام مدتی که گروه در گروه بود و بیشترین کار او فعالیت را می کرد و کمترین توقع و انتظار داشت. بطوریکه دکتر همیشه در صحبت هایش رفیق را مثال میداد و او را سمبل مقاومت و صداقت می دانست. هر کاری که گروه تصمیم داشت انجام دهد، او فوراً پیشنهاد میکرد که یکی از افراد انجام دهند که خودش باشد. مثلاً زمانی که دکتر طرح حمله به فلان پاسگاه و یا بگروگان گرفتار کارشناسان آمریکائی را در گروههای لیستان ارائه داد، او در جواب گفت: "دکتر ما برای این عملیات تعیین کن" او بقدری شجاع، بی باک و بی ترس بود که من هیچگاه چنین شخصیتی را ندیده ام. در تمام مدتی که دکتر و محمود در غاری نزدیک بر وجود بودند، بسیار کم لحظه ای آنها را تنها نمی گذاشت و بیشترین کمک را به رفقا می کرد. ... هنگام حمله عنا سرما واک به محل اختفای رفقا، او همراه دکتر و محمود حلقه محاصره را شکستند و به میان پشته ای در نزدیکی برودر رفتند، طی مدتی که در پشته بودند یک روز که بسیار در حال آب تنی بود و واسطه اش را هم در زیر لباسهایش پنهان کرده بود، مزه دوران ساواکها خفاغ، غددی سربازجوی ساواک با او بر می خورد و وقتی رفیق را در حال

آب تنی می بینند از او سوال می کنند که توسته نفر را ندیدی که از اینجا عبور کند و رفیق آنچنان عادی و بی نوسرد جواب آنها را میدهد و اظهار بی اطلاعی می کند که هیچ تصور نکند که خود رفیق بسیار کم یکی از آن سه نفر است. در مدتی که گروه در گروه بود خاطرهای از برخورد رفیق در رابطه با مردم دارم که هیچگاه فراموش نمی کنم. در پیش روی گروه در گروه داشت به ملت تاریکی شب راه امیلی و مورد نظر را کم کردیم و مجبور شدیم از راهی بگذریم که به چادرهای مردم آمدن را بر می خوردیم و به ملت اینکه گروه مجبور بود از چراغ استفاده کند، چادرشمان متوجه شدند و آمدند ما را با خود بسپان چادرها بردند (البته گروه خود را عده ای شکارچی معرفی کرد) و بیشترین پذیرائی را از ما کردند و وقتی هم که میخواستیم برویم مقدار زیادی مواد غذایی بماندند که در عرضی دکتر مقداری پول آماده کرده بود که بجای مواد غذایی به آن خانواده بدهد. رفیق بسیار کم تصور کرده بود که ما آمدیم، مواد غذایی را خوردیم و مقداری هم می بریم. وبدون اعتنا به وضعیت مالی خانواده داریم بر همان ادامه میدهم. او را سینه و بر تنگی بریده و خشمگین (برعکس همیشه که تا دوسر حال بود) پیش دکتر آمد و گفت "می گذارم کسی از اینجا برود تا مقداری پول به این خانواده بدهد. دکتر هم بشوخی گفت "سپا، پول چرا بدیم که در اینجا رفیق بقدری عصبانی شد که من هیچگاه قیافه او را آنطور ندیده بودم و گفت اگر قرار است این طور بشود تا من تصمیم خودم را بگیرم، دکتر که دید قضیه خیلی جدیست، خندید و گفت سپا جان پول میدهم پول هائی که قرار بود بدهی به رفیق نشان داد، آنگاه رفیق با اخشنده ای صمیمانه دکتر را بوسید. ... در شرایطی که گروه از هم پاشیده بود و چند نفر به شهر بازگشتند و فقط چهار نفر باقی مانده بودند او همچنان در کنار دکتر باقی ماند. ما ندوباً لایحه پس از زمان با سازمان با تفاق دکتر تهران آمد. ...

رفیق پس از آنکه به تهران آمد بعضی وقتها سازمان در آمد. قابلیت های رزمی رفیق به او این اجازه را داد که در بخش نظامی تشکیلات نقش مهمی ایفا کند و مسئولیتهای سنگینی را بعهده بگیرد. رفیق مدتها هم شاخه (همخانه) رفیق حمید شرف بود و بر زمینه خصوصیات و استعداد های سرشاری که داشت اغلب خصیصه های رهبر کبیرمان را کسب کرده بود. بویژه در زمینه اخلاق انقلابی نمونه بود و در احراف من جنگ چریکی تجربیات و قابلیت های بی نظیری کسب کرده بود. رفیق حمید شرف بخاطر علاقه فراوان و وجوه تشابهی که بین رفیق شهید اسکندر ما دقنی نژاد و سپا مک میدید، اسم سازمانی رفیق را اسکندر گذاشت و برای همیشه این اسم سازمانی رفیق شد. رفیق اسکندر در طی زندگی مبارزاتش بالغ بر ده ها مرتبه در عملیات نظامی

شرکت داشت و فرماندهی عملیات را به عهده گرفت. از جمله عملیاتی که رفیق از هنگام پیوستن به سازمان شرکت داشت و با فرماندهی نمود میتوان جمله مسلحانه به قرارگاه شماره ۲ پلیس تهران، پیش از قیام، حمله به کلانتری تبریز، اشغال پاسگاه و ایجاد در سال ۱۳۴۲ و حمله مسلحانه به پاسگاه رودسر به حمایت از دهقانان منطقه، اشغال انقلابی سرنگ مزدور زمانی پور در مشهد، در دوران رژیم شاه و عملیات حمله به ستون نظامی دشمن در دارسان در دوران رژیم جمهوری اسلامی را نام برد. رفیق اسکندر همیشه از ترور انقلابی سرنگ زمانی پور که توانسته بود تا شورشها را ریشه کن کند و مبارزات توده های مردم مشهد برجای بگذارد بصورت یک عمل نظامی بسیار موفقیت آمیز برآید می کرد. سرنگ مزدور زمانی که در سال ۱۳۵۷ دستور داده بود که به تعدادی از مردم مبارز که در تظاهرات دستگیر شده بودند تاجا و زندگند، این اقدام حیوانی خشم و نفرت مردم را برانگیخته بود. رفیق اسکندر که در آن زمان در مشهد بود، حکم اعدام این مزدور را صادر کرد، خود فرماندهی عملیات را بعهده گرفت و شخصاً در توزیع اعلامیه ترور این عنصر جفا بکار شرکت کرد. این عمل نظامی آنچنان تاثير مثبتی بر روحیه و مبارزات مردم برجای گذاشت که مردم علناً "سه یکدیگر تیریک میگفتند و شیرینی بخش میکردند و این اقدام مسلحانه بموقع جورعب و وحشتی را که مزدوران رژیم شاه سعی می کردند بید آورند، درهم شکست. رفیق اسکندر در بیستم ماه سال ۵۷ در خوزستان بواسطه انقلابی او ادامه میداد و چون نتوانسته بود در قیام مسلحانه مردم تهران مستقیماً شرکت داشته باشد همواره میگفت: "این بار حتماً تهران خواهم بود"

بهننگام چریکی اپورتوننیسم بر تشکیلات رفیق در مقابل اپورتوننیسم راست ایستاد و فاعلان به توضیح و ترویج مواضع انقلابی سازمان پرداخت. او پس از اشغال مسئول نظامی تشکیلات در کردستان شد و با سازماندهی و سرورسا مان دادن به تشکیلات نظامی منطقه، پیش از شش ماه دوشا دوش خلق کرد علیه رژیم خنای پیکسار حاکم جنگید و از خود به دبر افخاری در قلبها و جای جای پشته های جنگ بجای گذاشت و قطعاً "خبر شهادت رفیق اسکندر در کردستان، آتش خشم و کینه پیشمرگان

بقیه در صفحه ۲



### فدائی کبیر رفیق اسکندر

بقیه از صفحه ۲

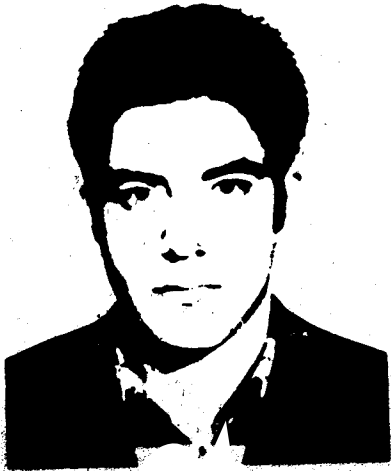
فدائی را شعله ورتروخواهد کرد و بیاید دلار و ربهای او معموم ترو قاطع تراز همیشه به روز مظهر نمون خوش ادا ما خواهد داد. رفیق اسکندر در این اواخر در تهران بو طاشف انقلابی خود ادا ما میداد و در تاریخ ۶۰/۷/۱۲ هنگامیکه برای انجام یک وظیفه انقلابی به آمل رفته بود، با مزدوران بسیج و سپاه درگیر می شود و در حالی که آخرین گلوله های خود را انتشار مزدوران میکرد، بهمراه دور رفیق دیگر بشها دت رسید.

قریب ۷ سال فعالیت انقلابی، رفیق را به یک شخصیت نمونه، منتقد و با آتوریت بدل کرده بود. او مظهر صداقت، صمیمیت، شجاعت، فروتنی انقلابی، بی باکسی، هوشیاری و خوشرویی یک کمونیست بود. او با ایمان عمیقی که طی زندگی خود به م - ل پیدا کرده بود و بر پایه پیوند زنده و عمیقی که با توده های محروم و زجر کشیده می همان داشت سراها شور و شوق و تبلوری از خشم و کین بدشمن و عشق به توده ها بود. او در یک کلاس میل - یسک فدائی خلق بود. دشمنی او با لاف و کزافها و پرگوئیهای روشنفکرانه زباز توده ها بود. او هرگز از خود و دیگران تصویریری اغراق آمیز ارائه نمیداد و در مراسم مبارزه بطور جدی جلوی بلند پروازیهای سیاسی روشنفکرانه و احساسات پوپالیست را می گرفت. او بر زبان فوق العاده صمیمی و ساده با صراحتی خاص، بیشترین و موثرترین انتقادات را طرح میکرد و اشتباهات را سربما گوشزد می کرد. او عمیقاً و با تمام وجود مفهوم انتقاد و انتقاد از خود را درک کرده بود و مداوم اصرار می ورزید و می موخت که با خطاهای خود مان برخوردی انقلابی داشته باشیم.

رفیق اسکندر پس از ده سال مبارزه - انقلابی و بی امان بدست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی بشهادت رسید. او راه سرخ کارگران را برگزید و در این راه جان باخت رفیق اسکندر فرزند راستین کارگران و زحمتکشان از میان رفت. اما راه او پای بر جا و خاطره اش جاویدان خواهد بود. ده ها صد ها فدائی دیگر در راه پرافتخار و شکوهمندی که او جان باخت گام خواهند گذاشت و هر کدام به اسکندری دیگر بدل خواهند شد.

ما (سازمان چریکهای فدائی خلق ایران) شهادت درخشان کارگران رفیق ارزنده را ضایع ای بزرگ میدانیم و شکی نداریم که برای جبران این ضایع بیش از هر زمان دیگر بر تلاش خستگی ناپذیر و مبارزه استوار و غلغل ناپذیر فدائیان خلق افزوده خواهد شد و همچون او در مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع استوار و سرسخت خواهیم ماند. خواهیم کوشید که اندوه از دست دادن رفیق اسکندر را با فعالیت شتابناک روزی و مستمر به نیروی مادی علیه رژیم جنایتکار و خونخوار جمهوری اسلامی و امپریالیستهای جهانوار بدل کنیم و به

## شهادت ستاره فروزان انقلاب، رفیق مبارز سیامک اسدیان، شعله انقلاب را افزوخته ترو نابودی بساط ظلم و جور رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی را نوید می دهد



موظفان مبارز روز زحمتکشان!

سرانجام پس از سالها مبارزه حماسه ساز در سنگر زحمتکشان و علیه ضد مردمان ما شاهده خون غلظیدن یک انسان مبارز و واقعی هستیم، یک انسان، انسانی که دزدت زندگی کوتاه ولی پربار خود به چیزی جز نابودی ظلم، ستم و نا برابری و کما میایی زحمتکشان نمی اندیشید، و چه خوب، همین آرزمان پرافتخار از او انسانی ساخته بود که بحق شایسته و مجری این وظیفه خطیر تاریخ بود. و قلب پر طپش و گرم رفیق سیامک همواره به خاطر همین می تپید. اینرا ما نمی گوئیم بلکه زندگی سراسر مبارزاتش، آشتی ناپذیری اش با رژیم مزدور پهلوی و رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی و علامه از خود گذشتگی و فداکاریش در برابر کلیه سختی ها و نابسامانی ها، بوی همین خاطر بود که نام سیامک با حماسه، مقاومت، فداکاری، شهادت و بطور کلی هر آنچه بتوان در مورد یک انقلابی جان برکف به ذهن راه داد، عجز نکرده بود.

راستی او چرا هم با رژیم مزدور پهلوی و هم با رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی دشمنی می ورزید و هر دو را دشمن زحمتکشان و توده های محروم میدانست؟

آیا بوی زعم دشمنان جمهوری اسلامی مخالف سعادت و رفاه توده های محروم بود؟ نه، او بد رستی دریافت بود این تازه دوران رسیدگان جمهوری اسلامی که از خون زحمتکشان و انقلابیون این مرز و بوم حمام خون بر آه انداخته اند بنا حق خود را و ارث خون شهدان قیام خونین ۲۲ بهمن و انقلاب میدانند، چرا چون کلیه اعمال و عملکردهای آنان به نفع ملاکین، سرمایه داران و تجار مکتبی! و بر ضد محرومان جامعه است. نگاهی به سه سال حاکمیت این رژیم به روشنی این قضیه را ثابت می نماید و نشان می دهد که

حکومتگران جمهوری اسلامی چگونه بنام مردم و علیه مردم، بنام انقلاب و علیه انقلاب قد علم کرده و با همه توان سعی در نابودی انقلاب و دستاوردهای قیام خونین ۲۲ بهمن را دارند. به همین خاطر بود که رفیق سیامک علیه بیادگرها، کشتار، خفقان، ترور و کلیه جنایات برخاست و خود را ملزم به مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی میدانست. ولی اینبار به شیوه ای نومناسب با شرایط نو. بوا ما اکنون ما با قلسی مملو از عشق به زحمتکشان و نفرت و انزجار نسبت به جانیان رژیم جمهوری اسلامی و کلیه ضد مردمان در پیشگاه توده ها عهد می بندیم که تا آخرین نفس به آرزمان محرومان و زحمتکشان وفادار بوده و راه سرخ رفیق سیامک اسدیان و یارانش را که همانا آزادی از قید بندگی و اسارت زالو فستان است، ادامه دهیم و در این راه پر پیچ و خم، همگام و پیشاپیش زحمتکشان کوچکترین سستی به خود راه ندهیم. ما همچنین با صدائی رسا اعلام میداریم که ادامه راه سرخ این انقلابی جان برکف، همانا مقاومت و مبارزه تا پای جان علیه ستم و استبداد و کلیه تبعیضات و نا برابری های اجتماع است.

بادش گرامی و راهش جاودان باد  
جاودان باد خاطر شهدای به خون خفته خلق  
نابود باد امپریالیسم جهانی به سرکردگی  
امپریالیسم آمریکا و پایگاه داغلیس  
هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق  
ایران - خرم آباد  
۲۲/مهر ماه ۱۳۶۰

سرگون با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی  
پرتوان با دردم نرفته خلق علیه  
امپریالیسم و ارتجاع  
نابود باد امپریالیسم جهانی به سرکردگی  
امپریالیسم آمریکا و پایگاه داغلیس  
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

## گرامی باد خاطر شهدای بخون خفته خلق

## نقش رفیق شهید اسکندر در موضوع گیری نیروها در استان بعد از اشعاب

هر کلمه او را با دقت کامل گوش میدادند و با ورمیکردند. کلمات عاری از دروغ او بر ملاکتند چهره واقعی او پورتویسپا بود. نظرات او را در رابطه با چگونگی شکل گیری اقلیت و اکثریت با تمام وجود گوش داده و فراموش نمیکنند. جملات خلاصه و پربارش همه را برآه میآورد. هیچ کس به او اعتراض نمیکرد. زیرا به گفته هایش باور داشتند. به مبارزات گذشته اش بسیار توجه داشتند. مبارزات پر حماسه و افتخار فرین او در همین خط جدید سازمان کارها اهمیت فراوان بود. به اعضای کم سابقه و تازه بدوران رسیده راکثریت در آن زمان اعتماد نداشته بودند و تنها را انقلابیونی بی عمل و کزافگویی سیاسی بحساب میآوردند تا انقلابیونی راستین و با تجربه را. اما در مورد اسکندر درست عکس اینطور فکر میکردند. بهر حال طبعی نظرات نیروها حول دو خط و مشی شکل گرفت. اما در استان شخصیت رفیق نیز نقش بسیار مهمی در این زمینه ایفا کرد. اسکندر بود که بیشترین نیروها را بخود جذب کرد. بدنبال انتشار نظرات اقلیت در سطح جنبش صحت گفته های اسکندر برای نیروی که به سخنانش گوش کرده بود - روشن تر و ایما نشان به او و سازمان بیشتر شد. اکنون نیز بدرستی میتوان نقش شهید اسکندر را در کل استان ارزیابی کرد. انجام نیروها در استان، به یکباره آنها در انجام وظایف انقلابی، همه و همه نتیجه فعالیت خستگی ناپذیر رفیق اسکندر و تاثیرات عمیق او بر روی نیروها بود. ما نیز به سهم خود خواهیم نوشت، - همچون اسکندر استوار و ثابت قدم در جهت تحقق آرمانهای انقلابی که همانا راهی کارگران و زحمتکشان باشد، ما لانه خستگی ناپذیر به مبارزه ادامه دهیم.

مهمی برای موضوع گیری هواداران سازمان بود. همه جوایب مواضع سیاسی او بودند. همه میپرسیدند اسکندر یکدما چریک است یا پیوسته است. هر کس کمترین شناختی از او داشت با اطمینان کامل به دیدگاه سیاسی اش رای میداد. در اوایل اشعاب اپورتونیستها تلاش میکردند از هر راه - ممکن سازمان را کوچک، ناچیز و اقلیتی محدود جلوه دهند. ولی نیروهای صادق از پذیرفتن اینگونه دلایل بوج اجتناب میوزیدند. زیرا اسکندر را در ذهن خود مجسم میکردند. اسکندر همچون کوه و همچون سازمانی قوی و پولادین و با تجربه در ذهن آنها جا افتاده بود. سازمان در وجود اسکندر تبلور پیدا کرده بود. او را تا حد پرورش قبول داشتند. بدین جهت برای آنان باور نکردنی بود که اقلیتی ها عده ای ناچیز و طرفداران خط و مشی گذشته سازمان هستند. اپورتونیستها بیش از این کاری از دستشان ساخته نبود زیرا برای آنها مقدور نبود که اسکندر را در پیشگاه نیروها بدینا جلوه دهند. از حرکت و رفتار اپورتونیستها میزدان نتیجه را گرفتند که اگر بخوانند طبع رفیق اسکندر به تبلیغ سوء بهر داند، زیرا نش متوجه خودشان شده و بیش از هر زمان نقاب از چهره پنهان شده خود برمیآوردند و چهره واقعی خود را نمایان میآوردند. شخصیت اسکندر خلعتهای انقلابی و کم نظیرش، صمیمیت و صداقتش چون چراغ نداشت. در جلساتی که اکثریتی ها برای شکافتن دیدگاههای خود تشکیل میدادند، نیروها کمتر شرکت میجستند. اما همین که میفیدند، اسکندر جلسه را در همه با شور و شوق فراوان، کوچک به کوه و خرابان به غیابان سراغ محل جلسه را میگرفتند. دیدارش با نیروها بدانشان نیروی تازه میبخشید.

بعد از اشعاب تا گهانی در سازمان اکثریت نیروها مات و بی اطلاع از مواضع دو جناح سازمانی نبودند. از چه کنند و مواضع کدام جناح را بپذیرند خط اصولی و انقلابی قبول نموده و مبنای حرکت خود را بر بستر آن تعیین نمایند. همه کج بودند از اینکه اختلافات بر چه بستری شکل گرفته و هر یک چه میگویند. اما آنها بهر حال میخواستند خود را از این بلاتکلیفی نجات دهند. به نظرات دو جناح دسترسی نداشتند. از طرفی طرفداران خط انقلابی سازمان به طرف محدودیت های تشکیلاتی و مواضع دیگر، این امکان را نیافته بودند که به نحو مناسبی - دیدگاههای اقلیت را تبلیغ و ترویج نمایند. اما نیروها بی تفاوت نماندند. آنها میخواستند نظرات را مطالعه کرده و آگاهانه بیکی از دو جریان بپذیرند. به مبارز دیگری را جهت انتخاب دو خط و مشی متضاد برای خود تعیین نمایند. در این میان اپورتونیستها راست با استفاده از امکانات وسیع خود فعلا نه به ترویج نظرات انحرافی خود پرداخته و با توسل به شیوه های مختلف در جهت جانداختن سناستهای غیبتکارانه خود کامیاب - میداشتند. اما این یکطرفه تفسیر بود. و هدف نیروها آگاهانه پذیرفتن نظرات بود. بنا بر این لازم بود مواضع اقلیت آشنا با دیدگاهند. در این رابطه شخصیت ها و افرا در برجسته و شناخته شده سازمان مدنظر قرار گرفت. شناخته شده تریبسن و با سابقه ترین کمونیت در استان رفیق شهید اسکندر بود. همه از اقلیتی صادق پیگیر و بیمنتوان سمبل سازمان برسمیت میشناختند. بدین خاطر او میا بسیار

### خاطره یک پیشمرکه فدایی از رفیق اسکندر

شهید اسکندر و شهید مختار با هم به جنوب کردستان رفتند. خبر شهادت رفیق مختار در جنگ با سپاه رژیم در مرز استان کردستان داد. چند بار گفتند: "اورا ما نه، هورا ما نه..." و بعد گفت این تکبیر کلام مختار بود. اسکندر میگفت مختار یک نظامی کار با سابقه و پرجوش بود، میگفت اکثریت در حرف با صدا انقلاب و عوامش رژیم را دعوا داد و دوما در عمل در مورد مختار گفت اگر شهید نمیشد در آینده به علت سابقه کار و تجربه ای که داشت یکی از فرماندهان ارتش خلق میشد پس از آن دیگر او را ندیدم تا خبر شهادتش را شنیدم. اسکندر رفیق با مفاشی بود. او آرزو داشت که روزی بتوانیم با زمان را در کردستان بازسازی کامل کنیم. آرزو داشت که با زهم بتوانیم مشکل قبل از اشعاب را حل کنیم. سرتیگون کنیم، تا نگاه را متوقف کنیم. و از اینکه همه امکانات را اکثریت غارت کردند، خیلی ناراحت بود. اما او هرگز از یاد پیشمرگان فدائی نماند و در برابر او نبود که پس از اشعاب - بهار آمده و ایما را آموخت. او بود که با کمترین امکان به تجدید سازماندهی نیروی نظامی در کردستان پرداخت. با او در قلب همه ما جا و پداست و مسلما خلق ما هم هیچگاه آنها را رها نکرده - فراموش نخواهد کرد. "یک پیشمرکه کرد"

برای دومین بار با رفیق اسکندر را پس از برگشت از عملیات دارسان در کردستان دیدم. با او و اولادها با او دیدم. پس از اشعاب اکثریت بود. او خیلی امیدوار بود. میگفت با یک جنگید و نشان داد که فدائیان واقعی ما هستیم. همین چند کلام و نقد رسیده و بی آلتی و از ته قلب بود که توجه شدید را بخود جلب کرد. پس از درگیری - دارسان از شهادت رفیق خیلی ناراحت بود. میگفت ای کاش من شهید میشدم و قاسم زنده بود. خیلی از شهید مصطفی تعریف میکرد. مرتب میگفت حیث شد شهید شد چقدر بر سرش با مردم برخورد میکرد. میگفت ما مجبور بودیم با کمترین امکانات در این عملیات شرکت کنیم چرا که با پدیده خلق کردن نشان می دادیم که فدائیان واقعی - کسانسی هستند. با اینکه خود اسکندر هم در تصادف ما شین کمی زخمی شده بود و با وجودیکه ۳ نفر از رفقای پیشمرکه فدائی شهید شده بودند ولی روحیه خوبی داشت. در مقابل کسانیکه به طمنه میگفتند شما با این امکانات ناچیز چگونه رفتید - جنگ میگفت از درون همین عملیات - است که ما زمان رشد میکنیم و دستا کید میگردیم البته با تبلیغ و ترویج سیاسی بدنبال آن. بعد از درگیری دارسان

## گزارش درگیری و شهادت رفقا

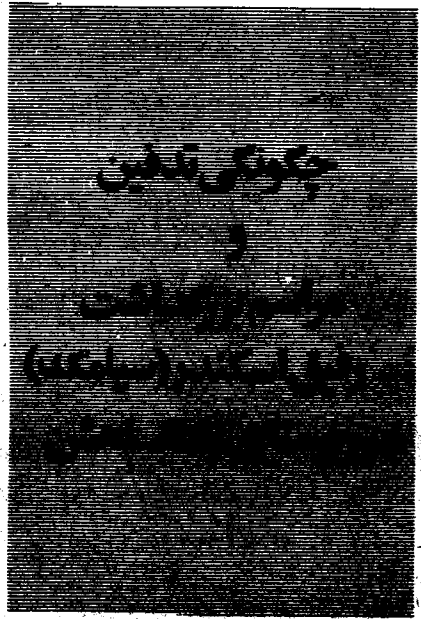
بقیه از صفحه ۲

متوقف میکنند اما این ماشین حامل دادستان بوده و سه پاسدار داخل آن - بلافاصله پس از توقف ماشین رفقا را به رگبار میزدند و از آنجا که رفقا آمادگی لازم جهت مقابله را نداشتند و ماشین فوق را ماشین معمولی تصور کرده بودند - امکان دفاع فوری را نمیآوردند. پس این وجود رفقا که بشدت زخمی شده بودند در پشت تراکتوری سنگرمی بودند و تنها آخرین گلوله به دفاع میپرداختند. در این درگیری که ملاقاتی بر رفیق سپاه مکر و رفیق مسعود بلافاصله شهید و رفیق علیرضا از هر دو دست بشدت زخمی شدند استخوانهای کف دستش می شکنند و سه انگشت قطع میشود و با نتیجه دستگیر و پس از یک هفته بجوخه اعدام سپرده میشود.



# گزارش درگیری وشهادت رفقا

روز دوشنبه ۱۳/۷/۱۳۶۰ ساعت ۲/۲۵ بعد از ظهر یک ماشین گشتی سپاه با چهار سرنشین در ابتدای جاده کمربندی آمل به رفقا مشکوک شده و برای بازرسی ماشین رفقا بطرف آنها می‌بندد، رفقا بلافاصله با اسلحه بوزی هر چه زودتر با رفقا رزمی می‌کنند دو نفر بلافاصله کشته و یک نفر شدت زخمی شده و یک نفر از مزدوران می‌گریزد و رفقا سلاحها را برداشته و برای خروج از منطقه درگیری به میان شالیزارها می‌کنند. جاده میروند حدود ۲۰ دقیقه بعد از شروع درگیری حدود ۲۰۰۰ پا سدا منطقه را محاصره می‌نمایند، ولی رفقا قهرمانانه محاصره را شکسته و از منطقه خارج میشوند. با سدا ران به تصور اینکه رفقا هنوز در محاصره هستند دیوانه وار و هراسان به میان شالیزارها شلیک می‌نمودند، بدون توجه اینکه ممکن است انسان بیگناهد دیگری در میان شالیزارها باشد. رفقا در نقطه دیگری از جاده پست از دوسا محبت ماشین را جهت معا دره و ترک منطقه عقبه در صفحه ۴



برسد؟! با وجود وجود کمونیستی ایجاد شده، با وجود ترس حاکم از مزدوران رژیم، ترس اینکه می‌تواند با سدا ران در دیدار از خاک نواده، سپاه یک دستگیرشان کنند و با آکا های برهنگانه با لادینگر معا کماهی در کار نیست و هرگز را دستگیر کنند بی محاکمه اعدایش می‌کنند، از فردای روز دهن دسته دسته روستا شان پیدا ده سوار بر تراکتور و وانت و مینی بوس به دهن خاک نواده این کمونیست با سابقه و فدائی کبیر شتافتند و در نوحه سرایشی های خود به زبان لری و لکی از او حما سه ها خواندند:

بر ارا رمون خومی ها مه سررات  
زنهار و مد زنها رگوانگی سات  
(بر ارا گرمها ن خورم هستی، سر  
را هت هستم،  
زنهار و مد زنها رکه کوتاه نیایی  
همیشه (راهت را ادا مدهی))

دوبلنگی گردنت دم و شونت  
دو عزیز می خورم قسم و جونت  
(ا ز بس قند رشید است دستم بر شانه ات -  
نمی رسد - آنقدر عزیز که قسم به جانست  
می خورم)

قهو با ریگی مه قطار پرشنگ  
شون دات و سنگردست دابه و جنگ  
(به با لایا شین کمرت قطار پرا ز فشننگ  
بسته ای - تکیه ات را داد ای به سنگرو  
شروع به جنگ کردی)

چه نه سنگرت شنگی دیمه و  
قدیم کوزی بهم زابیم و  
(به سنگر رفتم و فشنگی را آنجا دیدم -  
از قدیم چشماتم کور بود با دیدن آن بیناندم)

خوری خوبه دمین خورجو  
سربه شویه سردا کش بشکنه سرو به لرونه  
(خوری خوبست میان گله تو جان باشد -  
جنگ کند سرش بشکند (کشته شود) اما سر  
برنگرداند. (جا نزند)

موش کوشیا به دوشیر جنگی  
به گو سیا به یکی "اعظمی"  
(میگویند دوشیر جنگی کشته شده -  
یکی شان سیا مک است و یکی اعظمی)

جسد ملایت رفیق، صبح چهارشنبه ۲۲ مهر به زادگاهش روستای گرزگل از روستاهای چغلوئندی اطراف خرم آباد لریستان رسید. فقط خانواده و اقوام نزدیک و برخی از رفقا و همسنگرانیش انتظار او را می‌کشیدند. قرا بود غیر به هیچ وجه پخش نشود تا برای رساندن جسد به مقصد مشکلاتی از طرف رژیم ایجاد نشود. با وجود این منتظرین خود را آماده هرگونه برخوردی با مزدوران رژیم نموده بودند و همین آماجگی بود که مزدوران رژیم را از دخالت در مراسم بازداشت چرا که تجربه تعویض تا بلوی بیمارستان دکتر هوشنگ اعظمی و مقاومت یکپارچه ایلات و عشا بر برای برگرداندن این تابلو را به چشم دیده بودند. مزدوران رژیم دورا دور نظر ره گر چریا ن شدند. جسد رفیق در خانه روستائی یکی از همسایگان شسته و کفن گردید و سپس جنازه او در کنار آرا مگاه ابدی فدائی دیگری از همین خانواده "انشاء الله" اسدیان دفن گردید.

رفیق درگورستانی خلوت و درو افتاده در روستای زادگاهش و در دامنه کبوه پونه، محلی که از آنجا برای همیشه روستا را به قصد مبارزه با رژیم شاه تسرک کرده خاک سپرده شد. ولی این محل گرچه دور افتاده است ولی در میان روستاهائی جای دارد که روستائیان زحمتکش آن همه میدانند این جایگاه پیرت و دور افتاده جایگاه واقعی رفیق نیست. بلکه جایگاه واقعی او قلب تپنده و گرم تک آن روستائیان مبارزی است که آتش خشم و کینه سیا مک نسبت به رژیم ذر ذل انسان شعله و راست

پس از دفن رفیق بود که خبرشاه دتشن دهان بدهان در میان روستائیان پیچید. خبرشاه دت سیا مک این چریک فدائی خلق، خبرشاه دت این کمونیست جا نبر کف و صادق، خبرشاه دت این هم سنگر دلبر دکنتر هوشنگ اعظمی، دهان بدهان در شهرو روستا پیچید.

هیچکس این خبر را باور نمی‌کرد، همه می‌گفتند سیا مک شجاع و نترس بود. سیا مک که دوران رژیم شاه را پشت سر گذارده و با رها و بارها با مزدوران شاه جنگیده، چگونه ممکن است در این رژیم به شاه دت

روز مراسم و تجمع در سزار طبق آداب و رسوم این روستا شان در روزهای پنجشنبه انجام می‌شود. از این مراسم بزرگداشت رفیق فردای روز دهن کله پنجشنبه بود برگزار شد. در این روز حدود ۱۵۰۰ نفر در مراسم شرکت داشتند.

در مدت هشت روز بعد از دفن رفیق تا روز پنجشنبه بعد که هفتم برگزار میشد دره سا علیخانه، رفیق برای روستا شان دیدار رکننده بود و از آنجا شبکه خانوادگی رفیق به خاطر اینکه روستا شان را تحت فشار آداب و سنن عشا بری قرار ندهند هیچکس را دعوت به شرکت در مراسم و برای دیدار نکرده بودند. این مردم با میل و رغبت خود بدون دعوت می آمدند و میرفتند در روز هفتم حدود ۲۵۰۰ نفر از روستا شان در مراسم شرکت داشته و با رفیق را گرامی داشتند. در این روز دانش آموزان پیشگام لریستان و هواداران سازمان در روستاهای چکنی و رفقا و همسنگران دست گلها شنی را که به عکس آراسته شده بود با پیا مه های نوشته شده ای بر سر سزار رفیق حاضر شدند. آن گلها با تمویر رفیق و پیا مه های نوشته شده شوری وصف نا پذیر در شرکت کنندگان بوجود آورد آنها را از خود بیخود نمود.

بر خلاف روستا شان، مردم شهر و روستا فکرا ن به خاطر جو آرایجا شده توسط رژیم، جز تعداد ناگشتنا ری - در این مراسم شرکت نداشتند. ولی کلا "مراسمی کله برای رفیق گرفته شد، نه تنها رفقا و هواداران سازمان را راضی نمی نمود، بلکه روستا شان نیز آنرا قبول نداشتند و این جمله دهاندها آنها میگفت: به امید روزی که این رژیم سرنگون شود درسا لگرد سبک این صرا ارا زما شین شود. آن روز است که معلوم میشود سیا مک در سرا بران چقدر محبوبیت دارد و مورد احترام است.

# فدائی شهید مسعود پوری

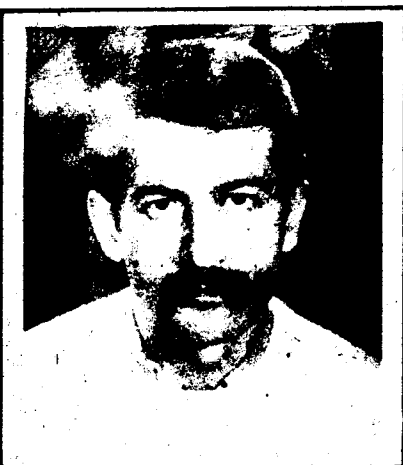


در اسفند ۱۳۳۵ در یک خانوادۀ کارگری در تهران متولد شد. پدرش را نندۀ کامیون بود و در سال ۱۳۴۲ در شرکت واحد اتوبوس رانی استخدام شد. رفیق از سالهای اول دبیرستان که معا دف با سالهای ۲۹ و ۳۰ بود در یکی از دبیرستانهای نازی -

آبا ددرس میخواند، با مسائل سیاسی آشنا شد. آشنا شد با مسائل سیاسی از طریق یکی از اقوامش که دانشجوی دانشکده بود و به خانه آنها رفت و آمد داشت آغاز شد و مطالعه را با کتابهای ضدبهرنگی و - چگونه انسان غول شد آغاز کرد. در سال ۵۲ به احوال منتقل شدند و او همزمان با آن از آشنائی با رفقای آگاه کلاس هسته ای تشکیل دادند و به نوشتن و دستنویس - اعلامیه ها اقدام میکردند در این زمان با رفیق مهدی علوی شورش را در تسلط بود. در خرداد ۵۳ پس از اتمام دوره - دبیرستان کنونی از احوال تهیه تحصیل ادامه داد و چون ساعات تحصیل در آنستند و بعد از ظهرها بود صبحها در یک تعمیرگاه لوازم خانگی بکار مشغول شد. سال ۶۰ پس از اتمام دوره به سرپای رفت و پس از طی دوره آموزشی به تهران منتقل شد که مقارن با اوچگیری جنبش خلق بود و به همراه تعدادی از سربازان انقلابی - با دگان را ترک گفتند. در مقطع قیام ما تند قطره ای از دریای بیکران خلق که بر علیه نظام دیکتاتوری شاه بر خاسته بود پس از بدست آوردن اسلحه از با دگان نیروی هوایی در تبعیر با دگان مشورت - آبا در شرکت داشت. بگفته پس از قیام به دنبال دعوت از پرسنل انقلابی ارتش در دانشکده صنعتی، رفیق نیز با دگان رفت و از جانب با دگان، محابرات گروه ۰۱ - سربازانی که در آنجا بودند و قبلاً با رفیق

هم دوره بودند و او را به نما پندگی انتخاب کردند و نما پندگان، قطعنامه ای با این مضمون که تا زمانیکه فرما ندها از ارتش خلق و مجازات نشوند و نظام ارتش شورائی نگردد به با دگان باضمیمه گردند تنظیم کردند که پس از آن شد و تصویب آن از سوی حاضرین، به آرزوهای مختلف سرستادند. رفیق نقش بسزائی در تنظیم و نوشتن را و اولین شماره نشریه سرپای و انقلاب داشت. پس از اتمام دوره سرپای در رشته فیزیک شبا نهدا دانشکده تربیت معلم قبول شد و همگامی با پیشگامان آغاز کرد. در مقطع انشأ پس از یکماه مطالعه مواضع سازمان وارد مواضع پورتونویستی اکثریت، در بخش دانشجویی سازمان فعالیت را آغاز کرد. ضمن اینکه رفیق مجبور بود برای کمک به تا مین هزینه های خانوادۀ ما را نیز از وقتش را بگذراند. رفیق پس از انقلاب دوبار دستگیر شد. اولین بار حسین بخش و فروش کار در خیابان مولوی بود و دوبار در دومین دستگیری ۱۷ بهمن بود هنگامیکه مزدوران کمیته به سرکوب انقلابیون پرداخته بودند و او را حالیکه به دفاع از چند رفیق که مورد ضرب و شتم قرار گرفته بودند و او را در عمل شده بود دستگیر و به شهرک غرب منتقل شد که پس از یک شب با زدن آژاد شد. رفیق بدلیل خصوصیات برجسته و انقلابی که داشت توانائی و کارآئی - ها پیش از جمله در زمینه استفاده از سلاح از چند ماه پیش در کمیته نظامی سازمان به فعالیت خود ادامه داد و سرانجام در دستگیری با مزدوران سیا در پست چریکری آمل پس از گذشتن چند مزدور به شهادت رسید. او نمونه بازرگ فدائی خلق بود. پشتکار، صداقت و شور و انقلابی، عشق عمیق به خلق و کینه عمیق به دشمنان خلق از خصوصیات با زرفیق بود.

# فدائی شهید علیرضا صفری



زحمی و دستگیر شد مزدوران و با سداران سرما به رفیق را پس از آنکه نمایان بلاناطه به با زوجی بردند اما از آنجا که دستها پیش شدید چرا که کرده بود مجدداً به بیما رستان آورده و از آنجا که معا وقت دلبرانه رفیق در مقام مسئول شکرانه کران و روحیه انقلابی او و جوانان را از کسب اطلاعات تا میدکرده بود سر - انجام بگفته پس از دستگیری او را از تخت بیما رستان بزرگ کشیده و به جوعه عدا مسپردند.

برقرار نمود، تا خف کردستان سازمان - برای ایجاد یک مرکز آموزش نظامی وی را ما مورمطالعه در این زمینه نمود و او علیرغم بیماری بسیار در یک دوره یک ماهه با پیشمرگان فدائی حرکت نمود و سپس دوباره به تهران اعزام و در کمیته نظامی سازمان به فعالیت ادامه داد. علاوه بر آن رفیق حمیدیک دوره نظامی در خارج از کشور دیده و در بسیاری از دستگیریهای اولیه کردستان مسئولیت عملیاتی داشته است. یکی از عملیات برجسته رفیق در تهران در تبعیر - عملیاتی علیه خانه مخفی مزدوران - رژیم در خیابان تنگابین بود. این خانه مخفی، لانه ساوا، مرکز توطئه چهره خواران رژیم و تجمیع عملیاتی آنان بود که چند روز پس از این عملیات موفقیت آمیز مزدوران رژیم که متوجه شدند خانه مخفی شان لو رفته است آنرا تخلیه کردند. سرانجام رفیق در دستگیری مسلحانه ۶۰/۷/۱۳ در آمل از هر دو دست بشدت

رفیق شهید علیرضا صفری در خرداد - ماه ۱۳۳۵ در تهران متولد شد و دوره تحصیل را نیز در تهران گذراند. آگاهی و شور و انقلابی از رفیق صفری مبارزو - فعال ساخت که با تمام وجود در راه - آرمانهای انقلابی کارگران و محنتگان کام بهر میداشت. رفیق علیرضا صفری - (حمید) در دوران قیام با شرکت فعال خود در جنبش بوده ای و در جریان خلق سلاح با دگانها و کلاسش به عنوان یک هوادار سازمان فعالانه شرکت داشت و جارت و کار فدائی نظامی را آموخت. پس از قیام با سازمان ارتباط نگاه پیدا کرد. رفیق حمید پس از مدتی به تشکیلات کردستان سازمان اعزام شد و در بسیاری از دستگیریها و متحمل شده درگیریهای با نه شرکت فعال داشت. وی مدتی در کمیته تدارکات نظامی سازمان در کردستان کار میکرد و سپس مسئول نظامی منطقه اشوبه شد. رفیق حمید پس از انشأ با سازمان ارتباط



# وعده وعید بس است . برای تامین کار و مسکن ، علیه رژیم متشکل و متحد شویم

خمینی پیش از قبضه قدرت برای فریب توده ها میگفت :

"ما میخواهیم مملکتمان مال خودمان باشد . . . گرسنه ها را سیر کنیم ، برهنه ها را لباس دهیم ، بی خانه ها را خانه دار کنیم ، ظالم ها با این منطق مغالفتند" ۵۸/۹/۱۷  
"همه محرومان با پدخانه داشته باشند ، هیچ کس در هیچ گوشه مملکت نبا پداز داشتن خانه محروم باشد" ۵۸/۱/۱۲

خمینی با وعده کار ، مسکن و آزادی توده ها را فریب داد و قدرت را قبضه کرد و حتی تا ماهها پس از قیام که هنوز مردم مسلح و متشکل بودند چهره خدمردمی خود را نشان نداد . او با فتواها و دستورات خود مردم را خلع سلاح کرد ، شوراها را توسط مزدوران رژیم قبضه کرد و تشکلهای توده ها را از هم پاشید و سپس با وقاحت گفت :

"مگر این انقلاب برای این بوده است که یک خانه ای به مردم بدهد ؟ یک کسب و کاری ایجاد کند ؟" ۵۹/۳/۸

## مردم مبارز ! زحمتکشان رزمنده !

نه تنها وعده های خمینی انجام نشد ، نه تنها کار ، مسکن و آسایش توده ها تامین نشد بلکه بیگاری ، بی خانمانی و فقر گسترش یافت ، میلیونها مردم آواره شدند ، خانه بر سر آلودگ نشینان خراب شد و هرگونه اعتراض توده ها با گلوله پاشی سرکوب شد .

زیرا :  
کمیته ها ، باندهای سیاه ، پاسداران و تمامی مزدوران جمهوری اسلامی مسلح هستند اما مردم را خلع سلاح کرده اند .  
مؤسسات دولتی ، ساواک و تمام دستگاههای ضد انقلابی با زسازی و منسجم شده است اما شوراها را انقلابی مردم سرکوب شده و هرگونه تشکل توده ها با سرکوب مواجه میشود .  
زیرا : مردم متشکل و مسلح نیستند .

پس :

مرکز پرورشی جمهوری اسلامی و تمامی ارگانهای مسلحش

مرکز بر خمینی جنایتکار

زنده باد شوراها و انقلابی و مسلح توده ها

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران